از دیدگاه اهل سنت

# مسائل بنیادین




مؤلف: مصطفی مشهور

مترجم: محمد جبروتی

# مسائل بنیادین دعوت

مؤلف: مصطفی مشهور
مترجم: محمد جبروتی

مشهور، مصطفی

مسائل بنیادین دعوت / مولف مصطفی مشهور

مترجم محمد جبروتی / تهران: احسان، ۱۳۸۸.

۱۱۲ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س م.

فیپا

شابک: ۹-۶۹۹-۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸

عنوان قراردادی: قضایا اساسیة علی طریق الدعوه. فارسی

موضوع: اسلام -- تبلیغات

شناسه افزوده: جبروتی، محمد، ۱۳۴۸-، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۴۱ ۶۰ق ۵م/۶۲/BP۱۱

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۰۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۰۷۶۷۷

## مسائل بنیادین دعوت

| | |
|---|---|
| ✦ مؤلف: | مصطفی مشهور |
| ✦ مترجم: | محمد جبروتی |
| ✦ ناشر: | احسان |
| ✦ تیراژ: | ۲۰۰۰ جلد |
| ✦ صفحه آرا: | نادیا محمدی |
| ✦ نوبت چاپ: | اول ـ ۱۳۸۸ |
| ✦ چاپخانه: | مهارت |
| ✦ قیمت: | ۲۳۰۰ تومان |

ISBN: 978-964-356-699-9

شابک: ۹-۶۹۹-۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸

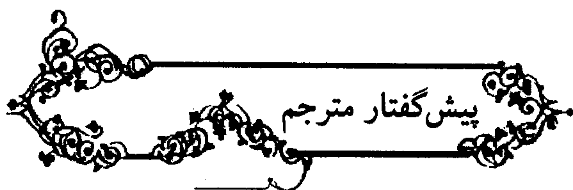


■ دفتر مرکزی: تهران . خ انقلاب . خ صفی علیشاه. کوچه تهرانی، پلاک ۳۴ تلفن ۷۷۵۳۷۶۵۵

■ فروشگاه: تهران . خ انقلاب . روبروی دانشگاه. مجتمع فروزنده . شماره ۴۰۶ تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

# فهرست




# پیش‌گفتار مترجم

﴿ٱدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلْحِكْمَةِ وَٱلْمَوْعِظَةِ ٱلْحَسَنَةِ...﴾ (نحل/ ۱۲۵)

*«(ای پیامبر! مردمان را) به راه پروردگارت با حکمت و اندرزهای نیکو و پسندیده فراخوان....»*

دعوت اسلامی، یعنی فراخواندن مردم و راهنمایی آنان به راه درستی که سعادتمندی و رستگاری دنیا و آخرت را به‌دنبال دارد، از وظایف پیامبران -علیهم السلام- بود. خداوند دین‌اش را فرستاده تا مردم را از تاریکی ظلم و جهل رهایی بخشد و به نور ایمان رهنمون شود؛ و پیامبران را برانگیخته تا مردم را به سوی خدا فراخوانند و آنان رابا پذیرش امر دعوت، پاک بگردانند و دست آنان را بگیرند و در پرتو نور ایمان به قله کمال انسانی و خودسازی برسانند و از دنباله‌روی و پیروی خواهش‌های نفسانی پاک بگردانند، تا این‌که کردارشان را برای خداوند انجام دهند و خشنودی او را بجویند.

بر مؤمنی که نسبت به دین‌اش احساس مسؤولیت کند و خواستار راهنمایی مردم باشد، لازم است که با به کارگیری تمامی امکاناتی که در دسترس دارد، با رعایت شرایط زمان و مکان و افراد، برای دعوت به سوی خدا تلاش و فعالیت کند و فعالیت‌اش را خالصانه برای خداوند انجام دهد و با گفتار و کردارنیک، الگوی نیکی برای دیگران باشد.

افراد بسیاری هستند که دارای فطرتی پاک‌اند، اما دعوت به آنان نرسیده یا اشتغال به کارهای دنیوی آنان راغافل کرده است، و برداشت صحیح و درستی از اسلام ندارند و ناخواسته در چنگال جهل گرفتار شده‌اند، که نیازمند افراد دلسوز و فرهیخته‌ای هستند که با دراز کردن دست یاری به سوی آنان، راه را در پیش روی‌اشان روشن بگردانند و

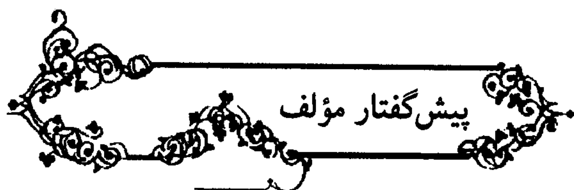
آنان را پند و اندرز دهند و با زبانی نیکو و کرداری زیبا با آنان سخن بگویند و راه دعوت را سهل و آسان و بی‌هیچ پیچیدگی و پوشیدگی به آنان بنمایانند و برای به ثمر نشستن نتیجه‌ی کارشان شتاب نورزند، بلکه نتیجه کارشان را به خداوند بسپارند.

بر دعوتگران راه حق لازم است که دلسوزانه و با مهر و محبت به میان مردم بروند و در میان آنان به تجدید فهم اسلامی بپردازند و با نهی کردن از منکرات، زمینه‌ی تحقق معروف را مساعد سازند و تلاش کنند تا استعدادهای بالقوه دیگران را به فعالیت درآورند و به حد کمال برسانند و همچنین تلاش کنند تا مردم با افکار و ارزش‌های اسلامی زندگی کنند و رفتارشان را بر اساس قرآن و سنت تنظیم کنند.

بی‌شک مسؤولیت دعوت مردم به دین اسلام، شریف‌ترین کار و سخن‌گفتن در مورد آن نیکوترین گفتار است.

کتاب حاضر که برگردان کتاب «قضايا أساسية على طريق الدعوة» تألیف استاد مصطفی مشهور یکی از دعوتگران و فعالان در راه دعوت است که گرمی و سردی دعوت را از نزدیک لمس کرده و تجربه‌های ارزشمند خود را با بهره‌گیری از قرآن و سنت به رشته تحریر درآورده و به دعوتگران راه حق تقدیم کرده است. امید است که این کتاب چراغی باشد بر فراز راه کسانی که می‌خواهند برای هدایت دیگران به‌پاخیزند.

**مترجم: محمد جبروتی**




همانگونه که امام بنا، گفته است: راه دعوت اسلامی یک راهی است که رسول خدا ﷺ و یارانش پیش از این، آن را پیموده‌اند، همچنین دعوتگران حق بر آن راه رفته‌اند، با خواست و کمک خداوند متعال ما نیز بعد از آنان ادامه دهنده‌ی این راه هستیم و خواهیم بود. مفاد و لازمه‌ی آن راه عبارتند از: داشتن ایمان، انجام عمل صالح، داشتن محبت و دوستی و با یکدیگر برادر بودن و برادروار زندگی کردن.

رسول خدا ﷺ یارانش را به ایمان و عمل صالح دعوت کرد، سپس دلهایشان را بر، داشتن محبت یکدیگر و ایجاد عقد اخوت بین‌شان گرد آورد، نیروی ایمان با نیروی وحدت و یکپارچگی جمع شدند، در نتیجه جماعت آنان جماعت نمونه و ممتازی شد، که لازم بود خواسته و وحدت کلمه‌اش در جامعه آشکار شود، و دعوتش پیروز گردد، گرچه تمامی زمینیان با آن به مخالفت برمی‌خواستند؛ چون فراهم کردن زمینه‌ی رشد و بسترسازی برای پیشرفت دعوت، و تلاش و جانفشانی در راه آن منجر به پیروزی و بارور شدن آن تلاش‌ها می‌شود.

ایمان را پذیرفتیم و شربت گوارای دعوت را چشیدیم و با جان و دل شیفته‌ی آن شدیم. بی‌گمان در ژرفای وجودمان برای راه دعوت انعکاس و بازتابی پدیدار شد و با هر بار ضربان قلبمان برای آن هم تپشی بود، نمی‌دانم که آیا راه دعوت عضوی از ما شده یا این که ما جزئی از آن شده‌ایم؟!

اما آنچه که لازم است دانسته شود و به آن تأکید می‌کنیم و به آن یقین داریم

این است که در صورت دور ماندن ما از راه دعوت، هیچ ارزشی برای ما و هیچ رنگ و بو و لذتی برای زندگی ما وجود نخواهد داشت، اگر خدای ناکرده ما پیوسته بر راه دعوت حرکت نکنیم و در آن راه استقامت نداشته باشیم، در این صورت کسان دیگری گوی سبقت را ربوده و آن راه را طی خواهند کرد. از خداوند می‌خواهیم که ما را از فضیلتِ رفتنِ در راه دعوت و پایداری بر آن محروم نگرداند تا این که بمیریم و خداوند را با چنین حالتی ملاقات کنیم!

روزگاران و حوادثی را که در راه دعوت سپری کرده‌ایم و موضع‌گیری‌هایی که در این راه داشته‌ایم و با آن زندگی نموده‌ایم، تأثیر ژرفی را در وجود مابه‌جای گذاشته، و بر محبت‌مان نسبت به آن و افتخارمان به آن افزوده است، همچنین بر عشق و محبت ما نسبت به کسانی که آن راه را برگزیده یا این که آن را در آینده راه و روش زندگی خود بر می‌گزینند، در وجودمان افزوده است.

بی‌شک مردان و زنان و جوانان مؤمنی راه دعوت را پیموده‌اند و می‌پیمایند و خواهند پیمود، که همگی آنان با میل و رغبت خودشان این راه را برگزیده‌اند و برای انتخاب این راه هیچگونه اجبار و اکراهی از جانب کسی متوجه آنان نشده است، بلکه آنان بعد از قانع شدن درونی و یقین حاصل کردن بر حق بودن راه دعوت، آن را برگزیده‌اند؛ چون‌که برای انجام وظایف اسلامی آن راه، یگانه راه درست و صحیحی است. همچنین برای محقق ساختن عقاید اسلامی در میان مردم و حاکم گرداندن احکام و شریعت اسلامی و برپایی دولت اسلامی و خلافت اسلامی، راه دعوت، یگانه راه درستی است و نیز تنها راه دست‌یابی به خشنودی خداوند و رسیدن به ثواب و نعمت‌های او همان راه دعوت است.

به خاطر حقی که راه دعوت و رهروان آن بر گردن ما دارند، همچنین برای اثبات عشق و محبت و عزتمند شدنمان به وسیله آن راه، و نیز در پرتو تجربه‌هایی که در این راه کسب کرده‌ایم، برخی از مسایل اساسی را به جویندگان آن راه تقدیم می‌کنیم، با این امید که مسایل عرضه شده، افرادی را برای حمایت از این راه یاری دهد و رهروان آن را از منحرف شدن و در جا زدن و جدا شدن از آن و متفرق

شدنشان کمک کند، از خداوند متعال می‌خواهیم که در بیان این مطالب ما را یاری دهد، و ما و برادران ایمانی‌مان را برای استقامت در آن موفق گرداند!

از جمله مسایلی که در این کتاب بیان خواهیم کرد عبارتند از:

۱ـ داشتن بینش و آگاهی کامل از مسیر راه، ۲ـ پایداری و پیوسته کارکردن، ۳ـ داشتن نیرو، قدرت، رشد و حفظ اصالت، ۴ـ رساندن آئین این راه به نسل‌های بعدی، ۵ـ برنامه‌ریزی و ترسیم نقشه برای فعالیت در این راه و پی‌گیری آن.

### (۱) آگاهی کامل از مسیر راه دعوت

از اساسی‌ترین مسایل و ضروری‌ترینِ آنها که لازم است رهرو راه دعوت بر آن اهتمام بورزد و برای آن هزینه کند، عبارت است از: داشتن آگـاهی کـامل و بینش روشن از مسیر راه دعوت، و شناختن نشانه‌ها و هر آن‌چه را که با آن ارتباط دارد، تا این‌که در آغاز راه با دیدی باز و آگاهی کافی گام بردارد؛ زیرا چنین آگاهی و بینش، همانطوری که بیان خواهیم کرد، دارای فایده‌ای بس بزرگ است.

بر دعوتگری که دیگری را دعوت می‌کند تا راه دعوت را بپیماید، لازم است که ویژگی‌های راه را برای او بیان کند، تا آن فـرد ایـن راه را از روی قـانع شـدن درونی و فکری و بینش کامل انتخاب کند.

عرفاً و عادتاً مشاهده می‌کنیم کسی که بخواهد به جایی برود ولی از مسیر آن آگاهی کافی نداشته باشد، از کسانی که آگاهی و شناخت کافی از راه رسیدن به مکان مورد نظر را دارند می‌پرسد و بر شـناخت ویـژگی‌های راه و آنـچه بـه آن مربوط می‌شود حریص می‌شود تا این که راهش را گم نکند، و تلاش و کوشش و وقتش را بدون رسیدن به مقصد، بیهوده تلف نکند.

از طـریق اولی کسـی کـه مـی‌خواهـد راه دعـوت را بـپیماید تـا بـه بـالاترین آرمانهایش دست یابد، لازم است از کسانی که به آنان اعتماد دارد، ویژگی‌های راه را به طور دقیق جستجو کـند و آگـاهی لازم را بـه دست بـیاورد تـا از آن راه منحرف نشود، و در میانه‌ی راه بـه طـور نـاگـهانی بـا کـارهایی کـه انـتظارش را نمی‌کشید و برای آنها پیشگیری‌های لازم را انجام نداده بود روبرو نشود، که این گونه کارهای ناگهانی موجب سردرگمی فرد و ایجاد شک در درست بودن راه می‌شوند یا یک حالتی برایش پدیدار می‌گردد که منجر به درجا زدن و مـتوقف شدن و یا منحرف شدن از راه دعوت می‌شود، در صـورتی کـه داشـتن عـلم و

آگاهی پیشاپیش از ویژگی‌های راه و مراحل آن و مشکلات و سختی‌هایی که در میانه‌ی راه روی می‌دهند، بر اعتماد و آرامش او می‌افزاید و هنگامی که در میانه‌ی راه با این گونه مشکلات و ناگواری‌ها روبرو بشود، دچار سردرگمی و لغزش نمی‌شود، چون می‌داند که آن ناگواریها از ویژگی‌ها و نشانه‌ها و علامت‌های راه دعوت هستند و وجود آنها دلیلی است بر این که او در راه راست و درست حرکت می‌کند.

● پس باید هدف از پیمودن راه دعوت به طور کامل روشن و آشکار و به‌دور از هرگونه ناخالصی‌ها و شائبه‌ها باشد. مسأله‌ی اساسی و راه موفقیت و رستگاری همین است، پس در پیمودن این راه هدف اصلی خداوند است. تلاش می‌کنیم با پیمودن راه دعوت به رضایت و خشنودی و نعمتهای بی‌کران او دست و از آتش دردناک جهنم رهایی یابیم، به خاطر استجابت و پذیرش فرمان خداوند که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنجِيكُم مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۞ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ۞ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِى جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ۞ وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ ٱللهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ﴾ (صف ۱۰-۱۳)

*«ای مومنان! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک دوزخ رها سازد؟ (و آن این است که) به خدا و پیامبرش ایمان آورید و در راه خدا با مال و جان تلاش و جهاد کنید. اگر بدانید این برای شما (از هر چیز دیگری) بهتر است. (اگر این تجارت را انجام دهید خداوند) گناهانتان را می‌بخشد و شما را به باغهای بهشتی داخل می‌گرداند که از زیر (کاخها و درختان) آن جویبارها روان است، و شما را در خانه‌های خوبی جای می‌دهد که در باغهای بهشت جاویدان ماندگار،*

*واقع شده‌اند. پیروزی و رستگاری بزرگ همین است. (گذشته از این نعمتها) نعمت دیگری هست که آن را دوست دارید (که آن هم) پیروزی خدادادی و فتح نزدیکی است و به مؤمنان مژده بده.»*

کسی که قصد دست یافتن به مال دنیا و رسیدن به پست و مقام و یا آرزوهای این چنینی دارد، پس باید راه دیگری ـ غیر از راه دعوت ـ را انتخاب کند و در پیش بگیرد چون راه دعوت از سالک و رهرواش می‌خواهد که جان و مالش را در این راه برای رسیدن به اهداف والایش، فدا کند. بلکه همه آنچه را که در اختیار دارد از جمله وقت، فعالیت، تندرسی، دانش و آگاهی و دارایی‌های دیگرش را ببخشد، به امید دست یافتن به ثواب خداوند متعال.

برای رسیدن به این آرمان والا، می‌طلبد که فرد دارای نیت خالصانه ومخلصانه‌ی مداوم باشد، و باید پیوسته با بیماریهای قلبی، که صاحبش را هلاک می‌کند و عملش را نابود می‌سازد و او را از صف صادقین مخلص دور می‌گرداند، مبارزه کند.

● همچنین بر پیماینده‌ی راه دعوت لازم است هدفی را که دنبال می‌کند و برای محقق شدن آن تلاش می‌کند، با تمام ویژگی‌ها و ابعاد وجودیش روشن و آشکار باشد، و درپی آن، تلاش‌های لازم برای محقق شدن آن، از جمله وقت و جهاد و فداکاری‌های جانی و مالی را به‌کار گیرد.

### برپایی خلافت اسلامی هدف ما است

هدف از پیمودن راه دعوت، برافراشتن پرچم دین خداوند در زمین است، این هم به وسیله‌ی برپا نمودن حکومت جهانی اسلام و بالاتر از همه‌ی آنها خلافت اسلامی، امکان‌پذیر است. شکی در این نیست که این هدف بزرگترین پیروزیی به شمار می‌آید که ممکن است در زندگی بشر محقق شود.

ما برای برپایی دولت جهانی اسلام تلاش می‌کنیم که چارچوبی اسلامی داشته باشد تا این که قانون خدا را حاکم بگرداند، و به دین خدا قدرت تسلط و

حکمرانی بر عالم هستی را بدهد، از نیروهای باطل روی بر تابد و آنها را از بین ببرد و دین خدا را به تمامی مردم برساند.

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لاَ تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ لِلّهِ﴾ (بقره: ۱۹۳)

*«و با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای باقی نماند (و نیرویی نداشته باشند که با آن بتوانند شما رااز دینتان برگردانند) و دین (خالصانه) از آنِ خدا گردد.»*

برای کسی که راه دعوت را هدف و سرمشق خودش قرار داده، روشن و آشکار بودن هدف به این صورت، امری ضروری است، تا این که حجم واقعی کار را برای رسیدن به این هدف، و مسیر را بشناسد، و تلاش‌ها و جانفشانی‌های به کار گرفته شده در این راه را زیاد به شمار نیاورد، همچنین حرکت و گذر زمان را برای رسیدن به این هدف والا، کُند به شمار نیاورد، چون که گذر زمان در این مسیر با عمر افراد مقایسه نمی‌شود، بلکه با عمر دعوت‌ها و امت‌ها مقایسه می‌شود.

با آگاهی یافتن از این حقیقت، هر گاه زمان رسیدن به برپایی حکومت اسلامی طولانی باشد، سالک آن در میانه‌ی راه دچار یأس و ناامیدی نمی‌شود.

درباره‌ی این مطلب، امام بنا در پیام کنفرانس پنجم، با ما سخن می‌گوید و می‌فرماید: «همانا نقشه‌ها و برنامه‌های این راه ترسیم، و حد ومرزهایش مشخص شده‌اند، بی‌شک من قانع شده‌ام که این حد و مرزها سالم‌ترین راه برای رسیدن به هدف هستند بنابراین با این حدود مخالف نیستم؛ امکان دارد گاهی راه رسیدن به مقصد طولانی باشد، اما چاره‌ای نیست چون راهی غیر از آن وجود ندارد، مردانگی با شکیبایی و سختی کشیدن و کار کردن پیوسته نمایان می‌شود، پس هر یک از شما بخواهد میوه را پیش از رسیدن بچیند، یا این که گل را پیش از زمانش بچیند و برداشت کند، من در هیچ وضعیتی با او موافق نیستم و بهتر است که او از این دعوت منصرف شده وبه سوی دعوت‌های دیگر برود، اما کسی که همراه من صبور باشد تا این که بذر رشد کند، و درخت دعوت سبز و پایدار شود و میوه‌ی آن برسد و زمان مناسب برای برداشت میوه فرا برسد، پس در این‌باره اجر و پاداشش بر عهده خداوند است، و هرگز رسیدن به یکی از نیکی‌ها از ما و او

ضایع و فوت نمی‌شود یا پیروزی و سیادت یافتن، یا شهادت و سعادت یافتن.»

شما را از یک کار مهمی آگاه می‌سازیم و آن این که هر ساختمانی بر پی‌ریزی و ستونهای محکمی ساخته می‌شود، تا توان و قدرت تحمل ساختمانی که بر روی آن بنا می‌شود را داشته باشد، هر چقدر ساختمان بزرگ باشد، نیازمند به پی‌ریزی عمیق و ژرف و محکمی دارد، برای ساختن چنین پروژه‌ای وقت زیادی صرف می‌شود و تلاش‌های فراوانی به‌کار گرفته می‌شود، نهادن سنگ زیر بنا، و پی‌ریزی در ساختمان، مهمترین و سخت‌ترین مرحله‌ی ساخت ساختمان به شمار می‌آید، اما چون پی، در زیر زمین است فرد ناآگاه گمان می‌کند که وقت وتلاش‌هایی که برای ساخت آن به‌کار گرفته شده بیهوده است و سودی ندارد؛ چون از روی زمین بالا نمی‌آید، در حالی‌که اگر پی محکم نباشد ساختمان با کوچکترین حرکتی فرو می‌ریزد.

هدف ما برپایی و تشکیل حکومت‌های ناهماهنگ و ضعیف اسلامی، که دشمن بتواند کار آنها را یکسره کند و آنها را یکی پس از دیگری از بین ببرد، نیست؛ بلکه هدف ما تشکیل حکومت اسلامی جهانی است که بر پایه‌ی احکام صحیح اسلامی بر پا شود و در بین مسلمانان وحدت کلمه ایجاد کند، و در برابر نیروهای باطل با تمام قوا ایستادگی کند و تمامی سرزمین‌های اسلامی را که به‌وسیله دشمن غصب شده است، به آغوش حکومت اسلامی باز گرداند و در رأس آن آزادی مسجد الاقصی از چنگال چکمه پوشان صهیونیستی است و اینکه احکام دین خدا در سرتا سر گیتی گسترده شود. مثالی که زده می‌شود امید است تفاوت بین دو هدف را در ذهن خواننده به طور کامل روشن سازد: هر گاه ما مقداری زمین داشته باشیم و بخواهیم در آنجا ساختمان بسازیم، تفاوت زیادی هست در این که در آن زمین چند واحد ساختمان یک طبقه بسازیم و یا در همان زمین برج آسمان خراش بسازیم، هیچ شکی در این نیست پی‌ریزی و اساسی که برای برج آسمان خراش لازم است با پی‌ریزی برای ساختمان یک طبقه، بسیار متفاوت است.

کسی که تصور کند هدف از فعالیت در راه دعوت، برپایی حکومت اسلامی

محلی است و با مناطق دیگر کاری ندارد، نظر چنین افرادی بسیار کوتاه است و سعی و تلاششان بی‌فایده خواهد ماند. این گونه نظرات، این افراد را به شتابزدگی و یا این که پناه بردن به روشهای حزب سیاسی وادار می‌کند، که جانب سیاسی را بر جانب تربیتی ترجیح می‌دهند و به کمیت بها می‌دهند و کیفیت را رها می‌سازند و...

● از سویی دیگر روشن بودن هدف، امری اساسی است و آن هم احساس و درک یکپارچه و متحد بودن مسلمانان است. شخص مسلمان در برابر تمامی آنچه که مسلمانان را به زحمت می‌اندازد و ناراحت می‌کند مسؤول است، این نیست که فقط به مشکلات مسلمانان منطقه خودش توجه کند و مسلمانان مناطق دیگر را رها کند. تلاش پی گیر برای رفع مشکلات مسلمانان و تشکیل حکومت اسلامی جهانی بر مرد و زن مسلمان واجب است، «کسی که به کار و مشکلات مسلمانان رسیدگی نکند مسلمان نیست».

نیاز به گفتن نیست که برآورده شدن هدفی این چنینی با کار فردی امکان‌پذیر نیست، لازم است کار جمعی و جماعت وجود داشته باشد تا تلاش و فعالیت فرد را تنظیم و راه و روش و برنامه دعوت را ترسیم کند، آنچه که واجب به وسیله‌ی آن کامل می‌شود حکم واجب را دارد.

سالک راه دعوت اسلامی باید بداند که کار کردن همراه با جماعت واجب است و کار اختیاری نیست.

**آگاهی یافتن از ویژگی‌ها و مسیر راه در آغاز حرکت:**

● داشتن آگاهی کافی و کامل از مسیر راه در آغاز حرکت، روشن می‌سازد که کار و فعالیت کردن همراه با جماعت دارای شروط و عهد و پیمان‌هایی است که وجود آنها، حرکتِ در این راه و به‌کارگیری و بسیج نمودن تمامی تلاش‌ها را در جهت‌گیری صحیح تضمین می‌کند. بنابراین بر کسی که می‌خواهد راه دعوت اسلامی را انتخاب کند و آن را بپیماید، واجب است که برای پای‌بندی به این

شروط و وفاداری به این عهد و پیمان‌ها، آماده باشد.

امام حسن البنا، امور اساسی را که بر سالک راه دعوت واجب است به آنها پایبند باشد و با خداوند متعال عهد و پیمان ببندد که به آنها وفا کند، در ارکان دهگانه‌ی بیعت مشخص و معین نموده است. برای سالم ماندن در مسیر حرکت و محافظت بر اصالت آن و جلوگیری از انحراف و لغزش، هر کدام از آن ارکان ـ نسبت به حرکت فردی و یا جمعی ـ از اهمیت بسیار والایی برخوردار است.

پس فهم صحیح، اخلاص در عمل، کار و فعالیت، جهاد، فداکاری، فرمانبرداری، پایداری در مسیر، تجرد، (تمام توان خود را به سوی هدف معطوف کردن،) برادری و داشتن اعتماد؛ حرکت کردن در مسیر صحیح اسلامی را برای حرکت فردی و جمعی تضمین می‌کند، و برای سالم حرکت کردن در مسیر دعوت هیچ کسی از آن ارکان بی نیاز نیست. حوادث و گذشت روزگار صدق این گفتار را به اثبات رسانده‌اند. بنابراین بر هر کدام از برادران لازم است ـ به خاطر وفاداری به بیعتشان ـ برای محافظت از این اصول، نگهبان امینی باشند، تا از تغییر و تبدیلی در این اصول که آنها را از مسیر صحیح منحرف می‌کند، جلوگیری کنند. ثابت شده است افرادی که از عمل کردن به بندهای بیعتشان تخلف ورزیده و یا در برابر صف دعوت جبهه‌گیری کرده و ایستادگی نموده و از آن خارج شده‌اند و از این خیر بزرگ و کرامت ارزشمند محروم شده‌اند، به خاطر شکستن یک و یا چند بند از بندهای بیعتشان بوده است.

به عبارت دیگر وفای به ارکان بیعت به این معنی است که برقراری ارتباط و ایجاد دوستی با کار کردن با جماعت و برای جماعت به دست می‌آید، ولی با افراد و برای افراد به دست نمی‌آید. پس اگر ارتباط داشتن با جماعت فقط به خاطر افراد باشد، در فقه دعوت جمعی، خطای آشکاری است، به خاطر این که گاهی بین افراد بگو مگوهایی روی می‌دهد که منجر به ایجاد اختلاف می‌شود، و این کار تأثیر بسیار بدی در وحدت صف می‌گذارد ـ مثال معروفی است که گفته شده است: از عواقب کارهای بد انسان زنده نمی‌توان در امان ماند ـ اهمیت دادن

به بیان این مسأله به خاطر این است که تا به دنبال انحراف یک فرد، افرادی دیگر، برای تبعیت از او، منحرف نشوند.

داشتن آگاهی کامل از مسیر راه د عوت، و سختیها و مشکلاتی که در آن هست، در سالک این راه اعتماد و اطمینان ایجاد می‌کند، وقتی که او با این سختی‌ها و مشکلات روبرو می‌شود آنها را دلیل درست بودن راه می‌داند، چون این سختی‌ها و موانع از ویژگی‌های راه خدایی است، و سنت و قانونی است که خداوند برای پیمودن راه دعوت حقیقی قرار داده است. سالک این راه با آگاهی از این که عوامل موفقیت‌آمیزی هم وجود دارد که این مشکلات و موانع نمی‌توانند در مقابلش استقامت و ایستادگی کنند و این که پیروزی به دنبال سختی و اذیت و آزار، به دست می‌آید، بر اعتماد و اطمینانش افزوده می‌شود.

﴿ وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلاَ مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اَللَّهِ ﴾ (انعام: ۳۴)

*«و اذیت و آزار شده‌اند (و گرفتاریها و شکنجه‌ها را تحمل کرده‌اند) تا یاری ما ایشان را در یافته است و هیچ چیزی نمی‌تواند سخنان خدا را دگرگون سازد.»*

﴿حَتَّىٰ إِذَا اَسْتَيْأَسَ اَلرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَن نَّشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ اَلْقَوْمِ اَلْمجْرِمِينَ ﴾ (یوسف: ۱۱۰)

*«تا آنجا که پیامبران (از ایمان آوردن کافران و پیروزی خود) ناامید گشته و گمان برده‌اند که تکذیب شده‌اند (و تنهای تنها مانده‌اند) در این هنگام یاری ما به سراغ ایشان آمده است (و لطف و فضل ما آنان را دربرگرفته است) و هر کس راکه خواسته‌ایم نجات داده‌ایم. عذاب ما از سر مردمان گناهکار دور و دفع نمی‌گردد.»*

همانا امام حسن البنا با ما خیلی صریح و رک سخن گفته، آنگاه که آشکارا فرمود: «بدانید که دشمنی‌هایی از جانب بسیاری از مردم و از جانب حکومت متوجه ما خواهد شد، و ما در معرض زندانی شدن و بازداشت و تفتیش عقاید و بازجویی‌ها و اذیت و آزارهایی قرار خواهیم گرفت، زمانی که در چنین وضعیتی قرار گرفتیم، در آن زمان است که پیمودن راه اصحاب را آغاز می‌نماییم، و مانند

آنان پیمودن راه دعوت را آغاز می‌کنیم، وفاداری به بیعت در آن زمان مشخص می‌شود. سپس فرمود: گاهی امتحان و در معرض اذیت و آزار قرارگرفتنتان بیشتر می‌شود، با این حال آیا شما باز اصرار دارید که یاری دهندگان دین خدا باشید؟»
امام بنا انتظار آنچه را که می‌کشید، روی داد، اذیت و آزارها و سختی‌ها و شکنجه‌ها پی در پی بودند، خداوند اخوان را یاری داد و ثابت قدم نمود، گروهی از آنان را به عنوان شهید برگزید، از جمله امام بنا یکی از آن شهدا بود، اما به رغم همه‌ی آن مشکلات و محنت‌ها، دعوت اسلامی پایدار باقی ماند و به امید خدا همچنان پایدار باقی خواهد ماند.

﴿ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي ٱلسَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ ٱللَّهُ ٱلْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴾ (ابراهیم: ۲۴-۲۵)

*«تنه و ریشه آن (در زمین) استوار و شاخه‌هایش در فضا (پراکنده) می‌باشد. بنا به اراده و خواست خدا هر زمانی میوه خود را می‌دهد. خداوند برای مردم مثال می‌زند تا متذکر گردند (و پند گیرند).»*

● داشتن آگاهی از مسیر راه دعوت، این امر را روشن می‌کند که علاوه بر وجود سختیها و موانع، گاهی دست اندازها و مشکلاتی در این راه پدیدار می‌شود که ممکن است کسی را که احتیاط نمی‌کند از مسیر منحرف و تلف کند. گاهی این دست اندازها و مشکلات، فکری یا حرکی و یا شخصی هستند. داشتن آگاهی پیش‌گیرانه از وجود این مشکلات، سالک این راه را از وجود آنها آگاه می‌سازد و در نتیجه احتیاط‌های لازم را به عمل می‌آورد، تا سالم به سر منزل مقصود برسد.

همانا تصاویری از انحرافات فکری و حرکی ـ در عمر این حرکت ـ در میان بعضی از افراد، در برخی از مواقع پدیدار شده‌اند، که گذشت زمان اشتباه و خطا بودن آن‌ها را به اثبات رسانده است. به عنوان مثال، فکر تکفیری که در دهه‌ی شصت در زندان مصر در میان بعضی از افراد پدیدار شد، که جماعت و دبیرکل آن در مقابل این ایده و از بین بردن آن به طور قاطعانه ایستادند و مقاومت کردند، در نتیجه افراد فراوانی از آن ایده و تفکر بازگشتند و به حرکت پیوستند. اما وقتی

بعضی از آنان بر ایده و خواسته خود پافشاری کرده و اصرار ورزیدند به آنها گفته شد که این گونه افکار، فکر و ایده‌ی جماعت نیست و کسی که بر این ایده پافشاری می‌کند لازم است به دنبال پیوستن به جماعت دیگری برود.

یکی دیگر از اشکال انحراف حرکی، شتابزدگی و عجولانه پناه بردن برای به‌کارگیری زور و قدرت و اقدام مسلحانه است، به گمان این که چنین عملی راه رسیدن به مقصد را کوتاه می‌کند واین راه میان‌بر است، در حالی که نتیجه‌ی به دست آمده ـ تا این زمان ـ عکس آن را تأیید می‌کند.

● داشتن آگاهی کامل از روشها و ابزار و وسایل لازم دعوت، از منحرف شدن و تجاوز کردن جلوگیری می‌کند، پس مشخص و معین نمودن راه و روش دعوت، و با طمأنینه و تدریجی گام برداشتن و فراهم و آماده نمودن پایه‌های آن از جمله: فرد، خانواده و مجتمع، و آگاهی از جهانی بودن دعوت و سایر ویژگیهای آن، فرد راăز منحرف شدن و اشتباه و لغزش حفظ می‌کند.

گاهی از اوقات در برخی از مناطق افرادی پیدا می‌شوند که در کار دعوتشان جانب سیاسی را بر جانب تربیتی ترجیح داده و آن را برتر می‌دانند، با این گمان که این کار، راه رسیدن به مقصد را کوتاه می‌کند، اما نتیجه عکس نظر آنان از آب در می‌آید و بر خلاف آنچه که می‌پنداشتند، می‌شود، بعضی دیگر از افراد هستند که محلی و منطقه‌ای بودن دعوت را بر جهانی بودن آن ترجیح می‌دهند و با این‌ایده کار می‌کنند، وقتی که چشم باز می‌کنند و به خود می‌آیند خود را تنها و در کنج انزوا می‌یابند، در حالی که در معرض محاصره برخی از تشکیلات دیگر قرار گرفته‌اند.

● در این میان افرادی هم هستند که با برخی از اشخاص ارتباط برقرار می‌کنند، به حساب این که آنان با جماعت دعوت ارتباط دارند و همه چیز دعوت را در وجود آنان می‌بینند، زمانی که این اشخاص منحرف می‌شوند، افراد پیرو آنان هم منحرف می‌شوند و خودشان را از خیر و برکت این جماعت محروم می‌گردانند.

● داشتن آگاهی کامل از مسیر راه دعوت می‌طلبد که گزینش افراد برای این مسیر، باید از روی قانع ساختن کامل افراد بعداز تبیین ویژگی‌های راه و کسب

اطمینان باشد، چون که برگزیدن راه دعوت و پیمودن آن در زندگی فرد مسأله‌ی مهم و اساسی است و مسأله‌ی فرعی نیست، که گفته شود هرچه شد بگذار بشود. بر فرد لازم است پیش از این که حرکتش را در راه دعوت آغاز کند، راه را کاملاً جستجو و مورد بررسی قرار دهد و از مسیر راه اطمینان کامل به دست آورد تا این که در میانه‌ی راه، به دنبال هرگونه شعار و یا پلاکارد جذابی واکنش نشان ندهد و احساساتی نشود.

صفات اساسی‌ای که لازم است به وفور، در میان جماعتی که در مسیر درست دعوت حرکت می‌کند وجود داشته باشد تا این که ویژگی‌های راه دعوت روشن شود و گزینش راه از روی میل و رغبت و اختیار خوب آنان باشد. برخی از این صفات را به خوانندگان گرامی تقدیم می‌کنیم:

**یکم:** در برنامه و اهدافش، برپایی حکومت اسلامی جهانی و در رأس آن خلافت اسلامی باشد.

**دوم:** فهم و آگاهیش از اسلام شامل کتاب خدا و سنت رسول خدا ﷺ به دور از هرگونه خطا و لغزشی باشد.

**سوم:** راه محقق ساختن هدفش، برای برپایی حکومت اسلامی، همچون حکومت آغازین اسلام؛ راه رسول خدا ﷺ باشد که پایه‌های حکومت اسلامی آغازین بر سه اساس بنیان نهاده شده بود: ۱ـ قوت عقیده و ایمان، ۲ـ قوت وحدت و اخوت، ۳ـ قوت ساعد و سلاح. پس هرگاه جماعتی یکی از این پایه‌ها را از دست بدهد و یا این که در ترتیب و به دنبال هم بودن آنها خلل وارد کند، حرکت و همگام شدن با چنین جماعتی درست نیست.

**چهارم:** جهانی بودن حرکت باید در برنامه‌اش باشد و برای منطقه‌ای و محلی بودن حکومت فکر نکند، مگر زمانی که این فکر با جهانی بودن حکومت اسلامی هماهنگ باشد.

وجود این صفات در برنامه جماعت اسلامی به سالک راه دعوت، اطمینان خاطر می‌دهد و او را به جماعت وابسته می‌کند و از فریفته شدن او به وسیله جماعت‌های دیگر جلوگیری می‌کند.

## (۲) استمرار داشتن و پایدار بودن دعوت

بیشتر دعوت‌ها و جماعت‌ها و گروهها را می‌بینیم که به وجود می‌آیند و خودی نشان می‌دهند و قدرت می‌گیرند سپس به سرعت از بین می‌روند، گاهی اوقات برخی از آنها بدون این که قدرت و قوت بگیرند از بین می‌روند و تمامی آثارشان نابود می‌شود، چنین جریانی به علل و اسباب مختلفی بر می‌گردد. از بین رفتن برخی از آنها به خاطر اصیل نبودن و عدم شایستگی بقایشان است، گاهی وقتها هم برنامه‌ریزی بد، علت شکست می‌شود، گاهی فراهم نکردن تضمین‌های لازم برای استمرار و پایداری آنها و پشت سر گذاشتن مشکلات و موانع، سبب شکست می‌شود یا فراهم نکردن نیرو و توان لازم برای مقاومت در برابر تلاش و کوشش دشمنانشان برای نابودی آنها سبب شکست می‌شود یا وجود علت‌های دیگر سبب شکست آنها می‌شود.

هنگامی که ما از استمرار و پایدار بودن دعوت و جماعتمان سخن می‌گوییم، هدف ما سخن گفتن درباره ضمانت نامه‌هایی است که فراهم کردن و به کارگیری آنها، برای پایداری دعوت لازم و ضروری است و تلاش‌هایی که دشمنان به‌کار می‌گیرند تا کار دعوت را متوقف کنند و آن را از بین ببرند، همچنین صحبت درباره‌ی علت‌ها و مشکلات داخلی که منجر به شکست و فروپاشی می‌شوند و چگونگی جلوگیری از این شکست‌ها و ترمیم آنها است.

سختی‌ها و مشکلاتی که از جانب دشمنان متوجه جماعت دعوت می‌شود و هدف دشمنان هم از این کار، متوقف کردن و از بین بردن حرکت دعوت است، اما به خاطر همین، استمرار داشتن و پایداری دعوت به رغم مشکلاتی که در پیش رو دارد، در این مرحله جزو پیروزی دعوت به شمار می‌آید، خدایی ناکرده عدم استمرار و پایداری آن در این مرحله شکست محسوب می‌شود.

هدف از استمرار و پایداری دعوت، وجود کسانی است که بار دعوت را حمل و برای محقق شدن اهداف آن تلاش کنند و آن را به دیگران برسانند، لذا وجود یک شخصی که پایبند به دعوت باشد و برای آن فعالیت و تلاش کند، به مفهوم پایداری و ماندگاری دعوت است، خدا را شکر چه غم داریم در حالی‌که خداوند متعال با وجود تعدادی زیاد از نیروهای فعال و با نشاط در میدان دعوت ما را گرامی داشته و یاری نموده است.

از اسالیب و روش‌هایی که دشمنان برای از بین بردن دعوت به کار می‌گیرند: تلاششان برای احاطه و تسلط یافتن بر دعوت و ایجاد موانع در مسیر آن است، در حالی که همین تلاش‌ها را مشرکان با پیامبر ﷺ به کار گرفتند و دست یافتن به مال و رسیدن به قدرت و راههای دیگر را به او پیشنهاد دادند، تا او از این دعوت دست بر دارد، اما او همه آن پیشنهادها را رد کرد، چون برای مقام و شخصیت او سزاوار و شایسته نبود که در برابر دعوت خدا، با کسی سازش کند و یا این‌که از حمل بار مسؤولیت دعوت شانه خالی کرده و آن را ترک کند.

امام حسن البنا ما را از این موضوع آگاه ساخته، آنگاه که درباره‌ی شخصیت نیرومندی که لازم است در افرادی که برای قیام امتها تلاش می‌کنند باید وجود داشته باشد، بعد از آن که درباره اراده‌ی قوی سخن ایراد کرد، فرمود: «باید اراده‌ی نیرومندی باشد که هیچگونه ضعف و تزلزلی به آن راه نیابد و وفای به عهدی که هیچگونه حیله و نیرنگی به سراغش نرود و بر آن نفوذ نکند، فداکاری ارزشمندی که حرص و طمع و بخل مانع آن نشود، شناختن مبدأ و ایمان به آن و برنامه‌ریزی برای آن سبب جلوگیری از خطا و انحراف می‌شود، همچنین از سازش بر علیه آن و فریفته شدن به غیر آن جلوگیری می‌کند، پس باید شناخت ما نسبت به این دین و ایمان ما به آن و برنامه‌ریزی برای آن به بهترین شکل باشد، تا بتوانیم حرکت در مسیر را پیوسته ادامه دهیم و ثابت قدم و استوار باشیم بدون این‌که دچار اشتباه و انحراف یا سازشی بر علیه آن و یا به غیر آن فریفته شویم، آیا دینی بهتر و ارزشمندتر از دین خدا وجود دارد؟!»

از روشها و راهکارهایی که دشمنان اسلام به کار می‌گیرند، تا عاملین راه حق را از ادامه حرکت در مسیر راه اسلام باز دارند عبارتند از: ایجاد شک در وجود عاملین، و چسباندن تهمتهایی به جماعت و یا به رهبری و یا به منهج و وسایلی که در این مسیر به‌کار گرفته می‌شود، آنچه که بر افراد جماعت اسلامی واجب و لازم است، این است که تحت تأثیر چنین روشها و ترفندهایی قرار نگیرند، اگر برای شخصی مسأله‌ای روی داد و حادثه‌ای پیش آمد که نیاز به توضیح و بیان داشت بر او لازم است که به سرعت و در اسرع وقت برای تبیین آن اقدام و آن را به مسؤولان عرضه کند، تا هیچگونه ناراحتی و کینه و شبهه در دلش باقی نماند، و بر مسؤولان هم لازم است که دیدگاه و مسایل را برای برادران توضیح دهند و روشن سازند. لازم به ذکر است که اسلوب ایجاد شک در عاملین راه حق و چسباندن مهر تهمت پوچ، چیز تازه‌ای نیست، بلکه این روش قدیمی است و در زمانهای بسیار دور، فرعون گفت:

﴿ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُۥٓ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَن يُظْهِرَ فِي ٱلْأَرْضِ ٱلْفَسَادَ﴾ (غافر: ۲۶)

*«بگذارید من موسی را بکشم و او پروردگارش را (برای نجات خود) بفریاد بخواند. من از این می‌ترسم که آیین شما را تغییر دهد. یا این‌که در زمین فساد را گسترش دهد.»*

مشرکان جزیرة العرب درباره پیامبر خاتم، محمد ﷺ گفتند: او ساحر، دروغگو، دیوانه، شاعر و کاهن است. اما این تهمتها و سخنان باطل مانع رسیدن نور حقی که موسی و محمد آورده بود به دلها نشد.

از روش‌ها و راهکارهایی که دشمنان برای منصرف کردن مؤمنان از ایمانشان و ادامه مسیر حرکت دعوت به کار می‌برند، ترور و تهدید و اذیت و آزار رساندن است. از دیرباز فرعون به جادوگرانی که به خدای موسی ایمان آوردند گفت:

﴿فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَٰفٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ ٱلنَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَآ أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ﴾ (طه: ۷۱)

*«بی‌گمان دستها و پاهایتان را برعکس یکدیگر قطع می‌کنم و شما را بر*

*فراز شاخه‌های درختان خرما به‌دار می‌آویزم. (آن وقت) خواهید دانست که کدامیک (از دو خدا: خدای من یا خدای موسی) عذابش سخت‌تر و پایدارتر است.»*

اما کسی که ایمان به قلبش نفوذ کرده و دلش آراسته به نور ایمان است، اینگونه تهدیدات و وعیدها او را نمی‌ترسانند، جواب دندان‌شکن آنان به فرعون این بود:

﴿قَالُوا لَن نُّؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ ٱلْبَيِّنَاتِ وَٱلَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَٰذِهِ ٱلْحَيَاةَ ٱلدُّنْيَا ۞ إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ ٱلسِّحْرِ وَٱللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾ (طه: ۷۳-۷۲)

*«(جادوگران پاسخ دادند و) گفتند: ما هرگز تو را بر دلائل و براهین روشنی که بر ایمان آمده است، و بر پروردگاری که ما را آفریده است برنمی‌گزینیم. پس هر فرمانی که می‌خواهی، صادر کن (و آنچه می‌خواهی بکن که باکی نیست. اما بدان) تو تنها می‌توانی در زندگی این جهان فرمان بدهی. ما به پروردگارمان ایمان آورده‌ایم تا ببخشاید گناهان ما را و جادوگریهایی را که ما را بدان وادار می‌کردی. خدا بهتر و پایدارتر است.»*

به دنبال آن، گروهی از نزدیکان و طرفداران فرعون او را بر علیه موسی و پیروانش، برانگیختند:

﴿وَ قَالَ المَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَونَ أَتَذَرُ مُوسَى وَ قَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الأَرْضِ وَ يَذَرُكَ وَ اٰلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَ نَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَ إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ﴾ (اعراف: ۱۲۷)

*«اشراف قوم فرعون (بدو) گفتند: آیا موسی و پیروان او را آزاد و رها می‌سازی تا در سرزمین (مصر آزادانه) به فساد پردازند و تو و معبودان تو را ترک گویند. گفت: پسران آنان را خواهیم کشت و دخترانشان را زنده نگه می‌داریم (تا کلفت ما شوند) و ما برایشان کاملاً مسلط هستیم.»*

پیام خداوند برای موسی و پیروانش به زبان موسی چنین آمد:

﴿قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ ٱسْتَعِينُوا بِٱللَّهِ وَٱصْبِرُوا إِنَّ ٱلْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَٱلْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (اعراف: ۱۲۸)

«*موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوئید و شکیبائی کنید. بی‌گمان زمین از آنِ خدااست و آن را به کسانی از بندگان خود وامی‌گذارد که خود بخواهد. و سرانجام (نیک و پسندیده) از آنِ پرهیزگاران است.*»

سپس منطق بشری در میان قوم موسی بعد از این که در معرض اذیت و آزار و شکنجه قرار گرفتند، ضعف خودش را نشان داد و گفتند: عذاب و شکنجه و اذیت و آزار تا چه زمانی ادامه خواهد داشت.

﴿قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا﴾

«*گفتند: پیش از آن‌که به پیش ما بیایی و پس از آمدنت (از جانب فرعون) اذیت و آزار شده‌ایم.*»

واکنش به این سوال، جواب اطمینان بخش و مسرت‌آمیزی بود:

﴿قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهلِكَ عَدُوَّكُمْ وَ يَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾ (اعراف: ۱۲۹)

«*گفت: امید است که پروردگارتان دشمنتان را هلاک سازد و شما را در زمین جایگزین (او) گرداند تا ببیند چگونه عمل می‌کنید.*»

نتیجه و فرجام کار چنین شد که خداوند، فرعون و لشکریانش را نابود کرد و اقوامی راکه ضعیف به شمار می‌آمدند، وارث مشارق و مغارب زمین کرد.

قانون و سنت خداوند عوض نمی‌شود. اگر از خدا کمک بخواهیم و صبر و شکیبایی پیشه کنیم به امید خداوند در عصر ما هم این قانون و سنت خدایی محقق خواهد شد.

رسول خدا ﷺ و مسلمانان در مکه در معرض اذیت و آزار و شکنجه قرار گرفتند، تا جایی که یاسر و سمیه رضی الله عنهما شهید شدند. خداوند بندگان مؤمنش را ثابت قدم و استوار کرد و به آنها صبر و شکیبایی داد که از زیر بار دعوت الی الله شانه خالی نکردند و کنار نرفتند، همانا حق را چشیدند و از آن

منحرف نشدند. ترور کردن افراد نمی‌تواند دعوت را سست کند و از بین ببرد و یا این‌که مانع حرکت شود و آن را متوقف سازد.

در عصر معاصر جماعت اخوان بارها در معرض اذیت و آزار و شکنجه‌ها قرار گرفتند، دهها بلکه صدها نفر در زیر تازیانه و یا با تیر تفنگ و یا بر بالای دار اعدام و شهید شدند، یا در زیر آوار خانه‌ها و مساجد قرار گرفتند و یا اینکه زنده به‌گور شدند، در حالی که به رغم همه اینها دعوت و حرکت ماندگار شد. خداوند جماعت اخوان را ثابت قدم و پایدار نمود، فعالیت در مسیر دعوت و کار کردن در راه دعوت و برای دعوت را ادامه دادند در حالی که پرچم پر افتخار اسلام را سربلند برافراشته‌اند تا این‌که آن را پیروزمندانه و برافراشته به نسلهای آینده تسلیم کنند و پیوسته برافراشته باقی خواهد ماند تا این‌که وعده‌ی خداوند به مؤمنین، به وسیله پیروز گرداندن آنان و قدرتِ دست یافتن و مسلط شدن بر زمین، محقق شود.

دشمنان خدا با کشتن فرماندهان جماعت اخوان یا زندانی کردن آنان، می‌پندارند که با این کار شومشان کار جماعت را یکسره می‌کنند و از بین می‌برند، یا حداقل این‌که حرکتش را متوقف می‌سازند، اما در حقیقت آنان در این مورد خیالبافی می‌کنند و گمان و حدس می‌زنند. زمانی که بنیان‌گذار جماعت اخوان را به شهادت رساندند، نتوانستند جماعت را از بین ببرند و حرکت آن را متوقف سازند؛ چون که آن جماعت حسن البنا نبود، بلکه آن دعوت خدایی بود و کسانی که وابسته به آن جماعت بودند و با تمام وجود برای آن کار می‌کردند، به خاطر حسن البنا به آن وابسته نشده بودند بلکه به خاطر خداوند متعال آن را پذیرفته بودند و برای آن کار می‌کردند، خداوند متعال هم زنده است و نمی‌میرد. این سخن ما را به یاد سخن ابوبکر ﷺ می‌اندازد آن هنگامی که پیامبر وفات نمود، یارانش درباره مرگ او سردرگم بودند و نظرات مختلفی داشتند.

ابوبکر فرمود: «**من کان یعبد محمداً فإن محمداً قدمات و من کان یعبد اللّٰه فإن اللّٰه حی لا یموت.**» (*کسی که محمد را پرستش می‌کرد، همانا محمد درگذشت و کسی که خداوند متعال را پرستش می‌کرد، همانا خداوند زنده است و هرگز نمی‌میرد.*)

دشمنان خدا تلاش می‌کنند که مانع ادامه یافتن دعوت و حرکت اسلامی شوند، بنابراین می‌خواهند به وسیله جلوگیری و ممناعت از فعالیت‌های عمومی و به کارگیری سختگیری‌های پی در پی نسل جوان را از آن منصرف کنند به گمان این‌که با این کارشان، منبع و چشمه ساری را که حرکت اخوان را با نیروهای جوان و تازه‌نفس تغذیه می‌کند، بخشکانند تا با از بین رفتن نسلی که بار مسؤولیت دعوت را به دوش گرفته و چرخه آن را می‌چرخاند، حرکت اخوان هم از بین برود و به دلها نفوذ نکند، در حالی که آن دشمنان با این کارشان خیالبافی می‌کنند و به نتیجه‌ای نخواهند رسید؛ چون که دعوت الی الله همچون نوری است با تمام وجود به دلها راه می‌یابد و در آنها نفوذ می‌کند، دشمنان هرگز نمی‌توانند بین آن نور و بین تابیدنش در دلها مانع ایجاد کنند.

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ ٱللهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَٱللهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْكَافِرُونَ﴾ (صف:۸)

*«می‌خواهند نور (آئین) خدا را با دهانهایشان خاموش گردانند. ولی خدا نور خود را کامل می‌گرداند. هرچند که کافران دوست نداشته باشند.»*

واقعیت کنونی گفتار ما را در این‌باره تصدیق می‌کند، به رغم تمامی سختگیری‌ها و حیله و نیرنگ‌هایی که متوجه اخوان المسلمین شده و منجر به سوزاندن تمامی کتابهایی که از جانب نزدیکان و یا دوردستان به دست جماعت اخوان رسیده بود، با وجود همه این مشکلات، دعوت اسلامی به دلها راه یافت و در آنها جای گرفته و جایگاه ارزشمندی پیدا کرده است. بلکه بر عکس، مشکلات و سختیگری‌هایی که از جانب دشمنان متوجه دعوت اخوان شده مشوق و انگیزه‌ای شد، تا این‌که افراد زیادی دعوت اخوان را بشناسند و شیفته آن بشوند و به آن بپیوندند و برای آن کار کنند.

گاهی دشمنان خدا برای شوراندن بعضی از جماعت‌های اسلامی بر علیه جماعت اخوان، به آنها پناه می‌برند و تلاش می‌کنند تا با برانگیختن اختلافات و تنش‌ها، بین افراد مشکلات ایجاد کنند، اگر با حکمت و درایت در برابر این

فتنه‌ها و ایجاد تنش‌ها مقاومت صورت نگیرد، ممکن است که منجر به مشکلات زیاد و تجزیه و تقسیماتی شود که در نتیجه، مسیر حرکت ضعیف شود یا این که منجر به توقف فعالیت اخوان المسلمین شود.

آنچه را که اسلام به ما می‌آموزد و آن را می‌شناسیم و امام بنا هم ما را بر آن سفارش کرده، این است که ارتباط و علاقه ما با جماعت‌ها و تشکل‌های اسلامی دیگر، باید بر اساس دوستی و مودت و تفاهم و تعاون باشد و این که زمینه‌ی دشمنی شخصی یا جمعی را فراهم نکنیم، و با آنان دشمنی نورزیم، اگرچه فرض شود که از جانب هر کدام از آنها نسبت به جماعت ما و یا رهبر جماعت بدی‌هایی صورت می‌گیرد، مقابله به مثل نباید کرد و نباید بدی را با بدی جواب داد، و [هنر مردان خدا این است که بدی را با خوبی جواب می‌دهند]، بلکه در برابر همه این فتنه‌ها و سختی‌ها صبر می‌کنیم و اجر و پاداش را از خدا می‌خواهیم و امر خداوند متعال را امتثال می‌کنیم:

﴿وَ لاَ تَسْتَوِي الحَسَنَةُ وَ لاَ السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ (فصلت: ۳۴)

*«نیکی و بدی یکسان نیست (هرگز بدی را با بدی پاسخ مگوی. بلکه بدی دیگران را) با زیباترین شکل و بهترین شیوه پاسخ بده. (نتیجه این کار آن خواهد شد که) کسی که میان تو و میان او دشمنی بوده، بناگاه همچون دوست صمیمی گردد.»*

تجربه ثابت کرده است که این روش برای از بین بردن مشکلات و ناراحتی‌هایی که موجب بالا گرفتن اختلافات و کشیده شدن آنها به ناراحتی‌ها و زد و خوردها و کشمکش‌ها می‌شود بهترین روش است و همچنین روش درستی است برای بازماندن درهای بازگشت برای کسی که بعد از پی بردن به اشتباهش می‌خواهد بازگردد.

گاهی برخی از هواپرستان و افراد کینه‌توز و دارندگان هدفهای دشمنی‌انگیز، برای این‌که صف جماعت را تیره و تار کنند و در نتیجه آن را پایمال گردانند، در ظاهر پایبندی خود را به جماعت نشان می‌دهند و اعلام همکاری می‌کنند با

هدف این که بتوانند به مراکز تأثیرگذار و جایگاه مسؤولیت، راه یابند سپس در آنجا فتنه و اختلافات و سایر مشکلات ایجاد کنند، تا این‌که مستقیماً مانع استمراریت دعوت و ادامه داشتن آن بشوند.

به خاطر همین، واجب است شرایط لازم در منتسبان به دعوت الی الله وجود داشته باشد به ویژه در کسانی که به عنوان مسؤول در جایگاه مسؤولیت و در رأس امور قرار می‌گیرند و بدون هیچ سازش و پارتی بازی، لازم است کار کنند. اینها برخی از اسلوب و روشهایی بود که دشمنان، خارج از جماعت اخوان آنها را به‌کار می‌گیرند تا مانع استمرار دعوت بشوند، جماعت در معرض شیوه‌های فراوانی از این نوع قرار گرفته اما به فضل و خواست خداوند همه آن شیوه‌ها با شکست روبرو شده و از هم پاشیده‌اند.

اسباب دیگری هم در میان صف جماعت وجوددارند که اگر مورد توجه قرار نگیرند و آزاد رها شوند، منجر به متوقف ساختن مسیر حرکت می‌شوند، برخی از این اسباب و چگونگی درمان و برطرف کردن آنها و جلوگیری از آثار بد آنها را بیان می‌کنیم:

● از مهمترین این اسباب، سهل انگاری و عدم توجه به جنبه تربیتی و روحی افراد است، گاهی چنین حالتی بر اثر ترجیح دادن جنبه سیاسی و اداری بر جنبه تربیتی روی می‌دهد. هرگاه دعوت یا حرکت اسلامی را به مثابه درختی بدانیم و همچون درختی به شمار بیاوریم در این صورت تربیت و تزکیه جنبه‌ی روحی، همانند فراهم کردن مواد مورد نیاز (کود) و آبیاری کردن آن درخت است، هرگاه کود و مواد مورد نیاز و آبیاری آن درخت کم شود ممکن است که در معرض خشک شدن قرار گیرد، اما اگر غذا و آبیاری آن به طور پیوسته و منظم باشد، آن درخت سرسبز خواهد ماند و رشد خواهد کرد، تربیت روحی انسان هم به مسأله‌ی ایمان بر می‌گردد و به آن مربوط می‌شود و ایمان مایه‌ی زنده ماندن فرد و جماعت است؛ چون زندگی و زنده ماندن حقیقی انسان، زنده ماندن قلب او به وسیله‌ی ایمان است نه زنده ماندن اندامی که فانی و فناپذیر است. ایمان همان نیرویی است که در وجود صاحبش (مؤمن) تمامی معانی خیر را تولید می‌کند، در

اثر ایمان نیروهای خیر می‌شکافند و شکوفا می‌شوند. کار کردن برای دعوت، فداکاری، صبر و تحمل و تمامی آنچه که فرد و جماعت برای ادامه حرکت در مسیر و محقق ساختن اهدافی که مورد نظر است، نیازمند است، منفجر و شکوفا می‌شوند. بر اثر ازدیاد ایمان، دوستی، تعاون، یکدیگر را نصیحت کردن حاصل می‌شود، در نتیجه پشتوانه حرکت و تجربه و خبرگی و زنده ماندن و ادامه داشتنش رشد می‌یابد. بی شک تربیت بهترین وسیله برای تقویت ایمان است، لازم است به تمامی ابزار و وسایل تربیت اهمیت داده و رعایت شود، تا این‌که درخت دعوت پیوسته شاداب و زنده بماند و رشد بکند و به امر خدا در تمامی زمانها ثمر بدهد و نتیجه‌بخش باشد.

هر انسانی از لحاظ تربیتی در رابطه با خودش نقشی دارد که بایسته است برای تربیت خودش تلاش کند، سپس در رابطه با برادرانش نقش تربیتی دارد که لازم است در این زمینه نیز هوشیار و آگاه باشد به نوعی که هیچگاه ظروف جدید او را از ادامه و ممارسه‌ی تربیت غافل نکند، در هر سطحی که باشد.

از خطرناکترین اسبابی که به متوقف شدن حرکت، بلکه به فروپاشی آن منجر می‌شود، وجود اختلاف و کشمکش در میان صف جماعت است، خداوند متعال ما را از آن برحذر داشته و می‌فرماید:

﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ (انفال: ۴۶)

*«اختلاف و کشمکش نکنید (که در نتیجه کشمکش) شکوه و هیبت شما از میان می‌رود.»*

امام بنا با تمام وجود برای از بین بردن اختلافات اهتمام ورزید و آن را مورد توجه قرار داد، همیشه بر اخوت و دوستی و تقویت بخشیدن به آنها و دوری از هر چیزی که سبب آسیب رساندن به آنها و ضعف آنها می‌شد، تأکید می‌ورزید. و اخوت را رکنی از ارکان بیعت قرار داد، و فرمود: «بالاترین درجه اخوت، ایثار و از خود گذشتگی و پایین‌ترین درجه‌ی آن سالم بودن قلب از ناراحتی نسبت به برادران است. پس وظیفه یکایک برادران این است که نسبت به برادرانشان هیچ

گونه بغض و کینه‌ای در دلشان نباشد، و هیچ شبی با داشتن بغض و کینه نسبت به برادران نخوابند. تا درباره‌ی این رکن، در معرض پیمان شکنی قرار نگیرند.

برخی از اسبابی را که عادتاً منجر به ایجاد اختلاف و کشمکش می‌شوند عرضه می‌کنیم، تا از گرفتار شدن در دام آنها یا سهیم شدن در آنها، خودمان را حفظ کنیم.

گاهی اختلاف به خاطر نحوه‌ی درک و فهم اسلام به وجود می‌آید، بی‌شک این مسأله در گذشته اختلافات زیادی را به بار آورده و فرقه‌ها و گروهها و مدرسه‌های فکری گوناگونی پدید آورده است. چون کار کردن برای حرکت اسلامی متمرکز بر درک و فهم و برداشت مسایل است. اختلاف در فهم و برداشت از مسأله، ممکن است اختلافات و زد و خوردهایی در بین افراد یا گروهها به وجود بیاورد. از این روی امام بنا بر وحدت فهم، حریص بود. تا جایی که فهم را یکی از ارکان بیعت، بلکه آن را نخستین رکن بیعت قرارداد. و برای آن اصول بیست گانه را وضع کرده است، اصول عشرین همچون چارچوبی است که فهم و ادراک را از مجزا و تقسیم شدن یا منحرف شدن و یا خطا و لغزش حفظ می‌کند، بنابراین بر یکایک برادران لازم است که به خاطر وفای به بیعتشان با این فهم مخالفت نکنند و در مقابل تلاش‌هایی که برای ایجاد اختلاف در صف جماعت از جانب بیگانه یا دوست و آشنا انجام می‌گیرد، ایستادگی و پایداری کنند و در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نورزند و در برابر هر پدیده‌ی بدی قاطعیت داشته، و سهل‌انگاری و سازش نداشته باشند. زمانی که در برخی از زندانهابر اثر برداشت اشتباه و تحت ظروف فشار و عذاب، فکر تکفیر پدیدار شد. از جانب دبیر کل وقت، استادحسن الهضیبی، تلاشهای ارزشمند فراوانی برای از بین بردن این گونه افکار و بیان اشتباه بودن آنها به کار گرفته شد. در نتیجه‌ی آن تلاشهای دلسوزانه و پندآموز؛ بیشتر آن افراد از این فکر اشتباه بازگشتند و به جماعت پیوستند. اما هنگامی که برخی از آن افراد بر فکر خطای خودشان اصرار ورزیدند. استاد هضیبی به آنان فرمود: «اینگونه برداشت‌ها و ایده‌ها، جزء افکار اخوان نیست، اگر شما بر چنین افکاری پافشاری می‌کنید، برای

خودتان پناهگاه و شعاری غیر از اخوان پیدا و زیر نظر و حمایت آن فعالیت کنید».

گاهی اختلافات، پیرامون شیوه‌ها و روشهای فعالیت و پیرامون تعامل با ظروف و اوضاع حاکم به وجود می‌آیند. اختلاف آراء در چنین امور و وضعیتی عیب به شمار نمی‌آید. بلکه چنین وضعیتی دلیلی است بر مشغول بودن افراد به کار و فعالیت‌های حرکت، اما نظم و لوایح تنظیم کننده، کانالهایی هستند که از خلال آنها مسأله‌ی شورا و عرضه‌ی آراء و توجیه کننده‌ی آنها با آزادی کامل تکمیل می‌شوند، همچنین از بین بردن اختلافات و ترجیح دادن آرای برتر از خلال آن کانال به دست می‌آید، سپس همه‌ی افراد، تسلیم آن می‌شوند و آن را می‌پذیرند. بعد از تکمیل این مرحله، بر دارندگان آرای مخالف جایز نیست که در این زمینه صحبت و اظهار نظر کنند، چون که این کارشان سبب می‌شود آشوب و تزلزل در اعتماد به رهبر حزب و جایگاه او، ایجاد شود.

گاهی وقت به‌خاطر امور شخصی، اختلافاتی در بین افراد ایجاد می‌شوند و شیطان در بین آنان اختلاف می‌اندازد و در آغاز راه برای آن اختلاف چاره اندیشی نمی‌شود، و از بین نمی‌رود. تا این‌که اختلافات عمیق و ریشه دار می‌شوند، در بین دو طرف متخاصم بگو مگوهایی رد و بدل می‌شوند و دائره‌ی اختلافات گسترده می‌شود و از حد افراد فراتر می‌رود تا جایی که دامنگیر اجتماعات می‌شود، در نتیجه، آثاربد این اختلافات خود را بر مسؤولان و مؤسسان جماعت تحمیل می‌کنند، و به حساب حرکت گذاشته می‌شوند، اگر این وضعیت زمان طولانی ادامه داشته باشد به توقف و فروپاشی حرکت منجر می‌شود.

بر یکایک افراد جماعت واجب است که بر دوستی و پایبندی به احکام اخوت، حریص باشند و کاری از آنان سر نزند که سبب آزار رساندن به یکی از برادران دیگر شود. همچنین برکسی که در حق او بدی می‌شود واجب است که به خاطر شخص خودش خشمگین و عصبانی نشود بلکه به خاطر خدا دیگران را ببخشد و از خطاهایشان چشم پوشی کند. بر گروه سوم لازم است که در هنگام مشاهده اختلاف میان برادران، اختلافات را اصلاح کنند و در بین برادران صلح

ایجاد کنند. بدین شکل این پدیده‌ی بد در زمان و فرصت مناسب خودش و در پرتو تعالیم و آداب اسلامی حل شود و از بین برود.

گاهی اختلاف بر اثر تعصب خشک و نکوهیده نسبت به افراد و یا نسبت به شهرها و یا نسبت به منطقه و یا به خاطر تعصبات جاهلی دیگر به وجود می‌آید. هیچ شکی نیست که اسلام این اخلاق زشت و مذموم را رد می‌کند و با آن می‌جنگد. جماعت اخوان هم تلاش می‌کند تا اجتماعات ما را از شر آن نجات دهد. بهتر است که اجازه ندهیم تا چنین پدیده‌ی نکوهیده‌ای در صف‌های ما ایجاد شود. لازم به ذکر است که نظیر چنین پدیده‌ای، زمانی ظهور می‌کند و پدیدار می‌گردد که به مسأله‌ی تربیت و تزکیه‌ی روحی توجهی نشود، اما در محیطی که به تربیت و تزکیه‌ی روحی اهتمام جدی می‌شود، اینگونه پدیده‌های بد پدیدار نمی‌شوند.

یکی دیگر از مسایلی که منجر به سستی و عدم استمرار در مسیر حرکت می‌شود، احساس بیهوده و بی نتیجه بودن فعالیت در مسیر حرکت است، آن هم هنگامی که در نبرد با دشمن شکست صورت بگیرد. در حالی که واجب است سالک این راه اینگونه نباشد. چون مسأله و مسؤولیت ما بسیار بزرگ و راه ما طولانی و نبرد ما با دشمنان پیوسته و همیشگی است لذا باید صبور بود. زمانی که مسلمانان در جنگ احد، بعد از پیروزی آغازین، شکست خوردند، آیات قرآن نازل شد تا سطح معنوی و روحی مسلمانان را تقویت کند و به آنان اطمینان خاطر دهد:

﴿وَلاَ تَهِنُوا وَلاَ تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ ٱلْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُم مُؤْمِنِينَ * إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ ٱلْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ ٱلْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ ٱلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَٱللَّهُ لاَ يُحِبُّ ٱلظَّالِمِينَ * وَلِيُمَحِّصَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ ٱلْكَافِرِينَ﴾ (آل‌عمران: ۱۳۹-۱۴۱)

«*(از جهاد در راه خدا به‌خاطر بلاهایی که به سرتان می‌آید)* سست و زبون نشوید و غمگین نشوید و شما برتر *(از دیگران)* هستید اگر که براستی مؤمن باشید. اگر به شما جراحتی رسیده است. به آن جماعت نیز

*جراحتی همانند آن رسیده است و ما این روزها (ی شکست و پیروزی) را در میان مردم دست به دست می‌گردانیم تا ثابت قدمان بر ایمان را جدا سازد و مؤمنان شناخته شوند و خداوند از میان شما قربانیانی برگیرد و افتخار شهادت نصیبشان گرداند و خداوند ستمکاران را دوست ندارد. و تا این که خداوند مؤمنان را خالص گرداند و کافران را نابود سازد.»*

به دنبال آن، پیامبر ﷺ یارانش را سه روز بعد از جنگ احد برای تعقیب دشمن فرا خواند، و همه آنان به دعوت پیامبر لبیک گفتند و هیچ کس تخلف نورزید و در نبردی به نام حمراء الاسد دشمن را تعقیب کردند.

شکست در میدان نبرد با دشمن شکست نیست، بلکه شکست واقعی همان شکست در مقابل نفس است، در حالی که اینگونه شکست از اخلاق و ویژگی‌های مؤمنان راستین نیست، مؤمنانی که می‌دانند کمک و پیروزی را از جانب خداوند متعال دریافت می‌کنند، خداوندی که لشکریان آسمان و زمین از آنِ او هستند که اگر خداوند بخواهد آنان را در مقابل دشمنان پیروز می‌گرداند اما او می‌خواهد که بندگانش را مورد امتحان قرار دهد:

﴿وَلَوْ يَشَاءُ ٱللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَا بَعْضَكُم بِبَعْضٍ﴾ (محمد: ۴)

*«و اگر خدا می‌خواست خودش (با فرستادن بلاهای مختلف) از آنان انتقام می‌گرفت. اما خدا خواسته است بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید.»*

در پایان تأکید می‌کنم که استمرار و پیوسته بودن حرکت در دعوت اسلامی، امری ضروری است، که واجب است هر شخصی که در میان صف است بر آن حریص باشد و به خاطر وفای به رکن «ثبات و پایداری در بیعت» در این مسیر راهش را ادامه دهد هر چند که مشکلات و موانع در پیش رو داشته باشد. و بر تمامی افراد جماعت اخوان لازم است که برای پشت سر گذاشتن موانع و مشکلات، به یکدیگر کمک کنند و در برابر مشکلات و سختیها استقامت و پایداری کنند و به مشکلات و موانع اجازه خودنمایی ندهند که سبب ایجاد موانع و توقف مسیر می‌شوند، یاری دادن و توفیق از جانب خداست.

## (۳) رشد و نمو همراه با قوت و قدرت

از مسایل مهمی که واجب است به آن اهمیت ویژه داده شود، رشد و پیشرفت حـرکت و قـدرتمند بـودن آن هـمراه بـا اسـتمرار و پـیوسته بـودن آن است. لذااستمراری که ثابت باشد و پیشرفت نکند کافی نیست، استمراری که همراه با کم شدن نیروی کمی و کیفی و با ضعف تدریجی همراه باشد پذیرفته نـیست، بلکه استمراری که همراه با پـیشرفت و تـوسعه یک دست و هـماهنگ حـرکت اسلامی باشد و شـمار مـنتسبان و دوست داران آن روز بـه روز افـزایش یـابند، ارزشمند و مقبول است. همچنین توان و استحکام اساس حرکت و توان افراد و وسایل حرکت بیشتر شود و فزونی یابد.

### رشد و نمو

نخست مسأله‌ی رشد و نمو را مورد بررسی قرار می‌دهیم و آن را به دو بخش تقسیم می‌کنیم:

۱ـ رشد افقی، ۲ـ رشد فکری. در رشد افقی باید سعی و تلاش مـجدانـه و طاقت‌فرسایی به‌کار گرفته شود، تا ایـن‌که دعـوت بـه بـیشترین نـقاط سـرزمین اسلامی بلکه به تمامی نقاط و ساکنین جهان برسد، و این گستردگی و توسعه با ید همراه با استحکام بخشیدن و استوار نمودن پـایه‌های دعـوت در سـرزمین‌های تحت سلطه باشد، تا بتوان در سایه‌ی این قدرت و نفوذ، تلاش کرد و دوستان و یاورانی به دست آورد که به منهج حرکت اسلامی ایمان داشته باشند و در قالب تعاون و همبستگی بین تمامی اعضا، برای محقق شدن اهداف آن فعالیت کنند.

نمی‌خواهیم که این رشد و نمو و توسعه یافتن سست و ضعیف و ناهماهنگ باشد؛ زیرا رشد ونمو قدرتمند و اصیل که در زیر سایه‌ی وحدت و احساس به

این‌که اعضای این حرکت همچون جسد واحدی هستند، ارزشمند است و ما خواستار رسیدن به آن مرحله هستیم.

رشد و نمو افقی و گسترش میدان دعوت و تعداد افراد آن در سایه‌ی انتشار دعوت و تبلیغ به‌دست می‌آید، اما گسترش میدان رشد و نمو فکری در گرو تربیت درست و تزکیه است. پس برای دست‌یابی به این خواسته‌ی ارزشمند، لازم است به فراهم کردن ابزار و وسایل انتشار دعوت که شناخته شده و معروف هستند، اهتمام ویژه و توجه شود. وسایلی همچون کتابها، رساله‌ها، روزنامه، مجلات، کنفرانسها، نشست‌ها و همچنین تمامی سخنانی که درباره موضوع دعوت مناسب هستند از جمله نوارهای ضبط شده‌ی صوتی و یا تصویری و وسایل دیگر، باید برای پیشرفت در کار دعوت مورد توجه قرار بگیرند. دعوت فردی از موفق‌ترین وسایل در راه انتشار دعوت و راه به دست آوردن یاوران و دوستدارانی برای دعوت است که به کارگیری این روش در هر نوع موقعیت و شرایطی مناسب و ممکن است، به‌ویژه در شرایط و موقعیتی که سختگیری‌هایی وجود دارد و از فعالیت عمومی جلوگیری می‌شود. فعالیت مصعب ابن عمیر در مدینه منوره قبل از هجرت پیامبر ﷺ به آنجا، و موفقیت چشمگیر او در یافتن پیروانی برای حمایت از دین اسلام و انتشار آئین اسلام در میان مردم مدینه به عنوان دلیلی برای اهمیت دعوت فردی و تأثیر چشمگیر آن کافی است. اگر هر کدام از افراد جماعت کار دعوت فردی را به کار گیرند و بر آن پایدار و ثابت قدم باشند، بی شک در هر زمان و مکانی بر حجم حرکت و تعداد افراد آن به طور هماهنگ افزوده خواهد شد.

همچنین به تمامی برادران به طور عام و به برادران داعی به طور خاص سفارش می‌کنیم که برای انتشار دعوت، در هر مکانی و سرزمینی بشتابند هر چقدر هم که مسافتها دور باشند، یا این‌که سختیها و مشکلات زیاد باشند. بر مهندس، پزشک، مدرس و استاد، واعظ و سخنران و بر افراد دیگر لازم است که برای نشر دعوت به مکان‌های گوناگون حتی به سرزمینهای دور افتاده در آفریقا و

آسیا و قاره‌های دیگر بروند تا دعوت را به محرومان از نعمت اسلام برسانند، درست نیست که گروه تبشیری برای حریص بودن در نشر دین مسیحیت و در تحمل سختیها در راه نشر آن دین، از مسلمانان و یاوران دعوت اسلامی حریص‌تر باشند و پیشی بگیرند.

اما هدف از رشد و نمو فکری این است که سطح آگاهی افراد و ساختار شخصیت اسلامی آنان ارتقا یابد. رسیدن به این هدف ارزشمند و مهم با استفاده از تمامی ابزار به‌کار گرفته شده در این زمینه ممکن است. از طریق درس دادن و از طریق خانواده، مسافرتها و کاروانها و برگزاری اردوها و راههای مفید دیگری به دست می‌آید. در نتیجه‌ی این تلاشها ساختار شخصیت فرد مسلمان از لحاظ عقیده، عبادت، اخلاق، فرهنگ و آگاهی، از لحاظ بدنی و تمامی آنچه که بتواند از او یک شخص دعوتگر سرباز و مجاهد بسازد، کامل می‌شود.

همچنین رشد و نمو فکری در به دست آوردن پختگی فکری و کسب تجربه در زمینه‌های فعالیت در میدان دعوت و رسیدن به سطح تولید، نمایان می‌شود.

همانگونه که امام بنا می‌فرماید: «برادر مسلمانی می‌خواهیم که همانند مجاهد کاردان و حکیمی باشد که بتواند در کمترین فرصت و کمترین وقت، بیشترین تولید و دست آورد را برای دعوتش کسب کند و به همراه داشته باشد.»

رشد و نمو فکری فقط در ارتقای سطح افراد خلاصه نمی‌شود، بلکه در کنار این ارتقا، ازدیاد وسایل حرکت و زمینه‌های فعالیت آن با به دست آوردن خبرگی و تجربه کافی برای تولید نیروهای کارآمد زیاد، لازم است.

توجه به یک امر مهم لازم است و آن این‌که بین وسایل رشد و نمو افقی و وسایل رشد و نمو فکری باید تناسبی وجود داشته باشد، یعنی این‌که بین دست آورد نشر دعوت و امکانات تربیتی باید هماهنگی وجود داشته باشد، تا در اثر زیاد شدن شمار افرادی که به دعوت می‌پیوندند و کمی توان تربیت که همگی افراد را تحت پوشش خود بگیرد سطح تربیتی سقوط نکند، اگرچه برای محقق شدن این تناسب، لازم به محدود کردن و کاستن از فعالیت دعوت باشد؛ چون

این کار از آثار بدی که سقوط سطح تربیت به دنبال دارد بهتر است.

در مراحل فعالیت در میدان دعوت لازم است که رشد و نمو شامل عناصر اساسی بشود، عناصری که امام بنا آنها را اینگونه بیان نموده: فرد مسلمان، خانه‌ی مسلمان و جامعه‌ی اسلامی تا این‌که رشد و نمو کامل باشد، اساس و پایه‌ی محکمی که حکم اسلامی بر آن استوار می‌شود، محقق شود. ساختن تدریجی این اساس و پایه امری طبیعی است، در مراحل آغازین حرکت اسلامی نخست افراد مسلمان تربیت و ساخته می‌شوند بعد از مدتی همین افراد مسلمان خانه‌های مسلمان برپا می‌کنند. پیوسته حرکت اسلامی نیازمند تعداد زیادی از افراد مسلمان و خانه‌های مسلمان است، کار و فعالیت برای ایجاد و برپایی اجتماع اسلامی از نخستین روز دعوت آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

لازم است در کنار مسأله‌ی آماده‌سازی و برپایی جامعه اسلامی توقف کوتاهی داشته باشیم و آن را همچون مرحله‌ای از مراحل ساختن ساختمان به شمار بیاوریم، برخی از افراد هستند که تصور نادرستی دارند و اشتباهاً می‌پندارند که منظور از برپایی جامعه اسلامی این است که تمامی افراد آن جامعه به حدی از رشد و تربیت برسند که هر کدام از آنها به مسلمان نمونه و یا برادر ایمانی نمونه تبدیل گردند، این یک کار محال و ناشدنی است و عملاً چنین کاری محقق نمی‌شود، اما هدف از برپایی جامعه اسلامی آن جامعه‌ای است که بعد از زیاد شدن تعداد مسلمانان، افرادی از مسلمانان و تعدادی از خانه‌های اسلامی الگو باشند و افراد دیگر آن جامعه مسلمان و بندگان صالح و خوبی باشند، همنوا و هماهنگ با حرکت اسلامی و اهداف آن بشوند و حاکمیت قانون خدا را بپذیرند. ضرورتاً لازم نیست که تمامی افراد جامعه‌ی اسلامی آماده باش و جندی باشند، جامعه‌ی آغازین اسلامی در مکه، که پیامبر خدا ﷺ آنها را تربیت کرده بود، تمامی افرادش الگو و نمونه نبودند.

برخی از افراد درباره جامعه کنونی دچار اشتباه شده و آن را جامعه اسلامی به شمار نمی‌آورند، چه بسا آن را به جامعه جاهلی نسبت می‌دهند یا صفات

نکوهیده‌ی دیگری به جماعت اخوان می‌چسبانند و با این بهانه از این جماعت جدا می‌شوند و فاصله می‌گیرند.

این افراد شکافها و موانعی بین خودشان و بین این جماعت ایجاد می‌کنند، در حقیقت اینگونه حکم کردن آنان، از روی آگاهی و دقت لازم صورت نمی‌گیرد و درست هم نیست.

مابرای تغییر دادن جامعه‌ای که همین مردم در آن زندگی می‌کنند و برای اصلاح فسادی که در نتیجه‌ی تسلط دشمنان و دست اندکارانشان دامنگیر این مردم شده تلاش و فعالیت می‌کنیم و از میان همین جامعه‌ها افرادی فدائی و از جان گذشته برای پیوستن به صف جماعت اخوان آماده می‌کنیم. فعالان و تلاشگران میدان دعوت اسلامی کنونی، افرادی هستند که خداوند متعال هدایت، آماده باش و سرباز دعوت بودن آنان را به وسیله افراد مؤمن پیشین میسر ساخته است، بدین شکل دعوت مسیر حرکت و تکامل خود را پیوسته ادامه داده و خواهد داد.

دیدگاه دیگری هم وجود دارد که لازم است نظرتان را به آن جلب کنیم و آن این‌که تعامل حرکت اسلامی با این جامعه‌ها باید برگزینش افرادی خاص از آنها برای پیوستن به صف حرکت اختصاص نیابد، بلکه حرکت اسلامی باید تلاش کند تا افراد فراوانی را از آن جامعه به سوی اسلام دعوت کند تا این‌که مسلمانان واقعی و بندگان صالح و یاری دهنده و دوستار حرکت، و به حاکم گرداندن قانون خدا علاقه‌مند باشند اگرچه از منتسبین به حرکت هم نباشند. برای رسیدن به چنین هدفی ابزار و وسایل خاصی هست که برخی از آنها با ابزاری که برای ساختن فدائی و سرباز برای صف اسلامی لازم است متفاوت می‌باشد. لازم و ضروری است که چنین ابزاری فراهم گردند تا مورد استفاده قرار گیرند. یکی از آنها گسترش زمینه‌ی نیکی و خدمت اجتماعی است. از آنجایی که هدفی را که برای محقق شدن آن تلاش می‌کنیم بسیار بزرگ است، لذا نیازی به توضیح و بیان اهمیت رشد افقی و فکری برای حرکت نیست، چون وجود آنها بسیار لازم و

ضروری است. آن هدف بزرگ هم استوار و محکم کردن پایه‌های دین خدا در زمین و بر پاکردن حکومت اسلامی جهانی و در رأس آن خلافت اسلامی است. برای رسیدن به چنین هدفی بزرگ، امکانات زیاد و چشمگیر و تربیت تعداد زیادی از افراد فعال و صادق نیازمندیم همچنین افرادی که دوستدار و علاقمند حرکت باشند نیازمندیم، دست یافتن به چنین هدفی ارزشمند در سایه علاقه شدید به وجود رشد و نمو افقی و فکری دو چندان، محقق می‌شود.

می‌دانیم که دشمنان خدا از هیچ‌گونه کوششی برای جلوگیری از فعالیت دعوت اسلامی کوتاهی نمی‌کنند و تمام سعی و امکانات خودشان را به‌کار می‌گیرند تا بین فعالیت پیوسته‌ی دعوت و محقق شدن اهداف آنها مانع ایجادکنند. چنین کاری از جانب دشمنان خدا بر ما واجب می‌کند که بر رشد و نمو حرکت و توانمندی آن حریص باشیم تا این‌که بتوانیم در برابر دشمنان خدا مقاومت و پایداری کنیم و حیله و نیرنگشان را از بین ببریم و نقششان را نقش بر آب کنیم.

گاهی دشمنان خدا و طرفداران و یاری دهندگانشان به تعطیل کردن وسایل اطلاع رسانی عمومی برای نشر دعوت دست می‌زنند تا با این کارشان از گزینش و تربیت نیروهای جدیدی برای حرکت اسلامی ممانعت به عمل آورند، با این گمان که با این کارشان می‌توانند سرچشمه کاروان حرکت را بخشکانند و حرکت را به تدریج از بین ببرند یا این‌که حرکت با انقراض نسلی که بار آن را حمل می‌کند از بین برود. این کار، خیالی بیش نیست و دشمنان در این کارشان دچار اشتباه بزرگی شده‌اند چون آنان نمی‌توانند از رسیدن دعوت اسلامی به دلهای مردم ممانعت ایجاد کنند، چون آن دعوت نور خداوند متعال است و نور خداوند هرگز به وسیله‌ی شر و کار بد خاموش نمی‌شود. در چنین موقعیت و جوی بر حرکت اسلامی لازم است که ابزار و وسایلش را تغییر دهد و تا آن جایی که امکان دارد بین خواسته‌های دعوت و جوی که بر جامعه حاکم است سازگاری و هماهنگی ایجاد کند.

خیلی واضح و روشن است که راه دعوت بسیار طولانی و سخت است و در آن راه سختیها و پیچ‌ها و گردنه‌هایی وجود دارد، گاهی برخی از افراد در هنگام

رسیدن به سختیها و موانع در جا می‌زنند و متوقف می‌شوند و به حرکتشان ادامه نمی‌دهند. بنابراین بر کارگزاران و مسؤولان حرکت لازم است که صف حرکت را با فعالیت و رشد و نمو دادن نیروها و عناصر جدیدی، دگرگون سازد و تقویت کنند. ابزار و اسبابی به‌کار گیرند که مانع از دست دادن برخی از افراد از صف حرکت بشوند یا دست کم آن را به پایین‌ترین حد برسانند و این کار از راه پند دادن و نصیحت کردن و بالا بردن سطح آگاهی افراد امکان‌پذیر است.

گاهی دشمنان به ترساندن و اذیت و آزار رساندن به افراد، دست می‌زنند تا مردم را از پیوستن به دعوت بازگردانند، اما اصرار و پایبندی پیروان راه حق سلاح دشمن را خرد می‌کند و نابود می‌سازد. پیامبر خدا ﷺ و یاران گرامی و با وفایش، الگوی بسیار خوبی برای ما هستند در عین حالی که برای نشر دعوت، مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار می‌گرفتند ولی به راه خودشان ادامه می‌دادند و پیوسته در این راه پایدار بودند.

از جهتی دیگر میدان حرکت اسلامی روز به روز گسترده‌تر می‌شود، پس به وجود تعداد فراوانی از نیروها و عناصر توانمند نیاز است تا بتوانند بار سنگین دعوت را بر عهده بگیرند و حمل کنند و سنگرها و شکاف‌ها را پر نمایند تا این که حمل بار دعوت بر دوش مسؤولان آن سنگینی نکند که نتوانند آن را به نحو احسن بر دوش کشیده و آن را به پیش ببرند و در نتیجه کوتاهی و اشتباه پدیدار گردد. پس تلاش و فعالیت برای رشد و نمو حرکت اسلامی و تقویت صف آن با نیروهای فعال و کارساز خوب و تازه‌نفس، امری ضروری است تا این که هر فردی با سعی و تلاش و وقت و تخصصی که دارد برای برپایی پایه‌های دعوت فرصت لازم را بیابد و نقشه‌های عمومی و فعالیتهای لازم را در میدان دعوت در پیش گیرد.

اینجا لازم است به ضرورت عدم اشتغال به کارهای اداری ویا تنظیمی که مانع نشر دعوت و تربیت می‌شوند و همچنین اسبابی که برای خوب به حرکت در آوردن چرخه فعالیت و تقسیم مناسب تخصص‌ها و ادامه دادن به آنها نیاز

هستند، اشاره می‌کنیم تا چنین خطاها و اشتباه‌هایی صورت نگیرد.

واجب است که رشد و نمو در حرکت، شامل تمامی گروههای جامعه و افراد گوناگون بشود: مردان، زنان، جوانان، خردسالان، دانشجویان، کارگران، صاحبان حرفه‌ها، دانشمندان دین و افراد دیگر تا این‌که پایه‌ها و اساس ساختمان دعوت کامل و محکم باشد همچنین اهمیت دادن و توجه نمودن به فراهم کردن ابزار و نیازمندیهای لازم در تمامی زمینه‌ها و منطقه واجب است.

بر مسؤولان واجب است که آگاه باشند تا در خلال رشد و نمو حرکت، شکاف‌ها و جدایی‌طلبی‌ها در داخل حرکت شکل نگیرند که موجب فراهم شدن مشکلات و سختیها می‌شوند.

## فراهم کردن ابزاری که به پیشرفت دعوت کمک می‌کنند:

## «وجود قوت»

قوت و نیرو برای رشد و نمو لازم است تا رشد و نمو، سست و ضعیف نگردد، و مانند چاقی زیادی که در بعضی از افراد وجود دارد و باعث ضعف و سستی آنها می‌شود، نباشد. بلکه باید قوت و نیرویی باشد که نمایانگر ضعف و سستی و بیهوده کاری نباشد و موانع ایجاد نکند، بنابراین نیرویی لازم است که منشأ و سرچشمه حرکت و فعالیت باشد. مهمترین وسیله برای دستیابی به چنین نیرویی، خوب ترَبیت کردن افراد و به دست آوردن تجربه کافی است.

فراهم کردن نیرو و قدرت برای دعوت، به خاطراجرای امر خداوند متعال است که می‌فرماید:

﴿وَ أَعِدوُّا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الخَيْلِ﴾ (انفال: ۶۰)

*«برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می‌توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسبهای ورزیده آماده سازید.»*

لازم است در این آیه درنگی داشته باشیم و بیندیشیم تا برخی از عبرت‌ها و درس‌ها را از آن بیاموزیم. از فرمایش خداوند: (ما استطعتم) یاد می‌گیریم که

هرگونه تلاش، وقت، مال و امکانات دیگری که د ر اختیار داریم و می‌توانیم آنها را در راه فراهم و مهیا کردن این قدرت و توانمندی به‌کار گیریم، باید بدون هیچ درنگ و تأخیری اقدام کنیم و امکاناتمان را برای توانمند ساختن حرکت اسلامی تقدیم کنیم.

همچنین یاد می‌گیریم که خداوند فراتر از توان و قدرتمان چیزی از ما نمی‌خواهد، که فرمایش دیگر خداوند بر این مسأله تأکید دارد: ﴿لاَ یُکَلِّفُ اللّٰهُ نَفْساً اِلاَّ وُسْعَهَا﴾ (بقره: ۲۸۶) فرمایش خداوند (من قوّة) در را به طور کامل به روی ما می‌گشاید تا تمامی اسباب و ابزار قوت و قدرتی راکه میدان کار دعوت، برای محقق ساختن اهدافش و مقابله با دشمنان به آن نیازمند است، فراهم سازیم و به‌کار گیریم. مسأله فقط در قوت و قدرت سلاح خلاصه نمی‌شود و به آن اختصاص نمی‌یابد بلکه بر ما لازم است از تمامی امکانات جدید سودمند ـ بعداز آن که در قالب اسلامی، قالب ریزی شدند ـ بهره بگیریم به نوعی که با آموزه‌های اسلام مخالفت نکنیم.

از ضروری‌ترین و نیازمندترین انواع قوت و قدرت‌هایی که خواسته شده فراهم شوند عبارتند از: قوت و نیروی ایمان، نیروی وحدت، نیروی علم و دانش، نیروی بدن و توان جسمی و توان مالی، نیروی شخصیت، نیروی سلاح، نیروی تبلیغاتی و... با این که قدرت و نیروی اساسی و مهم شامل سه چیز می‌شود: ۱ـ قوت عقیده، ۲ـ قوت وحدت، ۳ـ قوت و قدرت ساعد و سلاح. اما قدرتها و نیروهای دیگر هم مطلوب و ارزشمند هستند. در ادامه‌ی بحث، قدرت و نیروهایی را که به طور مختصر بیان کردیم بیشتر توضیح خواهیم داد و به خوانندگان عرضه خواهیم کرد.

قدرت و نیروی عقیده یا قدرت و توان ایمانی، آن پایه و اساسی است که شخصیت فرد مسلمان و ساختار جماعت و حکومت بر آن پی‌ریزی و ساخته می‌شود. پس هر گونه اختلال و اشکال در عقیده، تمامی ساختمان شخصیتی را در معرض نابودی و فروپاشی قرار می‌دهد. پیامبر اکرم ﷺ در نخستین مرحله‌ی دعوت به مسأله ایمان توجه خاصی داشتند. قرآن نازل شد و بر

استحکام عقیده و پاک بودنش از هر گونه شائبه‌ای تأکید ورزید. هرگاه ایمان در قلب جای گیرد و همنشین آن شود، چشمه‌های معرفت و انگیزه‌های خیر و کارهای نیک و درست، در نزد صاحب چنین قلبی جاری می‌شود که در نتیجه در برابر کشمکش‌های شر مقاومت می‌کند و بر آنها پیروز می‌گردد، وقتی که صفات مؤمنان راستین را در قرآن و حدیث پیامبر ﷺ بررسی می‌کنیم، صدق و اهمیت این مسأله برای ما روشن می‌شود.

ایمانی می‌خواهیم که نیرومند و زنده و متجدد باشد. زمینه‌ی محقق شدن و به‌دست آوردن چنین ایمانی، تربیت و تزکیه نفس و تقویت جانب روحی و ارتباط با خدا است.

اما قوت و قدرت وحدت با وجود محبت زیاد و ایجاد اخوت به خاطر خدا در میان افرادی که راه دعوت را می‌پیمایند، حاصل می‌شود: چنین قدرتی همانند مواد و مصالح ساختمانی است که بخشی از ساختمان را به بخش دیگر متصل و محکم می‌کند و به دشمن اجازه نمی‌دهد که از آن نفوذ کند و در برابر کوشش‌هایی که از جانب دشمنان برای نابودی حرکت دعوت به کار گرفته می‌شوند، مقاومت و ایستادگی می‌کند.

سرمشق و الگوی ما به این مسأله اهتمام ویژه‌ای داشت و در بین مهاجران و انصار عقد اخوت برقرار کرد و افراد را به خالص نمودن آن، دعوت کرد. اخوت در دلهای پاک و صادق جاخوش کرد و نمونه‌های زیبایی از ایثار و زهد از خود برجای گذاشت. قرآن کریم این افتخار بزرگ آنان را در سوره حشر چنین به ثبت رسانده و بیان می‌کند:

﴿لِلْفُقَرَاءِ ٱلْمُهَاجِرِينَ ٱلَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ ٱللهِ وَرِضْوَاناً وَيَنصُرُونَ ٱللهَ وَرَسُولَهُ أُولَـٰئِكَ هُمُ ٱلصَّادِقُونَ * وَٱلَّذِينَ تَبَوَّءُوا ٱلدَّارَ وَٱلْأِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ﴾ (حشر: ۸-۹)

*«(غنائم) از آنِ فقرای مهاجرینی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند. آن کسانی که فضل خدا و خشنودی او را می‌خواهند و خدا و پیامبرش را یاری می‌دهند. اینان راستگویانند. آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار نمودند) کسانی را دوست می‌دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده‌اند و در درون احساس رغبت و نیاز نمی‌کنند در چیزهایی که به مهاجران داده شده است و ایشان رابر خود ترجیح می‌دهند هرچند که خود سخت (به آن) نیازمند باشند. کسانی که از بخل نفس خود مصون گردند ایشان قطعاً رستگارند.»*

امام بنا اهمیت اخوت را از سیره پیامبر ﷺ اقتباس کرده و آن را رکنی از ارکان بیعت قرار داده است و بیان نموده که بالاترین مرحله‌ی آن ایثار و از جان گذشتگی است و پایین‌ترین آن سالم بودن قلب انسان از حقد و حسد و سایر ناراحتیها نسبت به یکدیگر است. همیشه ما را به دوستی و اخوت در تمامی گفتارها ومناسبتها نصیحت می‌کرد و متذکر می‌شد.

شکر خدا جماعت با این ویژگی و نعمت، متمایز ومشخص است. می‌بینیم که خواسته‌های اخوت به شکل بسیار قوی در میان آنان محقق می‌شود، هر چند که سرزمین‌ها از هم دور یا رنگ و زبان با هم مختلف باشند. پس بر کسی که سالک راه دعوت اسلام می‌باشد، لازم است که بر تزکیه و بی‌آلایش بودن دوستی و اخوت اسلامی و قدرت وحدت و حمایت از آن حریص باشد.

اما درباره قوت علم: امکان ندارد که حق نیروی علم و دانش را نادیده بگیریم و آن را بی ارزش گردانیم؛ چون که علم به تمامی میدانهای زندگی وارد می‌شود و آنها را می‌نوردد و نیروهای پوشیده را کشف و هر روز چیز جدیدی به جامعه تقدیم می‌کند که برخی از آنها مفید و سودمند و برخی از آنها مضر و نابودکننده هستند. دین اسلام ما را به سوی یادگیری علم و استفاده کردن از تمامی وسایل و ابزار جدید که به محقق شدن هدفی که برای رسیدن به آن تلاش و فعالیت

می‌کنیم، فرا می‌خواند. بر متخصصان فن در زمینه‌های مختلف علمی لازم است که در زمینه‌ی تخصص خودشان، درسها و بحث‌هایی را تقدیم کنند و ارائه دهند که به فعالیت حرکت اسلامی سود برساند و در تمامی تخصص‌ها ابزار و وسایل کافی و ممتازی فراهم کنند تا حرکت اسلامی در استفاده بردن و بهره‌وری از زمینه‌ها و میدان‌های مختلف علوم مفید، محروم نشود.

اما درباره قوت و قدرت جسمی: اسلام پیروانش را به محافظت بر سلامت و تندرستی جسمی فرا می‌خواند و پیامبر خدا ﷺ امتش را به داشتن قوت و قدرت جسمی تشویق می‌کند و می‌فرماید: «**المؤمن القوی خیر و أحب الی اللّه من المؤمن الضعیف**» *(مؤمن قوی و قدرتمند در نزد خدا بهتر و محبوبتر از مؤمن ضعیف و ناتوان‌است.)*

و به ما می‌آموزد که چگونه از شر ناتوانی و تنبلی به خدا پناه ببریم و می‌فرماید: «**اللّهم انّی أعوذبك من الهمّ و الحزن، و أعوذبك من العجز و الكسل، و اعوذبك من الجبن و البخل، و أعوذ بك من غلبة الدين و قهر الرجال.**»

*(پروردگارا! همانا از شر هم و غم و اندوه به تو پناه می‌برم، از شر ناتوانی و تنبلی به تو پناه می‌برم، از شر ترس و بخل به تو پناه می‌برم، از شر فزونی و غلبه بدهی و قهر و خشم مردم به تو پناه می‌برم.)*

کاملاً روشن و آشکار است که راه دعوت اسلامی بسیار سخت و دشوار است و از کسانی که می‌خواهند سالک آن راه باشند، تلاش و جهاد و تحمل سختی را می‌طلبد، در این صورت داشتن نیروی قدرتمند جسمی برای تحمل سختی‌ها و ادامه راه و توان انجام وظایف در این راه ضروری و انکارناپذیر است، در حالی که ضعف قوای جسمانی مانع از انجام آن کارها می‌شود.

اما درباره‌ی قوت و قدرت مالی: مال دارای اهمیت خاص و ویژه‌ای است، تا در زمینه‌های مختلف، هزینه‌های مورد نیاز کار و حرکت در میدان دعوت را بر عهده بگیرد و نیازهایش را برآورده سازد و تکیه‌گاهی برای مسایل اسلامی باشد و آنها را به نحو احسن یاری دهد و به‌وسیله آن سایر خواسته‌های حرکت

اسلامی برآورده شود. پس باید از راه درست برای جمع آوری مال حلال تلاش و کوشش کنیم، تا آن را در راههای قانونی و شرعی خرج کنیم ونباید به آن اجازه دهیم که حب و عشقش را بر دلهای ما مسلط گرداند. معامله‌ی سودمند با خدا همراه با جان و مال است، خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ ٱشْتَرَىٰ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَٰلَهُم بِأَنَّ لَهُمُ ٱلْجَنَّةَ﴾(توبه:۱۱۱)

*«بی‌گمان خداوند جان و مال مؤمنان را به بهای بهشت خریده است.»*

پس باید برای اتمام و کامل نمودن تمامی جوانب بیعت و معامله با خدا، جان و مالمان را تقدیم کنیم و بر آن حریص باشیم.

این امر پوشیده نیست که دارندگان عقاید باطل و فاسد، از پیروانشان مالهای فراوانی را جمع آوری می‌کنند، تا بخشی از آن را در راه انتشار عقاید باطلشان به کار بگیرند و مصرف کنند. پس مؤمنان اولی‌تر و سزاوارتر هستند که قدرت و پشتوانه‌ی مالی داشته باشند تا برای پیشبرد دعوتشان مصرف کنند، و نیازمندیهای مالی دعوتشان را فراهم کنند.

اما داشتن قوت و نیروی شخصی: در این زمینه سخنانی را از امام بنا نقل می‌کنیم که در این باره برای ما کافی است، او در رساله‌ای تحت عنوان از کجا باید شروع کنیم (من أین نبدأ) در فصل: مردم را به سوی چه چیزی دعوت می‌کنیم؟ می‌فرماید:

«بی‌شک ساختن و تربیت امت‌ها و رسیدن به آرزوها و آرمان‌ها و محقق ساختن خواسته‌ها و کمک رسانی به عقاید؛ از امتی که برای دستیابی به این مسایل تلاش می‌کند یاگروهی که مردم را به سوی آن دعوت می‌کند، می‌طلبد که دارای نیروی روحی و روانی بزرگ و قدرتمندی باشد، که این نیرو در چند چیز نمایان می‌شود: ۱ـ اراده‌ای قوی که ضعف و سستی به آن راه نیابد، ۲ـ وفای به عهد و پیمان که نیرنگ و فریبکاری و خیانت به آن تجاوز نکند، ۳ـ فداکاری ارزشمندی که هیچگونه حرص و بخلی مانع آن نشود، ۴ـ شناختن کامل مبدأ و عقیده و ایمان آوردن به آن و تلاش برای دستیابی به آن، که فرد را از دچار شدن به خطا و لغزش و منحرف شدن از آن و از سازش بر علیه آن، حفظ کند. بر اساس

این ارکان اولیه که از ویژگی‌های نفوس هستند و بر اساس این قدرت و قوت بزرگ روحی، کاخ عقاید برافراشته می‌شود و امتهای بیدار و پویا تربیت می‌یابند، و جوانمردی ساخته می‌شود، و کسانی که مدت طولانی از زندگانی محروم بودند، زندگانی دوباره و جان تازه می‌یابند.

هر ملتی که این صفات چهارگانه را از دست بدهد، یا حداقل رهبران و دعوتگران اسلامی در میان آن ملت، این صفات چهارگانه را از دست بدهند، چنین ملتی مسکین است و تلاشش بیهوده و بی نتیجه خواهد ماند، و به هیچگونه خیر و نیکی دست نمی‌یابد و هیچگونه آرزویی را محقق نمی‌سازد. برای او کافی است که در فضایی از رؤیاها و خیال‌ها و ظن و گمانها زندگی کند، در حالی که:

﴿وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾ (نجم: ۲۸)

*«ظن و گمان (در بخش اعتقادات، به کسی سودی نمی‌رساند و انسان را) از حق بی‌نیاز نمی‌گرداند.»*

اما داشتن نیرو و توان سلاح، امری اجتناب‌ناپذیر وضروری است، چون لازم است که حق، دارای نیرو و قدرتی باشد تا بتواند از آن حمایت و دفاع کند، و از تجاوز دشمنان و تجاوزکاران جلوگیری کند و شر آنها را به خودشان باز گرداند. جهاد در اسلام از فرایض و واجبات حتمی است. دستور خداوند به فراهم و آماده کردن هر گونه نیرو و قدرت برای جهاد، شناخته شده و روشن است. رعایت و استفاده از فنون و تاکتیکهای جدید برای جهاد و به‌کارگیری فنون و سلاحهای مناسب با هرزمانی، لازم و ضروری است. جهاد در اسلام دارای آگاهیهاوآدابی است که بر تمامی برادران دینی لازم و واجب است تا آن آداب را بشناسند و بدانند که این قوت و قدرت جهادی، در هر وقت و در هر ظروف و زمانی به‌کار گرفته نمی‌شوند و به‌کارگیری آنها بی گدار به آب زدن نیست، بلکه لازم است که ظروف و موقعیت مناسب فراهم شود و زمانی که راههای دیگری، غیر از جهاد، سودبخش و مفید نباشند، امر جهاد پیش می آید. امام بنا می‌فرماید: «هر گاه جماعتی که، سامان یافته نیست و از هم گسسته است و نظامش آشفته، یا

عقیده‌اش ضعیف و چراغ ایمانش کم فروغ است، اقدام به جهاد بکند و دست به اسلحه ببرد، سرنوشت چنین جماعتی نابودی و هلاکت است.»

اما داشتن نیرو و توان تبلیغاتی: بی‌شک امروزه تبلیغات با امکانات پیشرفته‌ای که دارد و قدرت دسترسی به دورترین نقاط را دارد در میدان عقیده و دعوت از خطرناکترین و برنده‌ترین سلاحها است. درست نیست که حرکت اسلامی از به کارگیری این سلاح برنده تخلف کند و عقب بماند، بلکه لازم و ضروری است که در تمامی بخش‌های تبلیغاتی دارای متخصصانی باشد تا این‌که ماده و عنصر صحیح اسلامی را از طریق رسانه‌های عمومی و دستگاه‌ها و ابزار تبلیغاتی به مردم برسانند: از طریق روزنامه‌ها، مجلات، کتابها، رادیو و تلویزیون نشست‌ها و کنفرانس‌ها و راههای دیگر تبلیغاتی که از این طریق راهنمائی‌های نیکو و انسان‌ساز اسلامی را به دیگران برسانند، چون قرآن و سنت و سیره پیامبر و تاریخ اسلامی مملو از عناصر و مطالب ارزشمند و گرانبهایی هستند که باید به مردم عرضه و معرفی شوند، یقیناً بیشترین تأثیر علمی و تربیتی را در میان ملت‌های مسلمان و حتی غیر مسلمان خواهد گذاشت.

اسباب و وسایل دیگری برای دستیابی به قدرت و قوت وجود دارد که به آنها اشاره نکردیم اما میدان تحقیق و تفحص باز است بر افراد و مسؤولان لازم است که همیشه در فکر این باشند اسبابی را فراهم کنند که توان این را داشته باشد تا حرکت اسلامی را تقویت کند و رشد و نمو دهد. خداوند بر نیت‌ها آگاه است و کمک و یاری از جانب اوست.

### (۴) محافظت بر اصالت حرکت اسلامی

محافظت بر اصالت حرکت اسلامی از ضروری‌ترین امور است تا این‌که برای رسیدن و محقق ساختن اهدافش حرکتش را در راه صحیح ادامه دهد، چون هرگونه انحراف یا نقص و کاستن از اصالت - هر چقدر هم کم و کوچک باشد- با حرکت مستمر و دستیابی به قدرت و قوت و رشد و نمو، زیاد می‌شود و حرکت را از مسیر صحیح و اصیلش دور می‌سازد و مانع محقق ساختن اهداف اسلامی می‌شود، از آنجا که دعوت اخوان المسلمین همانطوری که امام بنا فرموده به سوی اسلام و برای اسلام است و چیزی غیر از آن نیست، یعنی محقق ساختن اصالت دعوت اسلامی و رساندن آن به حد کمال است، پس محافظت بر اصالت یعنی تمسک و پایبندی نظری و عملی به دستورات اسلام و عدم مخالفت با آن است. امام بنا، بر پایبندی و التزام جماعت اخوان به قرآن و سنت پیامبر ﷺ بسیار حریص بود و گامها و برنامه‌های پیامبر ﷺ را در حرکت و انجام دعوت برای برپایی اسلام نخستین ترسیم کرد، بعد از آن که انحرافات و لغزشها و نوآوریها و خرافات به سوی اسلام راه یافت و اسلام عملاً آنها را لمس کرد، امام بنا را می‌بینیم که بر مسأله فهم صحیح از اسلام بسیار تأکید و پافشاری می‌کند و اهتمام می‌ورزد، خود آن بزرگوار به سوی فهم صحیح و پاک و همه‌گیر اسلام - همانطوری که پیامبر ﷺ آن را آورده بود- بازگشت و برای تحقق آن اهداف اسلامی به دور از هرگونه انحراف و اشتباه و جدایی‌طلبی، تلاش جانانه کرد و آن را از ارکان نخستین بیعت قرار داد و برای آن اصول بیست گانه‌ای وضع کرد که همچون چارچوبی آن را از خطا و لغزش حفظ می‌کند. پوشیده نیست که علت پراکندگی و تقسیم ومتفرق شدن مسلمانان به گروهها و طایفه‌های گوناگون، انحراف برخی از آنان در فهم صحیح در برخی از مسایل اسلام است که عدم فهم

صحیح عقیدتی یا عبادی و یا برداشت‌های غلط دیگر موجب این تفرقه و پراکندگی شده است.

هدف امام بناء از قرار دادن فهم صحیح از اسلام به عنوان رکنی از ارکان بیعت این است که هر کدام از افرادی که با حرکت بیعت کرده، به خاطر وفای به بیعتش که در واقع آن بیعت با خدا است، بر این فهم صحیح نگهبان امینی باشد که مبادا تحریف و تغییری در آن پیدا شود.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ يَدُ ٱللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَن نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ ٱللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْراً عَظِيماً﴾

(فتح: ۱۰)

«*بی‌گمان کسانی که با تو پیمان می‌بندند، در حقیقت با خدا پیمان می‌بندند. دست خدا بالای سر آنان است! هر کس پیمان‌شکنی کند به زیان خود پیمان‌شکنی می‌کند و آن کس که در برابر پیمانی که با خدا بسته است وفادار بماند و آن را رعایت کند، خداوند پاداش بسیار بزرگی به او عطاء می‌کند.*»

مشخص و روشن است که هدف جماعت اسلامی به قدرت رساندن و مسلط و حاکم گرداندن دین خدا بر زمین و بر پایی حکومت جهانی اسلام و در رأس آن خلافت اسلامی است؛ بنابراین محقق شدن این هدف بزرگ و فداکاری و قربانی جانها و تقدیم شهدایی برای برپایی حکومت اسلامی، بر پایه‌ی برداشت و فهم اشتباه و نادرست از اسلام قابل تصور نیست، همچنین برپایی حکومت اسلامی با دخل و تصرف و انحراف در آنچه که پیامبرخدا ﷺ آورده است صورت گرفته باشد، قابل تصور نیست.

به‌خاطر تمامی این موارد، محافظت بر اصالت و فهم درست و همه‌گیر اسلام واجب است هر چند که زمان به درازا بکشد و حوادث پی در پی باشند و ظروف و زمان تغییر کرده باشد. نباید به هیچ نوعی از تحریف و تغییری اجازه دهیم تا به اسم تمدن و همرنگ شدن با زمان و یا تجددگری یا به هر عنوان دیگری، وارد ساخت اصالت فهم صحیح اسلامی شوند.

به عنوان مثال عملی برای محافظت بر اصالت فهم صحیح اسلام، این نمونه را بیان می‌کنیم: در خلال سختیها و مشکلاتی که بر اخوان گذشت دو موج مخالف پدیدار شدند: یکی از آنها از ما می‌خواست که به مسایل و احکامی از اسلام اکتفا کنیم که خشم حکام را بر نیانگیزد و مشکلاتی را برای ما نیافرینند مانند دخالت نکردن در حکومت و قانون‌گذاری و جهاد، بلکه به عبادت و ذکر و علم اکتفا کنیم؛ دومین آنها موج افراطی بود که مخالف بیستمین اصل از اصول بیست گانه در رکن فهم بود، که عامه‌ی مسلمانان را تکفیر کرد. اما وفای به بیعت، نپذیرفتن هر دو موج را از پیروان حرکت اسلامی می‌طلبید. استاد هضیبی دبیرکل اخوان در آن زمان، شخصی کاردان و حکیم و برای حل مشکلات و درمان این‌گونه موجها، دوراندیش بود بنابراین مقاله‌ی ارزشمندی را نوشت و این گونه افکار را محکوم کرد و اشتباه و مخالف بودن آن رابا اسلام بیان نمود و این مقاله را تحت عنوان «دعاة لاقضاة» منتشر کرد. به دنبال انتشار این اعلامیه افراد فراوانی که شتابزده این دو موج را پذیرفته بودند از عقیده‌ی خود بازگشتند و افکار خود را تعدیل نمودند. وقتی که برخی از افراد بر این فکر افراط و تفریطی خود اصرار ورزیدند، استاد هضیبی به آنان فهماند که این فکر اخوان نیست، و به آنان گفت: اگر شما بر این فکر و عقیده‌تان اصرار می‌ورزید پس برای خودتان پرچمی غیر از پرچم اخوان برافرازید و راه دیگری جستجو کنید.

محافظت بر اصالت فهم صحیح اسلام، محافظت بر اهداف را هم می‌طلبد، تا مبادا دچار دگرگونی و بازیچه‌ی تغییر و تحریف شود. هدف جماعتی که بر محقق ساختن آن برخاسته‌اند، عبارت است از: قدرت بخشیدن و حاکم و مسلط گرداندن دین خدا بر روی زمین و برپایی حکومت اسلامی جهانی و در رأس آن خلافت اسلامی است. دست کشیدن و کوتاه آمدن از این هدف درست نیست یا تقسیم کردن آن و منحرف شدن از آن- هر چقدر هم که وقت طولانی و سختی‌ها و مشکلات طاقت‌فرسا باشد- درست نیست؛ و روا نیست هدف در صِرف رسیدن به حکمی به شکلی در گوشه‌ای از زمین خلاصه شود و آن هدف والا به

مسأله‌ی جزئی تبدیل گردد، بی آن‌که آن حکم جزئی از نقشه‌های عمومی باشد که برای محقق ساختن هدف بزرگ لازم است و بدون پایبندی به اساس و پایه‌هایی که کاخ ارزشمند حرکت بر آن افراشته می‌شود، به‌ویژه از لحاظ قوت و قدرت عقیده و قوت یکپارچگی و وحدت. برای این‌که بر پایی حکومت‌های اسلامی تفکیک شده‌ی منطقه‌ای، موجب می‌شود که آنها در معرض زوال و نابودی قرار گیرند که توسط دشمنان یکی پس از دیگری سقوط می‌کند.

برای روشن شدن مسأله و آشکار شدن تفاوت بین دو روی کرد، مثالی را که پیشتر ذکر کرده‌ایم دوباره بازگو می‌کنیم: بی‌شک تفاوت بین ساختن یک طبقه ساختمان در مساحت معینی از زمین و ساختن برج آسمان خراش و سر به فلک کشیده در همان مساحت معین، آشکار و روشن است. چون اساس و پایه و محکم‌کاری و هماهنگی و مواد به‌کار رفته در آن دو ساختمان با هم بسیار متفاوت است.

از اصالت حرکت دعوت، که امام بنا بر وجود آن بسیار حریص بود، و بر ما هم واجب است بر آن محافظت بورزیم، اهتمام و توجه داشتن به مسأله‌ی تربیتی و جنبه‌ی روحی است، چون تربیت و توجه به جنبه‌ی روحی درباره‌ی فرد و یا جماعت همانند وجود روح برای جسد است. امام بنا یقین داشت که فرد مسلمانی که ملتزم به صفات مؤمنین است، بی‌شک او عنصر حرکت و ابزار ساخت ساختمان دعوت و محقق ساختن اهداف آن عنصر اساسی و کارآمد است. او همان کسی است که خانه‌ی اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، حکومت اسلامی و دولت اسلامی برپا می‌کند، پس هر چقدر این عنصر سالم و محکم باشد در نتیجه هر مرحله‌ای از ساختمان که ساخته می‌شود محکم و سالم خواهد بود و عکس آن هم صدق می‌کند؛ یعنی هر چقدر عنصر ضعیف باشد هر مرحله‌ای که ساخته می‌شود ضعیف و سست خواهد بود.

به‌خاطر همین می‌بینیم که امام بنا عنایت و اهتمام ویژه و شایسته‌ای به فرد مسلمان دارد و صفات و ویژگی‌هایی را برای او مشخص می‌کند که باید آنها در او باشند و آنها را در رکن «عمل» از ارکان بیعت ذکر کرده است آن‌جا که می‌فرماید:

«از مراحل عملی که از برادر مسلمان راستین خواسته شده اصلاح نمودن نفس است تا این‌که دارای جسمی قوی، اخلاقی استوار و متین و فکری باز و آگاه باشد، همچنین قادر بر کار کردن، دارای عقیده‌ی سالم، و انجام دهنده‌ی عبادت صحیح و درست باشد. مجاهد با نفس و بر وقتش حریص و در کارهایش منظم و سودرسان به دیگران باشد.»

امام بنا می‌دانست که این صفات فقط با تربیت صحیح محقق می‌شوند، بنابراین دیگران را بر آن دعوت و راهنمایی و آن را با «اخوان» ممارست می‌کرد. درس‌های مختلف، تشکیل و خانواده و کاروانها و سفرها و اردوها و غیره ... در میان جماعت اخوان از وسایل شناخته شده تربیتی بودند. در دستان او نسلی تربیت یافت که خداوند آن نسل را با ثابت قدمی و صدق و صبر- به رغم تمامی سختی‌ها و مشکلات- عزت و کرامت بخشید، امیدواریم که آنان از گروهی باشند که خداوند درباره آنان می‌فرماید:

﴿مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا ٱللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلاً * لِيَجْزِيَ ٱللَّهُ ٱلصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ﴾ (احزاب:۲۴-۲۳)

*«در میان مؤمنان مردانی هستند که با خدا راست بوده‌اند در پیمانی که با او بسته‌اند. برخی به خواسته خود رسیده‌اند (و شربت شهادت نوشیده‌اند) و برخی نیز در انتظارند و آنان هیچگونه تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند. تا اینکه خداوند صادقان را به خاطر صدقشان پاداش بدهد.»*

محافظت بر اصالت حرکت، توجه و اهتمام ورزیدن ویژه به تربیت را می‌طلبد به گونه‌ای که جانب دیگر فعالیت، بر آن طغیان و تجاوز نکند.

خانواده از مهم‌ترین مؤسسه و پایگاه جماعت است که در آن افراد زیادی تربیت و مردانی ساخته می‌شوند و واجب است که تربیت تمامی سطوح و جوانب زندگی فرد را در بر گیرد تا این‌که مرگش فرا رسد. مسأله‌ی تربیت فقط به

مبتدیان راه دعوت اختصاص ندارد بلکه شامل مسؤولین هم می‌شود.

معلوم و مشخص است که اهتمام ورزیدن و توجه نمودن به مسأله‌ی تربیت صحیح، برادرانی را تا سطح مسؤولیت پذیری خوب می‌رساند که در میدان فعالیت برای پذیرش و حمل بار سنگین مسؤولیت مشارکت می‌کنند و همکاری‌های خوبی را انجام می‌دهند و تا حد زیادی با دیگران تفاهم پیدا می‌کنند بی آن‌که اختلاف و مشکل‌ساز باشند. اما در صورت عدم توجه به تربیت صحیح، عناصری پدیدار می‌گردند که در سطح تحمل و پذیرش مسؤولیت نمی‌باشند، در نتیجه بیشتر وقتها اختلافات و مشکلاتی به حساب فعالیت و تولید، پدیدار می‌گردند. پس به خاطر محافظت بر اصیل بودن دعوت اسلامی، شایسته و سزاوار است که اهتمام لازم و توجه درخور تربیت را برای آن به‌کار گیریم.

امام بنا چارچوب کار و فعالیت و مراحل آن را در رکن «العمل برسالة التعالیم» مشخص نموده است که عبارتند از: آماده کردن فرد مسلمان دارای صفاتی که پیشتر ذکر شدند، به وجود آوردن خانه‌ی اسلامی که بر پایه‌ی تقوا بنیان نهاده شده که در تمامی مراحل زندگی پایبند به آداب اسلامی باشد، تربیت فرزندان و خدمتکاران بر اساس عقاید اسلامی، ارشاد و راهنمایی جامعه به وسیله‌ی انتشار دعوت خیر و کارهای نیک در آن، مبارزه با کارهای پست و منکرات، تشویق بر انجام کارهای ارزشمند، انجام امر به معروف، اقدام برای کارهای خیر، به دست آوردن آرای عمومی برای طرفداری از اسلام، آزاد سازی وطن از سلطه‌ی هر گونه حاکم بیگانه‌ی غیر مسلمان، هم از جهت سیاسی، هم اقتصادی و هم روحی، و اصلاح حکومت حاکم تا جایی که کاملاً حکومت اسلامی حقیقی باشد.

همچنین امام بنا صفات و وظایف و حقوق حکومت اسلامی را مشخص و بیان نموده است: باز گرداندن موجودیت بین المللی امت اسلامی، به وسیله‌ی آزاد سازی سرزمین غصب شده‌اش و احیای مجدد عظمت آن و نزدیک نمودن فرهنگ اصیل آن و دستیابی آن به وحدت کلمه تا این‌که در نهایت منجر به باز گرداندن خلافت از دست رفته اسلامی و وحدت و یکپارچگی خواسته شده،

بشود و با نشر دعوت و کارهای نیک رهبری جهان را به دست بگیرد:

﴿وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَى لاَ تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾ (انفال: ۳۹)

*«و با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای باقی نماند و دین خالصانه از آنِ خدا گردد.»*

﴿وَيَأْبَى ٱللَّهُ إِلَّآ أَن يُتِمَّ نُورَهُۥ﴾ (توبه: ۳۲)

*«و خداوند نمی پذیرد مگر آن که نورش را کامل کند.»*

به‌خاطر محافظت بر اصالت حرکت دعوت اسلامی، بر ما لازم است که به این راه و روش و مراحل آن پایبند باشیم، گرچه آن راه طولانی هم باشد؛ چون که آن تنها راه درست و از پوچگرایی و سرکوفتگی در امان است. بی‌گمان امام بنا آن مطالب را از سیره پیامبر ﷺ و حرکت دعوی و برپایی حکومت اسلامی نخستین توسط او، استنباط کرده است.

کسانی که زمان دستیابی به پیروزی را آهسته و کند می‌دانستند و قبل از رسیدن میوه برای چیدن آن عجله می‌کردند و می‌خواستند میوه را قبل از رسیدن‌اش بچینند و شتابزده به خواسته‌ی خود برسند، و می‌خواستند از طریق تلاش عجولانه برای تغییر وضع موجود به وسیله‌ی به‌کارگیری اسلحه قبل از دستیابی به وجود قوت عقیده و قوت وحدت و یکدلی و ساختن پایگاه محکم و استوار، یا از طریق پناه بردن و تمایل پیدا کردن به احزاب سیاسی و اهتمام ورزیدن به دعوت و تبلیغات و تعداد آرای به دست آمده، بدون توجه به تربیت و ساختن نیروی لازم؛ به خواسته خود دست یابند. دیدیم که وضعیت و حال چنین افرادی چگونه بود و چه شد؟! گذشت زمان و تجربه‌ها شکست و فروپاشی چنین تلاش‌های شتابزده را اثبات کرده است. به‌خاطر محافظت بر اصالت دعوت بر ما لازم است که پایبند این راه و بر مشکلات و طولانی بودن آن صبور باشیم و در هیچ ظروف و حالتی از آن کناره‌گیری نکنیم.

● دعوت اخوان المسلمین بعد از دستیابی به قوت عقیده و ایمان، بر اخوت و دوست داشتن یکدیگر و قوت وحدت برپا شده و پایدار است تا جایی که محبت و دوست داشتن بین اخوان از ویژگی‌های بارز جماعت است آن هم به

خاطر اقتدا کردن به پیامبر خدا ﷺ است که آن حضرت اهتمام و عنایت فراوانی به وجود این حب و اخوت داشت و بین مهاجران و انصار عقد اخوت برقرار کرد. امام بنا هم بخاطر اقتدا به پیامبر ﷺ به مسأله‌ی حب و دوستی و اخوت بین اخوان به‌خاطر خدا، اهمیت و توجه ویژه‌ای داشت و آن را رکنی از ارکان بیعت قرار داد. و بر هر کدام از برادران به خاطر وفای به بیعت، لازم است که بر آن محافظت نماید. امام بنا سخنرانی‌های روز سه‌شنبه را در مرکز عام با پند و اندرز و تشویق به دوست داشتن به خاطر خدا و ایجاد اخوت به خاطر خدا شروع می‌کرد. بی شک تأثیر آن را در جان اخوان لمس و مشاهده می‌کردی چون بعد از پایان سخنان امام بنا، برادران نزدیک به دو ساعت در آن مرکز می‌ماندند و مهر و محبت خدایی را در میان یکدیگر رد و بدل می‌کردند تا جایی که بر درس روز سه شنبه، اسم عاطفه‌ی سه شنبه اطلاق شد.

بی‌شک - با فضل و عنایت خداوند - ما می‌بینیم که این حب و دوستی و آن عاطفه صمیمی در بین برادران از همان لحظه‌ای که با هم آشنا می‌شوند، آشکار می‌شود و روز به روز زیاد می‌گردد هر چند که وطن آنان از همدیگر دور یا زبانشان با هم متفاوت باشد. هرگاه برادری، برادر ایمانی خودش را در میان صف دعوت می‌بیند که با جماعت ارتباط دارد یا به عبارت دیگر آن برادر برای نصرت دین خدا جانانه تلاش می‌کند و سرنوشت خودش را به تلاش و فعالیت در راه خدا سپرده است و هر کدام از آن دو آماده‌ی این است که فدای دیگری بشود، بی‌شک این کار، احساس محبت و داشتن رابطه‌ی قوی بین آن دو را افزایش می‌دهد.

این دوستی و برادری در هنگام سختی‌ها ومشکلات اهمیت و ارزش خودشان را نمایان می‌سازند و برادر مسلمان در بحبوحه‌ی سختی‌ها و مشکلات در میان برادران ایمانیش احساس آرامش می‌کند؛ چون از جانب آنان سخنان امیدبخش و توصیه به حق و صبر هدیه می‌گیرد، لبخند و گشاده‌رویی و احساس همدردی و مشارکت آنان را می‌بیند و این سبب آرامش او می‌گردد و از مشکلاتش کاسته می‌شود.

یکی از برادران که در سال (۱۹۶۵ م.) با جمعی از برادران در بازداشتگاه جنگی بازداشت شده بود، برایمان نقل کرد که آنان گاهی بی دلیل یا با دلیل در معرض شکنجه قرار می‌گرفتند، در ادامه افزود: روزی یکی از برادران عطسه زد نگهبان بازداشتگاه که تازیانه‌ای هم همراهش بود از عطسه زننده خواست که دو گام به جلو بردارد- مشخص بود که می خواست او را شناسایی کند و کتک بزند- دیدیم که ناگهان چهار نفر از برادران پیشقدم شدند و جلو رفتند در حالی که عطسه زننده فقط یک نفر بود، اما هر کدام از این برادران می‌خواست به‌جای عطسه زننده شکنجه شود، افسر نگهبان وحشت زده شد و گفت: عطسه زننده یک نفر بود، چهار نفر نبود! برگردید به جاهایتان؛ هر وقت از شما خواستم، فقط عطسه زننده جلو بیاید. به جایشان برگشتند. افسر نگهبان دوباره عطسه زننده را خواست، این بار شش نفر جلو رفتند، افسر نگهبان ـ به رغم سنگدلی که داشت ـ دانست این کار برادران از مهر و محبت نشأت گرفته است، محبت است که آنان را وادار می‌کند تا این‌که هر کدام از آنان به‌جای برادرشان در معرض شکنجه و آزار قرار گیرند، وجود این روح بزرگمنشی را در وجود آنان تمجید کرد و از شکنجه‌ی آنان صرفنظر نمود.

وجود چنین محبت و برادری را می‌خواهیم که از نسلی به نسلی دیگر منتقل شود بی آن‌که چیزی از آن کاسته شود، بلکه می‌خواهیم روز به روز افزون شود و رشد و نمو بیابد. لازم و ضروری است اسبابی را به کار گیریم که محبت و دوستی را می‌افزاید و تعالی می‌بخشد آن هم به وسیله‌ی به کارگیری کارهایی که پیامبر خدا ﷺ ما را به آنها راهنمایی کرده است، مانند سلام دادن و انتشار آن، رفتن به دیدار یکدیگر، هدیه دادن، عیادت بیمار، یاری رساندن به فرد گرفتار و نیازمند و کارهای خوب دیگری که سبب ارتباط بیشتر می‌شوند، همچنین لازم است از گفتار و کردار و رفتاری که این محبت و دوستی را می‌کاهد دوری و اجتناب شود. به شدت از وجود اختلاف بین افراد هشدار می‌دهیم، که همانا اختلاف بین افراد، بغض و کینه نسبت به یکدیگر ایجاد می‌کند، و دین و ایمان را

از بین می‌برد. جدایی و دوری منجر به ایجاد اختلاف و کشمکش و اختلاف و کشمکش منجر به شکست و فروپاشی می‌شود.

به جهت محافظت بر اصیل بودن دعوت و حرکت اسلامی و وفای به بیعت و پذیرش امر خدا و امر پیامبر خدا ﷺ محافظت بر سطح بالایی از محبت و برادری لازم است. امام بنا بیان کردند که بالاترین درجه‌ی محافظت بر اصالت دعوت و حرکت، ایثار و از خودگذشتگی و پایین‌ترین درجه‌ی آن سالم ماندن سینه و دل از بغض و کینه نسبت به برادران دیگر است. پس کسی که دلش نسبت به برادران دیگر از بغض و کینه سالم نباشد، خودش را در معرض شکستن این بند از رکن بیعت قرار می‌دهد، پس باید از این کار ناپسند پرهیز کند و خودش را از آن دور بدارد.

● دعوت اخوان المسلمین از لحاظ کارکردن و فعالیت در میدان عمل در ایثار عملی، از حرکت‌های دیگر متمایز و مشخص است. برادر مسلمان در میدان عمل پیوسته و با آرامش و بدون سر و صدا و به‌دور از حریص بودن بر مظاهر فریبنده‌ی دنیا و تبلیغات، فعالیت خودش را انجام می‌دهد، بر وجود فضای همکاری و تفاهم و تولید همراه با برادرانش، در حالی که از جدال و اختلاف و بغض و کینه دوری می‌گزینند، حریص است. یکایک افراد اخوان در سایه‌ی معانی والای ربانی که خداوند متعال پیروان پیامبر ﷺ را به آن وصف کرده با عزت و بزرگواری زندگی می‌کنند. خداوند می فرماید:

﴿رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح: ۲۹)

*«نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند»*

﴿وَٱلْكَاظِمِينَ ٱلْغَيْظَ وَٱلْعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ﴾

(آل‌عمران: ۱۳۴)

*«و خشم خود را فرو می‌خورند، و از (تقصیر) مردم در می‌گذرند، و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.»*

﴿وَ لاَ تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لاَ السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (فصلت: ۳۴)

*«و نیکی و بدی یکسان نیست، با نیکوترین روش و بهترین شیوه پاسخ بده.»*

به جهت محافظت بر اصالت دعوت، واجب است که همیشه علم و تولید را که متناسب با شخصیت و وجود ما است ترجیح دهیم. بر مسؤولان و دست‌اندرکاران امر، لازم است که صف دعوت را از ورود به میدان جدال و مناقشه و سخنان بیهوده و پرگویی که خیر و تولیدی به همراه ندارند، دور نگهدارند. باید همگی ما بدانیم که برای فعالیت، فرصت و زمان محدودی در دست ما است که به زودی و در مدت کوتاهی در معرض پایان یافتن است، (پس باید سعی کنیم که امروزی بهتر از دیروز و فردایی بهتر از امروز داشته باشیم).

بی گمان ازکم خردی افراد خواهد بودکه اگر این فرصت محدود وکوتاه را در کارهای خوب و مفید به‌کار نگیرند و فرصت رابیهوده از دست بدهند. هر روزی که می‌گذرد دیگر باز نمی‌گردد، پس وقت همان زندگی است. هیچ کس نمی‌تواند بهانه بیاوردکه برای کار و فعالیت در میدان دعوت، وقت و فرصتی نداشته است، چون میدانهای کار و فعالیت برای دعوت بسیار زیاد و متنوع هستند همانگونه که امام بنا می‌فرماید: «واجبات و وظایف، بیشتر از وقت‌ها هستند.»

● ویژگی و امتیاز دعوت اخوان المسلمین این است که محدوده فعالیت آنان میدانی برای رقابت در بذل و بخشش و فداکاری و قربانی کردن هر چیزکم ارزش و ارزشمند است و میدانی برای به‌دست آوردن غنمیت و رسیدن به امکانات مادی نیست. پس به‌خاطر محافظت بر اصالت آن، بر یکایک برادران لازم و واجب است هر آنچه خداوند به آنها عطاکرده ـ از وقت، تلاش، مال، جان ـ آن را در طَبَق اخلاص قرار داده و در راه دعوت قربانی کنند و در بخشیدن هیچ کدام از آنها بخل نورزند:

﴿وَ مَنْ يَبْخَل فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ وَ اللَّهُ الغَنِيُّ وَ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَ إِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْماً غَيْرَكُمْ ثُمَّ لاَ يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾ (محمد: ۳۸)

*«هر کس بخل بورزد، در حق خود بخل می‌ورزد (و زیان آن متوجه خودش می‌شود) زیرا خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید. اگر شما از (فرمان خدا) روی برتابید. مردمان دیگری جایگزین شما می‌گرداند که*

*هرگز همانند شما نخواهد بود. (از ایثار و فداکاری...و از فرمان خدا روی‌گردان نخواهند شد)»*

بر هیچکدام از برادران جایز نیست که از اعتماد برادران دیگر سوء استفاده کرده و بهره مادی ببرند، فرد باید فضل جماعت را در حق خودش بداند و آن را انکار نکند، اگر بر فرض مثال چنین اشخاصی پیدا شوند که فضل جماعت را انکار کنند واجب است که از جانب مسؤولان مورد بازخواست قرار گیرند و بدون پارتی‌بازی و سازش و رودربایستی حد و مرز آن مشخص شود، چون مصلحت دعوت و پاکیزه نگهداشتن آن از دام پستی‌ها، بالاتر از مصلحت افراد است، هرگونه سهل انگاری در آن به حساب اصالت دعوت گذاشته می‌شود.

● دعوت اخوان المسلمین با هدف ربانی بودنش از سایر حرکت‌ها متمایز و مشخص شده است. پس خداوند هدف ما است، این هدف همان اساس و پایه‌ای است که تمامی اهداف ما به دور آن می‌چرخد، پروردگارمان را می‌شناسیم از فیض این ارتباط روحانی ارزشمند کمک می‌طلبیم تا نفس و جان ما را علو و بزرگواری بخشد و آن را از منجلاب پست مادی به مقام ارزشمند و پاکیزه‌ی انسانیت و زیبایی آن تعالی بخشد و دیگران را هم به سوی آن دعوت می‌کنیم.

و بر ربانی بودن این دعوت، و ارج نهادن به شخصیت جماعتی که با ایمان آوردن به خداوند متعال عزت پیدا کرده‌اند، محافظت می‌کنیم؛ جماعت عزتمندی که در مقابل نیروی باطل هرگز سر تسلیم فرود نمی‌آورد، هر چقدر هم که نیروی باطل گسترش و قدرت پیدا کند و به هیچ کسی و مقام و قدرتی اجازه نمی‌دهد که بر آن مسلط شود و آن را به زیر سلطه خود در آورد، یا این‌که آن را از هدف اصلی منحرف سازد یا آن را برای غیر هدفی که به‌خاطر آن برخاسته و حرکت کرده رام و مسخر نماید، هر چند هم این کار برای آن فرد فداکاری‌ها و دردها و شکنجه‌هایی را به دنبال داشته باشد.

● دعوت اخوان المسلمین با محقق ساختن اصل شورا، که اسلام پیروانش را به آن دعوت می‌کند، مشخص و متمایز است، دین اسلام قوانین و شرایطی

گذاشته که به کارگیری و پایبندی به آنها، خیر و نیکی را به دنبال دارد چه بسا در آخر صف جماعت در میان پایین‌ترین افراد آن، از یک برادری نظر و نصیحتی صادر شود که در آن خیر و برکت فراوانی نهفته باشد. با تشکیل و تنظیم شورا آراء و نظرات مشخص و معین و یکپارچه و با هم متحد می‌گردند و همه به تصمیمی که گرفته می‌شود و انجام کار به آن ختم می‌شود، پایبند می‌شوند. تصمیم‌گیری درباره‌ی هیچ کاری به عهده‌ی یک شخص گذاشته نمی‌شود که به تنهایی تصرف کند و هرچه می‌خواهد انجام دهد. همچنین کارها و آراء سرگردان رها نمی‌شوند که موجب پراکندگی افراد و ایجاد حزب‌ها و جمعیت‌ها شوند.

پس به‌خاطر محافظت بر اصالت دعوت؛ محافظت بر محقق ساختن و دستیابی به اصل شورا و تنظیم آن واجب است به گونه‌ای که نقش و هدف مورد نظر از آن به دست بیاید و انجام بپذیرد و شکلی و صوری نباشد. همانگونه که برخی از حکومتها این کار را می‌کنند.

● دعوت اخوان المسلمین به تکامل و میانه‌روی، متمایز و مشخص است.

هدف از تکامل، این است که اسلام را به طور کامل و با تمامی خواسته‌ها و شمولیتش پذیرفته است بی آنکه در جزئی از این پذیرش، دچار سستی و غفلت بشود، همانگونه که امام بنا در اولین اصل از اصول بیست گانه می فرماید: «اسلام نظامی همه گیر است که تمامی مظاهر و نماد زندگی را در بر می‌گیرد که آن دولت و وطن یا حکومت و امت، خلاقیت و توانمند ساختن یا رحمت و عدالت فرهنگ و قانون یا علم و قضاوت، ماده و ثروت یا کسب بی نیازی جهاد و دعوت یا لشکر و فکر است، همچنین آن عقیده‌ی راستین و عبادتی صحیح به طور یکسان است.»

برخی از جماعت‌های اسلامی را در میدان عمل ملاحظه می‌کنیم که به برخی از جوانب اسلام اهتمام می‌ورزند و توجه می‌کنند ولی به خاطر وجود دلایلی، جوانب دیگر را رها می‌کنند. ما نسبت به کسی بد گمانی نداریم اما می‌گوییم که این گونه جدایی انداختن و تجزیه نمودن جوانب اسلام، دور از صواب و واقعیت و مشوه ساختن سیمای اسلام است؛ چون اسلام مجموعه‌ای جداناپذیر است

بلکه برخی از بخش‌های آن برخی دیگر را کامل می‌کند. منظور از اعتدال این است که اخوان المسلمین در تمامی جوانب اسلام، تعامل و روشی معتدل و میانه‌رو، و به‌دور از هر گونه غلو و افراط گری دارند، همچنین از هر نوع تفریط و سهل‌انگاری به‌دور هستند. در واقع ما مردم را به گرفتن و به‌کارگیری عزائم دعوت می‌کنیم؛ چون دعوتها بر رخصت و افراد رخصت طلب استوار و پایدار نمی‌مانند، بلکه بر عزیمتها و صاحبان عزم راسخ و استوار پابرجا می‌شوند. اما این عزائم باید به‌دور از هر گونه غلو و سخت‌گیریهای شدید باشد، مانند عملکرد برخی از تشکل‌ها که توجهشان را بر برخی از بخش‌های اسلام متمرکز می‌کنند و تمامی فعالیتها و تلاششان را در راه آن به‌کار می‌گیرند، در حالی که اهداف مهم دیگر را رها می‌سازند. برای روشن شدن تفاوت بین راه و روش تکامل یافته و میانه‌رو اخوان المسلمین و راه و روش کسانی که یک سویِ فعالیت می‌کنند و سختگیری دارند، مثالی می‌آوریم: مثال این همچون مثال دو نفری است که یکی از آنها جسمش را به طور طبیعی و هماهنگ پرورش و رشد می‌دهد، و دیگری برخی از اعضای بدنش را تقویت می‌کند و پرورش می‌دهد، در حالی که اعضای دیگرش بسیار لاغر و ضعیف می‌مانند، کدام یک از این دو نفر قادر به حرکت و تلاش است و یارای رویارویی با خواسته‌ها و مشکلات زندگی را دارد؟!

پس اگر می‌خواهیم بر اصالت دعوت اسلامی محافظت داشته باشیم لازم و ضروری است که بر این تکامل پسندیده و نیکو و آن میانه‌روی یکسان محافظت کنیم.

● دعوت اخوان المسلمین با جهانی بودن مشخص و متمایز است، دین اسلام جهانی است و برای هدایت تمامی انسانها آمده است، هدف جماعت اخوان، برپایی حکومت اسلامی جهانی است. وطن اسلامی یک وطن و امت اسلامی یک امت است. اسلام حد و مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و همه‌ی این حد و مرزها در نظر اسلام یکی، و تمامی مسلمانان ساکن در آن مناطق منسوب به دین اسلام هستند. بی‌گمان دشمنان اسلام تلاش کرده‌اند که سرزمین اسلامی را

تقسیم و از یکدیگر جدا سازند و در بین کشورهای اسلامی و امت اسلامی موانع ایجاد کنند بلکه بالاتر از این، تلاش کرده‌اند تا بین مسلمانان و سرزمین اسلامی جنگ و ستیز برپا کنند. جماعت اخوان المسلمین در برابر قضایا و مسایل کشورهای اسلامی یا کشورهایی که اقلیت اسلامی دارند در تمامی نقاط دنیا ایستاده‌اند و برای انتشار دعوت اسلامی و گسترش ندای توحیدی در سرتاسر گیتی تلاش و برای وحدت کلمه مسلمانان فعالیت می‌کنند و برای داشتن ارتباط خوب و نیک با فعالان و عاملین اسلام به صورت انفرادی، یا با جماعت حریص هستند تا جایی که بدیهای بعضی از آنان را تحمل می‌کنند و می‌پذیرند و با حکمت و درایت، پاسخ آنها را می‌دهند و در برابر بدی آنها نیکی می‌کنند این هم به‌خاطر امتثال امر خداوند است که می‌فرماید:

﴿وَلَا تَسْتَوِي ٱلْحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُ ٱدْفَعْ بِٱلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا ٱلَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ (فصلت: ۳۴)

*«نیکی و بدی یکسان نیست. (بدی دیگران را) با نیکوترین روش پاسخ بده، ناگاه کسی که میان تو و میان او دشمنانگی بوده است، همچون دوست صمیمی می‌گردد.»*

امیدواریم و از خداوند متعال می‌خواهیم که این اختلافات را از بین ببرد و مسلمانان را با همدیگر متحد و یکپارچه بگرداند و مسلمانان وحدت کلمه پیدا کنند و به شکل متحد در برابر دشمنان ایستادگی کنند.

ما باید به جهانی بودن دعوت اسلامی محافظت داشته باشیم و از تمامی دعوتهای اقلیمی، منطقه‌ای و محلی دوری گزینیم.

آن‌چه در این بخش گفته شد برخی از معانی‌ای بود که مجال فراهم شد در زمینه محافظت بر اصالت دعوت اسلامی مطالبی بیان کنیم. از خداوند می‌خواهیم که برای سرمشق قرار دادن آنها و عمل کردن به آنها و محافظت بر آنها، به ما توفیق عطا بفرماید!

## برنامه‌ریزی و پذیرش تغییرات و عدم جمود

امروزه فعالیت حرکت اسلامی محقق ساختن بهترین و بزرگترین پیروزی را دردنیای ما بر عهده گرفته است و آن هم مسلط و قدرتمند ساختن و حاکم گرداندن دین خدا در زمین، از طریق برپایی حکومت و خلافت اسلامی و در رأس آن حکومت اسلامی جهانی است که مسلمانان را متحد سازد و آنها را به وحدت کلمه برساند و در روی زمین شرع و قانون خدا را حاکم گرداند و هر وجب از زمین هایی که از سرزمین اسلامی توسط دشمنان غصب شده را به چنگ مسلمانان بازگرداند، افزون بر آن سرزمین تازه‌ای برای مسلمانان فتح کند و به دست آنان بسپارد و آن هم به وسیله‌ی رساندن احکام این دین به تمامی مردم در جای جای این گیتی تا این‌که فتنه‌ای باقی نماند و تمامی دین از آنِ خدا باشد.

حقیقت امر این است که رسیدن و حرکت کردن در مسیر به‌دست آوردن این هدف بزرگ، به وسیله‌ی برنامه‌ریزی دقیق و ترسیم نقشه‌ی کار آمد، امکان‌پذیر است. این برنامه‌ها نباید ارتجالی یا احساساتی باشند؛ پس هدف بزرگ را به اهداف منظم و مرحله‌ای تقسیم می‌کند و برای هر کدام نقشه‌ای می‌کشد و وسایل و امکانات لازم را فراهم می‌کند و به دنبال اجرای آن برنامه‌ها و نقشه‌ها می‌باشد.

خالی از لطف نیست که مطالبی را درباره برنامه‌ریزی و فواید ارزشمند آن بیان کنیم، تا برای اهمیت دادن و به‌کارگیری آن در کارها و فعالیتمان حریص‌تر باشیم.

برنامه‌ریزی و مشخص نمودن چشم‌انداز آینده، کار جدیدی نیست بلکه آن کاری قدیمی است اگرچه در عصر جدید اهتمام وعنایت ویژه‌ای به آن داده شده و جزیی از دانش‌های اساسی و پایه‌ای در آمده که دانشجویانی در آن مشغول تحصیل هستند و به حد تخصص دست می‌یابند و برای آن اصول و قواعدی وضع شده و دولتها و شرکتها و تشکل‌ها به آن توجه ویژه‌ای دارند تا جایی که سازمانی (سازمان برنامه و بودجه) در میان سازمانی دارد و کمیته و انجمن برنامه‌ریزی تابع شرکتها و مؤسسات و جماعت، وجود دارد.

بی‌شک از بارزترین کارهای اساسی که در برنامه‌ریزی وجود دارد: مشخص

نمودن اهداف یا کارهایی که دستیابی به آن مطلوب است، تقسیم آن به اهداف مرحله‌ای با رعایت ترتیب اولویت‌ها، مطالعه و بررسی موقعیت و ظروفی که پابرجا و حاکم است، شناختن امکانات لازم و آنچه لازم است از امکانات موجود باشد، برنامه‌ریزی برای محقق ساختن و دستیابی به تمامی اهداف و مشخص نمودن دستگاه یا افرادی که برای اجرای این برنامه‌ها اقدام می‌کنند. همچنین مشخص نمودن مدت زمان مناسب برای اتمام اجرای آن و پیش‌بینی احتمالات منتظره‌ای که بر اجرای برنامه تأثیر می‌گذارد و چگونگی رویارویی با آن و مشخص نمودن جایگزین مناسب برای آن سپس مشخص نمودن محدوده‌ی پیروزی و برگزیدن افراد با کفایت و کاردان و دارای تخصص‌های لازم برای اطمینان حاصل کردن از رفتن طبق برنامه در مسیر اصلی و صحیح بدون این‌که مانع یا انحرافی پیش بیاید.

با عرضه‌ی سریع نقشه‌های ارزشمند و برنامه‌های مفید برای کارهای مهم، خواهیم دید که به دنبال آن فواید زیادی محقق می‌شوند، پس مشخص نمودن اهداف مورد نظر و تقسیم آنها به اهداف جزئی و کوچکتر؛ تا حد زیادی عدم غفلت از کارها یا مسایلی که محقق و حاصل شدنشان مطلوب و مورد نظر است را تضمین می‌کند.

بی‌گمان تقسیم بندی اهداف و رعایت ترتیب اولویتها، در کارهای مهم، اجرا و انجام آنها را آسان می‌گردانند. و سبب می‌شود اشتغال به کارهای مهم، فرد را از انجام کارهای مهمتر غافل نکند، همانگونه که ترتیب و سلسله‌وار انجام دادن کارها سبب می‌شود هر مرحله‌ای انجام و تحقیق مرحله بعد از خودش را یاری رساند و آسان بگرداند در نتیجه سبب می‌شود وقت و فعالیت زیادی باقی بماند. اما اگر کارها بدون برنامه‌ریزی و مشخص نمودن چارچوب اولویتها انجام بگیرند نتیجه بر عکس خواهد بود. همچنین اگر در هنگام برنامه‌ریزی بررسی ظروفی که حاکم است و امکاناتی که وجود دارد، مد نظر قرار گیرند تا حد زیادی حرکت را برای موفقیت در مسیر، یاری خواهد داد به گونه‌ای که چنین برنامه‌ریزی یک

نوع برنامه‌ریزی واقعی و عملی و دست یافتنی است و نظریه خیالبافی و به‌دور از واقعیت نیست که انجام و اجرای آن دشوار باشد. در هنگام برنامه‌ریزی، تغییرات احتمالی که ممکن است بر ظروف حاکم و تأثیر آنها بر برنامه‌ریزی، عارض شوند پیش بینی می‌شوند و اصلاحات و یا جایگزینی مناسب برای آنها در نظر گرفته می‌شود که تا حد امکان اختلال یا توقفی در زمان اجرا پیش نیاید. همانگونه که فراهم کردن، ضبط و کنترل و مشخص نمودن امکانات و توانمندیها و تخصصهای کافی، سود بیشتری را برای به‌کارگیری و استفاده مناسب از آنها در پی خواهد داشت، به جای این‌که آن امکانات عاطل و باطل و بدون استفاده رها شوند. همچنین برنامه‌ریزی مناسب برای شناختن زمینه‌هایی که از لحاظ امکانات و توانمندیها نقص دارند بسیار مفید است، چون به دنبال آن برای جبران و ترمیم آن کاستی‌ها اقدام می‌شود تا این‌که در تمامی زمینه‌ها خودکفایی لازم به دست آید به‌ویژه این‌که زمینه‌های فعالیت گوناگون و زیاد و میدان عمل گسترده می‌شود.

برنامه‌ریزی برای اهداف جزئی یا مرحله‌ای در چارچوب برنامه‌ریزی کلی و عمومی- برای تضمین حرکت متکامل در اجرای برنامه‌ها- امری ضروری است. چون عدم محقق شدن هدف جزئی یا مرحله‌ای ممکن است بر برنامه عمومی و کلی تأثیر بگذارد و مانع اجرای آن بشود یا این‌که آن را ناقص کند.

مشخص نمودن افراد یا دستگاههایی که اجرای برنامه به آنها بستگی دارد و تقسیم کارها و مسؤولیت‌ها بر حسب تخصص‌های افراد، برای موفقیت و پیروزی برنامه، امری اساسی و بنیادین است؛ چون بدون مشخص کردن و جدا ساختن افراد متخصص، در تخصص‌ها تداخل صورت می‌گیرد یا برخی از کارها، بدون مشخص کردن مسؤولی برای انجام آن، بیهوده و بدون بازدهی مطلوب رها می‌شوند، در نتیجه اختلالاتی روی می‌دهد و چرخه‌ی حرکت می‌لغزد و کار دشوار می‌گردد؛ زیرا در این صورت به‌خاطر نامعلوم بودن مسؤول خطا کار، بازخواست، دچار مشکل می‌شود. در حالی که شناخت و آگاهی هر فردی از نقش و جایگاه خودش در اجرای برنامه و بخش‌هایی که مربوط به او هستند او را

موظف می‌کند که تلاش و اندیشه‌اش را برای انجام بهتر نقش خودش متمرکز کند در این صورت پی‌گیری و بازخواست آسان می‌شود. همچنین هماهنگی کار بین تمامی افراد، بدون این‌که دچار مشکل و زد و خورد شود آسان می‌گردد.

تقسیم و برنامه‌ریزی برای انجام کارهای عمومی به مراحل مختلف و مشخص کردن وقت مناسب برای تکمیل هر یک از آن مراحل، امری ضروری است، چون وجود چنین برنامه‌ای مجریان را بر اجرای کار خواسته شده از آنان در وقت معین و مشخص وادار و مجبور می‌کند، بر عکس اگر وقت اجرای برنامه مشخص و محدود نباشد، چه بسا اجرای برنامه‌ی اساسی منجر به سستی می‌شود و زمان آن به درازا می‌کشد و وقت با مشغول شدن در جزئیات و فرعیات می‌گذرد به حساب این که کلیات در لابلای برنامه وجود دارند و در نهایت تکمیل می‌شوند.

همچنین اندیشیدن پیشگیرانه در احتمال وقوع تغییراتی که گاهی در ظروف مختلف روی می‌دهند، و برنامه ریزی در پرتو آن و مشخص کردن جانشین و جایگزین مناسب برای آن احتمالات، به کمک خداوند، مانع حدوث اضطراب و درماندگی یا مانع تأخیر و درنگ در پیشرفت می‌شود.

پیگیری اجرای کار، برای اطمینان در سلامتی اجرا و حرکت در راه صحیح، امری انکارناپذیر است و نمی‌توان از آن بی‌نیاز شد، همچنین برای شناسایی هر مشکلی که روی می‌دهد و تلاش برای چاره‌جویی و از بین بردن آن در وقت مناسب خودش و اطمینان داشتن از اقدام هر فردی برای انجام صحیح کاری که به او واگذار شده، پی‌گیری لازم است. گاهی پیشرفت دعوت تغییراتی را می‌طلبد که لازم است این تغییرات به نفع دعوت و بدون چاپلوسی و سازش انجام گیرند.

همچنین پی‌گیری اجرای مناسب برنامه در شناختن جانب مثبت و منفی آن دارای اهمیت است؛ چون از مثبتها استفاده‌ی لازم برده می‌شود و منفی‌ها ترمیم و جبران می‌شوند و به دنبال این، آگاهی لازم و خبرگی عملی و تجربه‌ای که از پشتوانه حرکت هستند به دست می‌آیند و نسلهای بعدی آنها را برای استفاده‌ی بهینه و افزودن چیزهایی لازم بر آنها به ارث می‌برند.

## ملاحظات عمومی درباره برنامه‌ریزی:

زمینه‌های فعالیت و کار در میدان دعوت فراوان و متنوع هستند، دائره و پیرامون آن روز به روز در حال گسترش و حجم آن در رشد و نمو هماهنگ با زمان است. پس در هنگام برنامه‌ریزی، مراعات آن وضعیت، لازم و ضروری است به گونه‌ای که برنامه برای در بر گرفتن همه جانبه‌ی این رشد و نمو و آن گستردگی و توسعه قادر و توانمند باشد.

به خاطر این‌که اهداف ما بزرگ هست و رسیدن به آن به زمان طولانی نیاز دارد، لازم است که برنامه‌ریزی بلندمدت باشد و بر زمان محدود و کوتاهی اختصاص نداشته باشد، چنین برنامه‌ریزی‌ای به آمادگی پیشگرانه برای پاسخگویی به خواسته‌های مراحل بعدی - قبل از رسیدن زمان آنها- کمک شایانی می‌کند.

بسیار مفید خواهد بود که افراد در هر جایگاهی که هستند در فعالیتها و انجام کارهایی که از آنان خواسته می‌شود، برای برنامه‌ریزی تمرین و با برنامه حرکت کنند. چه نیکو است که اگر هر خانواده‌ای برای انجام فعالیت در میدان دعوت برنامه‌ای برای خودش وضع کند؛ زیرا در اجرای آن کار اعتمادش به خودش کامل می‌شود. این گونه برنامه‌ریزی از خانواده می‌طلبد که افراد خانواده برای اجرای آن برنامه حریص شوند، افزون بر آن، برای برنامه‌ریزی تمرین و تجربه کسب می‌کنند.

بعضی از افراد می‌پندارند، وقت و زمانی که برای برنامه ریزی به کار گرفته می‌شود آن وقت بیهوده از بین رفته و ضایع شده است یا این‌که می‌پندارند استفاده کردن از آن وقتی که در برنامه‌ریزی به کار می‌رود به طور مستقیم در اجرای فعالیت در میدان دعوت- بدون این‌که برنامه‌ریزی شود- بهتر است. چنین پندار و ایده‌ای اشتباه بزرگی است بلکه بر عکس پندار آنان، برنامه‌ریزی مناسب وقت زیاد و تلاش بزرگی را فراهم می‌کند، چون با برنامه‌ریزی، چارچوب فعالیت مشخص می‌شود و کارها به آسانی پیش می‌روند. ملاحظه‌ی مهم دیگر وجود دارد که آن تفاوت بزرگ بین برنامه‌ریزی برای میدان دعوت و برنامه‌ریزی در موسسه‌ها و دولت‌ها در زمینه زندگی مادی است، گاهی

برنامه‌ریزی در زمینه‌های مادی آسانتر است و قرار دادن آن در چارچوب عددها و زمان و اندازه‌گیری‌ها و احتمالات ممکن می‌شود، اما برنامه‌ریزی برای فعالیت در میدان دعوت به‌طور کامل متفاوت است چون برنامه‌ریزی در آن با دلها و جانها، سر و کار دارد. همانا ساختن مردان، دشوارتر از ساختن موسسه‌ها است. فعالیت در میدان دعوت تابع سنت‌های هستی است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُ مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱)

*«خداوند حال و وضع هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد (و ایشان را از بدبختی به خوشبختی، از نادانی به دانائی، از ذلت به عزت، از نوکری به سروری و...و بالعکس نمی‌کشاند) مگر اینکه آنان احوال خود را تغییر دهند.»*

تمامی دلها در دست خداوند هستند گاهی باز کردن قفل برخی از دلها آسان می‌شود و باز کردن برخی دیگر سخت، و توفیق در دست خداوند متعال است. گاهی خداوند به وسیله‌ی یک نفر خیر زیادی را به اجرا در می‌آورد در حالی که چنین توفیق و کار بزرگ به وسیله‌ی افراد فراوانی محقق و حاصل نمی‌شود. لازم است که در هنگام برنامه‌ریزی در زمینه‌های دعوت این گونه نکات هم مد نظر قرار بگیرند.

بی گمان تمامی امور و کارها در دست خداوند متعال هستند و با خواست او انجام می‌گیرند، هیچ فرد مؤمنی نمی‌پندارد و معتقد نیست که برنامه‌ریزی برای انجام کارها مخالفتی با وجود اختیار آنها در دست خدا داشته باشد. خداوند متعال به ما دستور داده که با فراهم کردن و به‌کارگیری اسباب، کار و تلاش کنیم اما به دست آوردن نتیجه به خدا واگذار می‌شود، برنامه‌ریزی هم جزو فراهم کردن اسباب به شمار می‌آید. بنابراین هرگاه خداوند متعال نتیجه‌ی به دست آمده از برنامه‌ریزی را موفق کرد، باید هیچکس معتقد نباشد که رمز پیروزی و موفقیت به دقت در برنامه‌ریزی و انتخاب خوب توانمندیها برای اجرای آن برنامه بر می‌گردد و از توفیق و یاری رسانی خدا غافل شود؛ بلکه بر او لازم است موفق بودن برنامه را به فضل خدا و توفیق او نسبت دهد. همچنین هرگاه به دنبال برنامه‌ریزی، خیری که مطلوب است به دست نیاید نباید غمگین و ناامید شویم

چون معتقدیم نتایج در دست خداوند متعال هستند، مهم این است که اسباب را به درستی فراهم کنیم و بدون کوتاهی و بی‌توجهی آنها را به‌کار گیریم. مفهوم توکل این است که اسباب را فراهم کنیم و در میدان فعالیت، آنها را به‌کار گیریم اما بر آنها اعتماد و تکیه نکنیم بلکه نتیجه و فرجام کار را به خداوند متعال بسپاریم.

## تغییر و تجدید:

تغییر و تجدید امری مطلوب است که دین اسلام برای پیشرفت در روشهای کار و وسایل زندگی بر به‌کارگیری آن تشویق می‌کند همچنین بر استفاده‌کردن از آنچه که در این هستی وجود دارد تشویق می‌کند تا ما به خواسته مطلوبمان دست یابیم؛ زیرا خداوند آنها را برای ما آفریده و در اختیار ما قرار داده است:

﴿وَ سخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ﴾ (جاثیه:۱۳)

*«و آنچه که در آسمانها و آنچه که در زمین است همه را از ناحیه‌ی خود، مسخّر شما ساخته است.»*

اما پذیرش تغییرات و تجددخواهی و استفاده از تمامی امکانات جدید و نوآوریها، لازم است که دارای حد و مرزی باشند که هماهنگ با تعالیم و آداب و برنامه‌های اسلام باشد تا این‌که خیر و نیکی را برای مردم فراهم کنند. معلوم و مشخص است که هرگونه نافرمانی و خروج از تعالیم و آداب اسلامی شقاوت و بدبختی را در زندگی به دنبال دارد:

﴿فَإمَّا يَأتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدىً فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَاىَ فَلاَ يَضِلُّ وَ لاَ يَشْقَى وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً و نَحْشُرُهُ يَوْمَ القِيَامَةِ أَعْمَى﴾

(طه: ۱۲۳-۱۲۴)

*«هرگاه هدایت و رهنمود من برای شما آمد. هر کس از هدایت و رهنمودم پیروی کند، گمراه و بدبخت نخواهد شد. و هر کس از یاد من روی برگرداند (و از احکام کتابهای آسمانی دوری گزینند) زندگی تنگی خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محشور می‌کنیم.»*

دین اسلام دین رهبانیت و ترک دنیا نیست بلکه راه و روش کامل زندگی است که سعادت و خوشبختی را در دنیا و آخرت برای پیروانش فراهم می‌کند.

جایز نیست که وضعیت عقب ماندگی، فقر، بدبختی و سایر مشکلات امروزی مسلمانان به دین اسلام نسبت داده شود، چون که همه این بدبختیها به‌خاطر فاصله گرفتن مسلمانان از تعالیم اسلام است. آن زمانی که مسلمانان به دستورات اسلام چنگ زده و پایبند احکام و تعالیم آن بودند، بزرگترین تمدن را بنا نهادند و برپا کردند در حالی‌که جهل و عقب‌ماندگی اروپا را در برگرفته بود. بسیار روشن و آشکار است این دانشمندان مسلمان بودند که بیشتر دانش‌ها را پایه‌ریزی کردند از جمله: پزشکی، هندسه و جبر، ریاضی، نجوم، شیمی و... از زمانی که در اثر دوری مسلمانان از تعالیم اسلام، حکومت اسلامی رو به ضعف نهاد، اروپائیان دانش مسلمانان را گرفتند و به وسیله‌ی آن تمدن خودشان را بنا نهادند، اما تمدنی که آمیخته با ایده مادی بود که در نتیجه شر و بدبختی آن بیشتر از خیرش شد. رقابت در میدان دستیابی به سلاح‌های مختلف و به‌کارگیری اموال زیاد در این زمینه موجب برپایی جنگهای جهانی شد که میلیونها انسان در آنها مردند و خونشان به هدر رفت، به‌کارگیری دانش برای تولید وسایل فسادآور و نابودی اخلاق و پایمال کردن ارزش انسانیت همه‌ی اینها نتیجه‌ی تلخ و شوم آن ایده و فلسفه مادی بود.

اما دین اسلام تمامی چیزهای جدید و نو را به نفع مردم و خیر آنها و حمایت از آنها در برابر شرها و ضررها به‌کار می‌گیرد؛ چون که دین اسلام از جانب خداوند داناو آگاه و مهربان آمده و خداوند آن را آخرینِ دینها و پیامبر آن را آخرینِ پیامبران و برای تمامی مردم تا برپایی رستاخیز فرستاده است. علم و آگاهی خداوند بر تمامی آنچه که در طول زندگی تمامی مردم تجدید و نو می‌شود پیشی گرفته و به آنها آگاه است، یعنی این دین مناسب با تمامی مردم و تمامی زمانها است تا زمانی که خداوند زمین را به ارث ببرد و قیامت برپا شود.

بی شک عقیده اسلام و ارزشها و مبادی و اخلاق آن و تمامی آنچه که پایه‌های

جامعه‌ی فاضله بر آن استوار است، ثابت هستند و به هیچ عنوان براثر تغییر جنس مردم و تغییر زمان تغییر نمی‌یابند و هیچگونه تغییر و تجدیدی را نمی‌پذیرند.

اما مانعی برای تغییر و تجدید و نیکو شدن و رشد و ترقی وسایل و امور ثانوی یا فرعی در چارچوب حلال و مباح وجود ندارد. گاهی شعارهایی را که برای ضرورت تغییر و تجدید و وجود نوگرایی در اسلام به‌خاطر هماهنگی با خواسته‌های زمان بلند می‌شوند، می‌شنویم، همانگونه که لفظ نوگرایی و آسان‌گیری اسلامی و الفاظ دیگری را می‌شنویم و در مقابل آن، الفاظ قهقرائی و کهنه‌پرستی، عقب‌ماندگی، جمود، سختگیری، یک جانبه‌گرایی و ترور و الفاظ و صفات دیگری را می‌شنویم.

اینجا ما در صدد آن نیستیم که مدلولات این الفاظ را از بین ببریم و درست و نادرست را مشخص کنیم، در اصل بیشترین این الفاظ و صفتها را دشمنان اسلام و بعضی از کسانی که شیفته‌ی تمدن مادی معاصر شده‌اند، برانگیخته‌اند و بر زبان جاری کرده‌اند، هدف و قصدشان از این کار، مشوه ساختن چهره‌ی اسلام و ایجاد نفرت نسبت به اسلام است و نیز تلاشی است برای مطیع ساختن مبادی و عقاید اسلام تا با عصر و نوآوریهای آن همگام شود و تغییر یابد.

در مورد این موضوع می‌گوییم که اسلام همانگونه که افراط و تندروی و ترور را رد و محکوم می‌کند، جمود و یکجانبه‌گری را هم رد می‌کند، اسلام به عقل احترام می‌گذارد، همانطوری که به آزادی احترام می‌گذارد. در معجزه‌ی ابدی و همیشگی اسلام یعنی قرآن، می‌بینم که در آیات بسیاری عقل‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد و به خردمندان و صاحبان علم و دانش و کسانی که می‌اندیشند و صاحب تفکر هستند احترام می‌گذارد و از آنها تقدیر می‌کند اما تقدیر و تشکر از عقل به این معنی نیست که به عقل اجازه بدهد که مزاحم سنت و قانون صحیح خدایی یا بر ضد آن باشد.

عقل انسان به عجز و ناتوانی متصف است، پس لازم است که نور وحی وجود داشته باشد تا این‌که راه را برای عقل روشن سازد و برای آن سود را از زیان

مشخص کند، پس عقل همانند چشم سالمی است که در تاریکی قرار دارد، وحی مانند نوری است که برای چشم سالم لازم است، پس نوری باید باشد تا چشم در روشنایی آن ببیند. برای گمراه بودن عقل‌هایی که از طریق وحی هدایت نیافته‌اند این دلیل کافی است که بعضی از پارلمانهای برخی از کشورهای اروپایی لایحه‌ی اجازه جنس‌بازی (لواط) را تصویب کرده‌اند.

برخی از دشمنان اسلام ادعا می‌کنند که پایبندی به تعالیم و آموزه‌های اسلام نوعی جمود و تسلیم شدن در برابر بند و قیدها است در حالی که این ادعای باطلی است. می‌گوییم آزادی‌ای که واجب است برای به‌دست آوردن آن تمامی انسانها تلاش کنند همان آزادی‌ای است که خیر و نیکی و سعادتمندی را برای همه‌ی انسانها به همراه داشته باشد و انسان را از مشکلات و بدبختیها دور کند، اما آزادی‌ای که خیر و نیکی را برای گروهی فراهم می‌کند و گروهی دیگر محروم می‌مانند، نوعی ظلم اجتماعی به شمار می‌آید. آزادی سالم و همه جانبه‌ای که خیر و نیکی را برای تمامی انسانها به دنبال دارد تنها در تعالیم پروردگار جهانیان، پروردگاری که بر آشکار و نهان تمامی مخلوقاتش آگاهی دارد و نسبت به آنها مهربان و مهرورز است، امکان‌پذیر می‌باشد و وجود دارد.

جان مطلب این‌که آزادی واقعی در عبودیت خداوند و اجرای اوامر و نواهی او به‌دست می‌آید و نمایان می‌شود، بر تمامی کسانی که در هر زمینه‌ای از زمینه‌های میدان دعوت اسلامی فعالیت می‌کنند واجب و لازم است که در زمینه‌ی کاریشان همه‌ی تازه‌ها و نوآوریها را بشناسند و در ضمن برنامه‌های کاریشان تا جایی که با قانون اسلام مخالف نباشد از آنها بهره بگیرند، بلکه به اندازه‌ی وسع و توانشان برای تغییر و نیکو کردن آن تازه‌ها و نوآوریها تلاش و فعالیت کنند به‌خاطر اجرای فرمان خداوند که می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُم مَا ٱسۡتَطَعۡتُم مِن قُوَّةٍ﴾ (انفال: ۶۰)

*«و آن چه که از نیرو در توان دارید برای (مبارزه با) آنان آماده سازید.»*

هیچ شکی نیست که وسایل و دستگاههای جدیدی در میدان تبلیغاتی به

وجود آمده‌اند که به طور گسترده و سریع، مطالب را در میان مردم پخش می‌کنند و تأثیر به سزایی در زمینه نشر اخبار دارند. لازم است که در نشر دعوت و در میدان تبلیغات برای حرکت اسلامی از آنها بهره گرفته شود همچنین بهره‌بردن از هر چیز تازه‌ای که در زمینه چاپ و نشر و در برنامه‌ریزی دقیق و مناسب مفید است، واجب است.

میدان بهره گیری از کامپیوتر بسیار گسترده و قابل گستردگی زیاد است به عنوان مثال جمع‌بندی و ترتیب آیات قرآن بر اساس مطالب مشخص و همچنین تقسیم‌بندی احادیث پیامبر ﷺ و علوم فقه و مطالب تاریخ اسلام و سایر علوم دینی که کار را برای دستیابی به مطالب مورد نظر برای محقق و پژوهشگر آسان می‌کند و از هدر رفتن وقت جلوگیری می‌کند و آنچه را که اسلام در برگرفته برای عموم مردم آشکار می‌سازد از جمله گنج‌ها و معارف اسلامی و حل مشکلات انسانی به وسیله دین اسلام.

همچنین بهره‌گیری از هر چیز تازه‌ای در میدان جهاد و آماده‌سازی آنها برای جهاد لازم و ضروری است. و نیز بهره‌گیری از تمامی ابزار و مکانیزم‌های جدیدی که در زمینه‌های مختلف زندگی مفید هستند: در زمینه اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، تجارت و... لازم و ضروری است. همچنین بهره‌گیری از ابزار جدید در زمینه بهداشتی، تفاوتی ندارد که در رشته‌ی تخصص پزشکی و وسایل درمان باشد یا در صنعت دارو سازی یا دستگاههای پزشکی ذیگر باشد، لازم است. همچنین در زمینه آموزش و پرورش و ابزار و وسایل جدید آن و یا در زمینه‌های دیگر زندگی، به شرط این‌که ابزارهای جدید و استفاده از آنها در چارچوب اسلام و آداب اسلامی باشد و هیچگونه گناه و مخالفتی با اسلام در آنها نباشد.

به طور کلی می‌گوییم که: مبادی و پایه‌های اعتقادی اسلام ثابت و غیر قابل تغییر هستند اما وسایل برای تحقق و به‌دست آمدن این مبادی و اعتقادات قابل تجدید و نو شدن هستند.

### (٦) متحد ساختن مسلمانان و ایجاد وحدت کلمه بین آنان

دستیابی به اتحاد بین مسلمانان و ایجاد وحدت کلمه بین آنـان از مـهمترین مسایلی است که بر مسؤولان و دست‌اندرکاران و فعالان حرکت اسلامی واجب است که برای دستیابی و محقق شدن این امر مهم تلاش کنند. برای رسیدن بـه هدف بزرگ و آرمان ایده‌آل نیاز شدیدی به وحدت کلمه مسلمانان است و بدون آن، دستیابی به هدف بزرگ اسلامی غیر ممکن است و آن هدف بزرگ عبارت است از برپایی حکومت جهانی اسلامی. این ساختمان بزرگ و ضخیم نیازمند پایه و پی‌ریزی محکم و هماهنگی است که بنای اسلامی بر آن ساخته شود و بالا برود و استقرار یابد.

بی‌شک وحدت و یکپارچگی و اتحاد، رمز توانمندی و نیرومندی و پیروزی است، تفرقه رمز ضعف و راهی به سوی فـروپاشی و شکست است. دشـمنان اسلام بر پاشیدن بذر اختلاف و تفرقه در میان مسلمانان حریص هستند به‌ویژه برای ایجاد تفرقه در میان حاکمان و مسؤولان اسلامی و مانع شدن در بین وحدت آنها حریص هستند، واقعیت کنونی زندگی و وضعیت اسـفبار مسـلمانان، دلیـل آشکاری بر گفتار ماست. دشمنان اسلام تلاش می‌کنند از راه ایجاد اختلافات و دروغ پراکنیها از طریق روزنامه‌ها و رادیوها و ایجاد برخوردها، تنش‌ها و جنگها، وحدت مسلمانان را خدشه‌دار کنند در واقع مردم قربانی‌های اصلی این تنش‌ها و جنگها هستند که در این میان کشته می‌شوند و مالهای زیاد و هنگفتی هـزینه و پایمال می‌شود. شرق و غرب سرزمین پهناور اسلامی ما را تقسیم کـردند و بـه شکل کشورهای کوچک در آوردند، هر کدام از آنها با هدف برانگیختن فـتنه و جنگها در بین مسلمانان تلاش و یکدیگر را یاری می‌دهند و از راه فروش مهمات و اسلحه‌های گوناگون در بین مسلمانان و آزمایش انواع سلاح‌هایشان در مـیان

مسلمانان با این بهانه که ملت مسلمان در رفع مشکلات خود و حل اختلافاتشان ناتوان هستند! با این نیت شوم مسلمانان را از وحدت کلمه و متحد شدن متفرق کرده‌اند. کار زشت و غیر انسانی‌ای که دشمنان انجام دادند غرس غده سرطانی صهیونیستی در کالبد امت اسلامی بود. سپس کشور مصر را با قرارداد «کمپ دیوید» از جمع کشورهای اسلامی جدا کردند و کنار گذاشتند تا این‌که کشورهای عربی بدون همکاری دولت مصر قدرت نظامی خود را برای رویارویی با صهیونیسم از دست دادند. همچنین جنگی که بین عراق و ایران به وجود آمد و بین مغرب و الجزایر و آنچه که در لبنان و سایر سرزمین‌های اسلامی روی می‌دهد و نمی‌دانیم در آینده چه چیزی روی خواهد داد، همه‌ی اینها نقشه‌های پلید دشمنان اسلام است تا بتوانند با این کارها به خواسته‌های شوم خود دست یابند. از خداوند متعال تندرستی و سلامتی وعاقبت به خیری را می‌طلبیم.

تمامی مسلمانان از این اختلافات و جنگها ناخشنود هستند. عاطفه و محبت دینی و مهرورزی بین مسلمانان- به رغم همه این اختلافات و جنگها- همچنان به وفور وجود دارد. دلیل آشکار و روشن بر این ادعا این است که مردم مصر در مناسبت‌های بسیاری اعلام کرده‌اند که برای صلح با رژیم صهیونیستی مخالف هستند و آن را رد می‌کنند. ملت‌های عربی اسلامی هم در این کار با مردم مصر هم‌صدا و هماهنگ هستند، به‌ویژه رغبت و تمایلی را که مردم مصر برای رهایی از پیروی و سلطه آمریکا- به رغم حالت بد اقتصادیشان - از خود نشان داده‌اند. مشخص و معلوم است تلاش‌هایی که از طریق برگزاری کنفرانسها و نشست رؤسای حکومتها، برای دستیابی به وحدت بین مسلمانان انجام گرفته همه‌ی آنها بی‌نتیجه بوده و منجر به شکست شده است. برای محقق شدن وحدت بین مسلمانان باید تلاش‌ها و فعالیت‌ها بر پایه و اساس اسلامی متمرکز بشوند و از آنجا شروع شوند، آن هم از طریق محقق ساختن وحدت بین تمامی افراد ملت‌های سرزمین اسلامی شروع می‌شود، سپس بین ملل اسلامی سپس ملل، حکومت‌هایشان را به ضرورت وحدت و کنار گذاشتن اختلافات در میان مسلمانان مجبور خواهند کرد.

## وحدت در میان یک سرزمین:

از برنامه و نقشه‌های شوم دشمنان اسلام برای متفرق نمودن مسلمانان، وارد کردن مبادی ساختگی و ساختن احزابی برای این مبادی است تا این‌که مردم در اطراف آن پراکنده شوند و در حال رقابت برای رسیدن به قدرت باشند و این مبادی وارداتی جایگزین شریعت و قانون اسلام بشود، بنابراین حزب‌هایی برای کمونیستی، سوسیالیستی، ملی وطنی، دموکرات تشکیل یافتند و پرچم‌هایشان بر افراشته شد، روزنامه و مجله‌هایشان منتشر شد در حالی‌که در همان وقت با حرکت‌های اسلامی جنگ و مبارزه می‌شد روزنامه و مجله‌هایشان تعطیل می‌شد و از فعالیت حرکت‌های اسلامی جلوگیری می‌شد.

در کنار احزاب، جماعت‌ها و اجتماعات اسلامی را می‌بینیم که هر کدام از آنها اهداف خودشان را مشخص نموده و وسایلی را برای محقق ساختن این اهداف فراهم کرده‌اند، برخی از این جمعیت‌ها همدیگر را یاری می‌دهند و در میان برخی از آنها اختلافات با درجات متفاوتی روی می‌دهد.

همچنین می‌بینیم که اکثریت مردم مسلمان بین این احزاب سیاسی و جمعیت‌های اسلامی پراکنده شده‌اند، جمع دیگری از مسلمانان هستند که با هیچکدام از این احزاب و جمعیتها ارتباط و سر و کار ندارند بلکه در حال خودشان فرو رفته‌اند و به مسایل زندگی و خانواده مشغول هستند. این همان میدانی است که بر ما واجب است که تمام سعی و فعالیت‌مان را به کار بگیریم تا مردم را زیر پرچم اسلام گرد هم بیاوریم و در راه فعالیت صحیح و نیکو، برای دستیابی به هدف بزرگمان تلاش کنیم که آن هدف به قدرت رساندن و حاکم گرداندن دین خدا و برپایی حکومت و خلافت اسلامی است.

راه جمع کردن و ایجاد وحدت کلمه بین تمامی مسلمانان و ایجاد همبستگی و یکپارچگی در بین آنان به زنده گرداندن عقیده اسلامی در نفوس آنان، برانگیختن ایمان در دلها و شناساندن دین اسلام و عظمت و جهان شمولی آن به مسلمانان، وابسته است. همانا اسلام ما را از تمامی این مبادی زمینی‌ای که

ساخته‌ی دست بشر است و گذشت زمان ناتوانی و شکست آن را در سعادتمند کردن مردم ثابت کرده است، بی‌نیاز می‌کند؛ چون که برنامه‌ی اسلام ساخته‌ی خداوند جهانیان و آفریننده‌ی انسان است و خداوند به آنچه که خیر و صلاح انسانها در آن است آگاه است، ادب ایجاب می‌کند که برنامه و قانون خداوندی را با برنامه‌های ساختگی زمینی مقایسه نکنیم.

هرگاه ایمان به‌طور مستقیم با دلهای مردم ارتباط برقرار کند و در آنجا جایگزین شود مردم را به حب و دوستی و ایجاد الفت میان یکدیگر و دور انداختن و کنار گذاشتن هر نوع اختلاف و تفرقه وادار می‌کند و به‌خاطر اطاعت و نزدیکی به خداوند متعال به دعوتگرِ وحدت و یکتاپرستی لبیک می‌گویند و خواسته او را اجابت می‌کنند، خداوند می‌فرماید:

﴿وَٱعْتَصِمُوا بِحَبْلِ ٱللّهِ جَمِيعاً وَلاَ تَفَرَّقُوا وَٱذْكُرُواْ نِعْمَةَ ٱللّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ ٱلنَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِنْهَا﴾ (آل‌عمران: ۱۰۳)

*«و همگی به ریسمان (ناگسستنی قرآن) خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا رابر خود به یاد آورید. آنگاه که دشمنان (یکدیگر) بودید و خدا میان دلهایتان (انس و الفت برقرار و آنها را با هم) پیوند داد. پس (در پرتو نعمت او برای هم) برادرانی شدید، و (همچنین شما با بت‌پرستی و شرکی که داشتید) بر لبهٔ گودالی از آتش بودید ولی شما را از آن نجات داد.»*

سپس می‌فرماید:

﴿وَلاَ تَكُونُوا كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَٱخْتَلَفُوا مِن بَعْدِمَا جَاءَهُمُ ٱلْبَيِّنَاتُ وَأُوْلَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (آل‌عمران: ۱۰۵)

*«و مانند کسانی نشوید که پراکنده شدند و اختلاف ورزیدند. آن هم بعد از آن‌که نشانه‌های روشن (پروردگارشان) به آنان رسید و برای ایشان عذاب بزرگی است.»*

این همان راهی است که پیامبر خداﷺ بر آن حرکت و آن را پیموده است، و تلاشش را بر استوار گرداندن و استحکام عقیده توحید در جانها و بیان پوچ و بی‌ارزش بودن بتها و بطلان پرستش آنها، جز پرستش خداوند یکتا، متمرکز کرد. بعد از تلاش و کوشش‌های پیوسته‌ی او، جان‌ها برای داشتن وحدت و برادری و ایثار آماده شدند، که آن هم به‌طور آشکارا، هنگامی که پیامبر خداﷺ بین مهاجرین و انصار عقد اخوت برقرار کرد، نمایان شد و آن برنامه و گامی اساسی در آماده سازی و فراهم کردن پایه‌ای قوی و مستحکم و هماهنگ بود که ساختمان بر آن ساخته می‌شد. پس بر عاملین و فعالان در میدان دعوت اسلامی لازم است که در راه انتشار دعوت اسلامی و برانگیختن ایمان و گردآوردن مردم در زیر پرچم اسلام، تلاش و کوشش کنند و همه نوع اسباب و ابزار مشروعی که چنین هدف والایی را محقق می‌سازد، فراهم کنند و به‌کار بگیرند و در این مسیر صبر و حوصله به خرج دهند چون تغییر مطلوب و مورد پسند جز از خلال اجرای سنت و قانون خداوند، که تغییرناپذیر است، محقق نمی‌شود:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱)

*«خداوند حال و وضع هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر این که آنان احوال خود را تغییر دهند.»*

واجب است که چیزی از عزم و اراده‌ی فعالان راستین در میدان دعوت اسلامی، در رویارویی با عوامل فسادآور رسمی در دستگاههای تبلیغاتی و غیر آنها کاسته و تعطیل نشود. همچنین لازم است برای رویارویی با کارهایی که طرفداران عقیده باطل در زشت جلوه دادن سیمای اسلام و ایجاد شک در کارگزاران راستین دعوت اسلامی ایجاد می‌کنند در عزمشان هیچگونه نقص و تعطیلی رسوخ نکند.

چون باطل هر چقدر هم رشد کند از بین رونده است و در برابر حق نمی‌تواند استقامت کند خداوند راست فرموده است:

﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ﴾ (انبیاء: ۱۸)

*«بلکه حق را به جان باطل می‌اندازیم و حق مغز باطل را از هم می‌پاشد و باطل هر چه زودتر محو و نابود می‌شود.»*

همچنین سنت و قانون خداوند همیشه غالب و پیروز است:

﴿كَذٰلِكَ يَضْرِبُ ٱللَّهُ ٱلْحَقَّ وَٱلْبَاطِلَ فَأَمَّا ٱلزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَآءً وَأَمَّا مَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي ٱلْأَرْضِ﴾ (رعد:۱۷)

*«پروردگار برای حق و باطل چنین مثالی می‌زند، اما کفها (بی‌فایده و بیهوده بوده و هر چه زودتر) از بین می‌روند ولی آنچه برای مردم نافع است در زمین ماندگار می‌گردد.»*

بر ما واجب است که فرصتهای فتنه‌انگیزی دشمنان و گمراه کردنشان را از بین ببریم اما باید در این راه حکمت و آرامش را به کار گیریم و فعالیت جانانه و کوشش چشمگیری را به‌کار گیریم که در نهایت، بیداری مردم و گردآوری تعداد زیادی از آنان زیر پرچم اسلام و رهایی آنان از سایر پرچم‌ها و حزب‌های زمینی که زرق و برق پیشرفت ظاهری و پوچشان آنان را فریفته، منجر گردد، تا این‌که از رفتن به سوی فساد و میدان گناه، به اطاعت خداوند و رفتن به مساجد برای برپایی نماز به‌خاطر خدا باز گردند.

### جماعت‌های اسلامی در داخل یک سرزمین:

درباره تشکل‌ها و انجمنهای اسلامی؛ ما تمامی جماعت یا تجمع‌ها را می‌بینیم که برای محقق یافتن بخشی یا بخش‌هایی از خواسته‌های اسلام تلاش می‌کنند: ۱ـ در آن میان افرادی هستند که تمام سعی و تلاششان را بر عقیده‌ی توحید و پاک گرداندن آن از شائبه‌ی شرک، از راه اهتمام ورزیدن به علم و عمل کردن به احادیث شریف پیامبر متمرکز کرده‌اند. ۲ـ برخی دیگر هستند که به ساختن مسجد و انجام عبادتها و آگاهی یافتن در دین و پیروی از سنت پیامبر ﷺ اهتمام می‌ورزند. ۳ـبرخی دیگر هستند که به دعوت به سوی خدا و امر به معروف و نهی از منکر و نیکی کردن بر مسلمانان و دادن زکات و کارهای

دیگری اهتمام می‌ورزند. ۴ـگروه دیگری هستند که تمام سعی و فکرشان را بر جهاد در راه خدا و رویارویی با د شمنان خدا با قوت و توان متمرکز کرده‌اند. ۵ـگروه دیگری هستند که انواع راههای صوفیگرانه را در پیش گرفته‌اند. ۶ـگروه دیگری هستند که از دیگران به‌خاطر داشتن شک در عقیده‌اشان جدا می‌شوند و فاصله می‌گیرند و بر دیگران مهر کفر و فسق می‌زنند. ۷ـگروه دیگری هستند که برای برپایی حکومت و قانون اسلامی تلاش و فعالیت می‌کنند.

گاهی برخی از آنان در انتخاب و پیمودن راه صحیح، دچار اشتباه می‌شوند- این هم به‌خاطر اجتهادی است که انجام می‌دهند- در حالی‌که گروه دیگری غیر از آنها راه را درست می‌پیماید. چه بسا گاهی اختلافاتی بین برخی از تجمع‌ها روی می‌دهد که گاهی وقتها تا به حد برخورد فیزیکی می‌رسد. همچنین گاهی دیده می‌شود که برخی از افرادی که زیر پرچم‌های اسلامی گردهم آمده‌اند، دست نشانده دشمنان اسلام هستند که می‌خواهند از این طریق نقش ضدیت و منحرفی ایفا کنند تا به اسلام بدی کنند و ضربه بزنند و موجب ایجاد تفرقه بین مسلمانان بشوند.

آنچه بیان شد بیانگر واقعیت موجودی است که در بیشتر مناطق اسلامی به چشم می‌خورد و مشاهده می‌شود. وظیفه ما در برابر این همه مشکلات چیست؟ و چه راهی را باید برای جمع وحدت مسلمانان و ایجاد اتحاد بین آنان در پیش گرفت؟ تا نقش ما در این میان نقش پزشک متخصص و ماهری باشد که دردها را خوب تشخیص می‌دهد و نسخه مناسب را برای دردها تجویز می‌کند و مستقیماً کار درمان را به عهده می‌گیرد و صبر می‌کند تا این که درد کاملاً بهبود یابد و شفا حاصل گردد. جامعه‌ها دچار علتها و بیماری‌های فراوانی شده‌اند: در عقیده، در عبادت، در عادات و فهم و درکها و در اخلاق و غیره. پیدایش این مشکلات به علت‌هایی بر می‌گردد که برخی از آنها عبارتند از: مشغول شدن و روی آوردن مسلمانان به کالای زودگذر دنیا، کوتاهی کردن علما در قیام برای انجام وظیفه دعوت و پند و نصیحت، کم رنگ شدن کار امر به معروف و نهی از منکر، اشغال

سرزمین ما به وسیله دشمنان خدا و تسلط آنان بر سرزمین ما و کنار زدن شریعت و قانون خدایی از داوری و قانون‌گذاری، جنگ کردنشان با سرزمین اسلامی با انواع فسادی که وجود دارد، جنگ آنها و طرفداران و دست‌نشانده‌هایشان با دعوتگران راه حق و با حرکت اسلامی راستین و شجاع گرداندن دیگران بر انحرافات دینی، و سایر علت‌هایی که وجود دارد.

پس وظیفه بر ما حکم می‌کند که بیشتر مردم را به‌خاطر نادانی و قرار گرفتن تحت تأثیر تمامی این عوامل، معذور بدانیم به جای این‌که از آنها جدا بشویم و فاصله بگیریم و مهر کفر یا فسق یا شرک به آنها بچسبانیم؛ دستانشان را بگیریم و تصورات و درک و فهم اشتباه و خطاها و انحرافاتشان را تصحیح کنیم. چنین کاری باید در فضایی مملو از حب و دوستی و ارتباط خوبی انجام بگیرد. بعضی گمان می‌کنند که برقراری چنین ارتباط دوستانه و صمیمی با آنان به معنی اقرار ما به مخالفت‌ها و انحرافات آنان است در حالی که چنین ارتباط دوستانه وسیله‌ای برای یاری رساندن به آنان برای تصحیح و رهایی از این مخالفت‌ها و مشکلات است. باید روش ما در از بین بردن چنین مخالفت‌ها و رویارویی‌ها با حکمت و موعظه‌ی حسنه باشد، همچنین با وصیت کردن به حق و وصیت کردن به صبر و تحمل اذیت و آزارها و دیدن و چشیدن سختی‌ها و بدی‌ها باشد و آن که این بدی‌ها را با روشی نیکو برطرف کنیم و مقابله به مثل نکنیم به‌خاطر فرمایش خداوند که می‌فرماید:

﴿وَ لاَ تَسْتَوِی الحَسَنَةُ وَ لاَ السَّیِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِی بَیْنَكَ وَ بَیْنَهُ عَداوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمیمٌ﴾ (فصلت:۳۴)

*«نیکی و بدی یکسان نیست. با نیکوترین روش، پاسخ بده. پس ناگاه [می بینی] کسی که میان تو و میان او دشمنی‌ای است، همچون دوست صمیمی گردد.»*

از ره آورد این آیه بود که حسن البنا به اخوان می‌گفت: «کونوا مع الناس کالشجر یرمونه بالحجر و یرد علیهم بالثمر»

*(باش با مردم چون درخت بارور، می‌زنندش سنگ می‌بارد ثمر.)*

در هنگام سعی و تلاش برای جمع کلمه مسلمانان و یکپارچه گرداندن صف‌هایشان، از این قاعده طلایی کمک و بهره می‌گیریم «**نتعاون فیما اتفقنا علیه و یعذر بعضنا بعضا فیما اختلفنا فیه**»

*(در آنچه اتفاق داریم یکدیگر را یاری و کمک می‌کنیم و در آنچه با هم اختلاف داریم یکدیگر را معذور می‌دانیم.)*

همچنین بر ما لازم است که برای از بین بردن اسباب و علل تفرقه و اختلاف بین خودمان و دیگران و بین برخی از جماعت‌ها به اندازه‌ی توانمان تلاش و فعالیت کنیم، و در میان همه درباره‌ی خطر تفرقه و اختلاف نفرت ایجاد کنیم تا از تفرقه، گریزان باشند، و اهمیت وحدت را جهت مقابله با دشمنان اسلام و حیله و نیرنگ آنها و برنامه‌ریزی شوم دشمنان بر علیه اسلام و مسلمین، برای مسلمانان روشن سازیم.

مفید است اینجا برخی از مطالبی را که در رسائل امام بنا در باره موضع‌گیری و جایگاه ما، در برابر تشکّل‌های اسلامی وارد شده است ذکر کنیم؛ تا به وسیله‌ی آن در ادا و انجام نقش و وظیفه امان راهنمایی بشویم:

در رساله‌ی کنفرانس پنجم می‌گوید: «دوست دارم برای شما عزیزان، موضع‌گیری اخوان المسلمین را در برابر سایر تشکل‌های اسلامی در مصر روشن سازیم. بی‌شک بیشتر دوستداران خیر و نیکی آرزو می‌کنند که این جمعیت‌ها در کنار هم جمع بشوند و یک جمعیت اسلامی به هم پیوسته و واحدی تشکیل دهند که همگی با یک کمان تیر بیندازند، و وحدت کلمه داشته باشند؛ چنین خواسته‌ای امید و آرمانی بس بزرگ و آرزویی ارزشمند و گران‌بهاست که تمامی دوستداران اصلاحات در این کشور وجود آن را آرزو می‌کنند. اخوان المسلمین تمامی این تشکل‌ها را به رغم اختلاف دیدگاهها و میدان فعالیتشان جزو گروه‌هایی می‌داند که برای یاری رساندن به اسلام و پیروزی آن فعالیت و تلاش می‌کنند، و اخوان برای تمامی این تشکل‌ها آرزوی موفقیت و پیروزی می‌کند و فرصت طلایی را

از دست نمی‌دهد بلکه یکی از روشهایش نزدیک شدن به این تشکل‌ها و تلاش و فعالیت برای جمع کردن و متحد ساختن آنها گِرد یک فکر عمومی است»

سپس امام بنا در کنفرانس ششم بر این معنی تأکید می‌کند و می‌گوید: «موضع‌گیری ما در برابر تمامی تشکل‌های اسلامی، به رغم اختلاف منشها، موضع‌گیری دوستانه و برادروار و یاری رساندن است، آنها را دوست می‌داریم و کمکشان می‌کنیم و تلاش می‌کنیم تا این‌که بین دیدگاهها نزدیکی برقرار و بین افکار مختلف توفیق و جمع ایجاد کنیم؛ که به وسیله‌ی آن حق در سایه‌ی تعاون و دوستی پیروز بشود، و دیدگاه فقهی یا اختلاف مذهبی بین ما و آنها دوری ایجاد نکند. چون دین خداوند آسان گیر است، هرکس دین را سخت بگیرد خودش مغلوب می‌شود. همانا خداوند ما را برای برنامه‌ریزی والا و ارزشمند موفق کرده است. چون که حق را در اسلوبی آسان گیرانه که مورد پسند دلها است جستجو می‌کنیم، و عقل‌ها هم در پناه آن آرام می‌گیرند. معتقدیم که روزی خواهد آمد که در آن روز القاب و اسمها و تفاوتهای ظاهری و موانع دیدگاهی و نظری از بین خواهند رفت. و به‌جای آنها وحدت عملی جایگزین خواهد شد که آن وحدت عملی صفوف کاروان محمدی ﷺ را به دور یک محور جمع خواهد کرد. و جز برادران مسلمان چیز دیگری باقی نخواهد ماند که آنها هم برای پیشرفت دین فعالیت و کار و در راه خدا جهاد خواهند کرد»:

﴿وَمَن يَتَوَلَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُ وَٱلَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلْغَالِبُونَ﴾ (مائده:۵۶)

*«و هرکس که خدا و پیغمبر او و مؤمنان را به دوستی و یاری بپذیرد (از جمله حزب الله است) بدون شک حزب الله پیروز است.»*

ملاحظه می‌کنیم که امام بنا فرمود: در آنجا جز (اخوان مسلمون) برادران مسلمان کسی دیگر باقی نخواهد ماند. نفرمود (الاخوان المسلمون) یعنی این‌که در آن زمان همگی را برادریِ اسلامی جمع می‌کند بی آن‌که تفاوت و مانعی در بین آنها باشد.

می‌بینیم که سخنان امام بنا در کنفرانس پنجم ویژه‌ی تشکل‌های اسلامی در مصر بود. اما سخنانش در کنفرانس ششم عمومی بود و شامل تمامی تشکل‌های اسلامی در سرتاسر دنیا می‌شد. از این سخنان معلوم می‌شود که دعوت ما از نخستین روزش، جهانی است. و میدان فعالیت اسلامی ما شامل تمامی میدان‌های اسلامی بلکه جهانی می‌شود.

امام بنارحمة‌الله همیشه برای از بین بردن اختلافات سعی و کوشش می‌کرد. و ارتباط و تعامل خوبی با جمعیت‌ها و تشکل‌های اسلامی و رهبران آنها داشت و برای تقریب بین مذاهب، شرکت و تلاش می‌کرد، اما اجل به او فرصت نداد و پیش از این که برنامه‌های خودش را عملی کند جان به جان آفرین تسلیم کرد.

### اختلاف در فروع دین:

امام بنا درباره‌ی اختلاف در فروع دین می‌گوید: جایز نیست اختلاف در فروع دین مانع ارتباط و پیوند بین دلها و تبادل حب و دوستی و همکاری در نیکی باشد.

وی می‌گوید: «اختلاف در فروع دین امری اجتناب‌ناپذیر است. و به خاطر وجود اسبابی، اتحاد در فروع دین و آراء و مذاهب فقهی امکان‌پذیر نیست (امام بنا این مطالب را در رساله دعوتنا بیان کرده است)» سپس می‌گوید: تمامی اسباب به ما می‌فهماند که در فروع دین، اجماع بر امری واحد عملا محال است، بلکه آن با طبیعت دین منافات دارد، همانا خداوند می‌خواهد که این دین باقی و جاویدان بماند و با زمان همگام باشد. آن هم به‌خاطر همین حکمت آسان و سهل و انعطاف‌پذیری است و هیچگونه سخت‌گیری در آن نیست. ما براین امر اعتقاد داریم، و از کسانی که در برخی از فروع دین با ما مخالفت می‌ورزند، عذر می‌خواهیم و این اختلاف نمی‌تواند مانع همیشگی بین ارتباط و پیوند دلها و تبادل دوستی و همکاری بر خیر باشد و مانع این نمی‌شود که اسلام نتواند ما را و آنان را با تمامی فضل و نیکی‌اش در بر گیرد. آیا ما و آنان مسلمان نیستیم؟ آیا ما دوست نداریم حکمی را بپذیریم که دلها و جانهایمان آرام بگیرند و آنان هم

چنین دوست دارند؟ آیا ما نمی‌خواهیم برای برادرانمان دوست بداریم آنچه را که برای خودمان دوست می‌داریم؟ پس بنابراین اختلاف به‌خاطر چیست؟ چرا رأی و نظر ما مورد بررسی و مورد احترام قرار نمی‌گیرد همانطوری که رأی و نظر آنان در نزد ما مورد بررسی و احترام قرار می‌گیرد؟ پس چرا در فضای صفا و صمیمی و دوستی به تفاهم نمی‌رسیم در حالی‌که انگیزه‌ای برای تفاهم هست؟ نظر و آراء بعضی از یاران رسول الله ﷺ در فتوا دادن بر خلاف نظر بعضی دیگر بود، آیا آن اختلاف نظر، اختلافی در دلها ایجاد کرد؟ آیا وحدت آنان و ارتباط آنان را از هم گسست؟ نه، هرگز چنین نشد بلکه محبت و دوستی و ایثار آنان روز به روز بیشتر می‌شد خبر جریان برگزاری نماز عصر در قریظه ناآشنا نیست!![1]

## وظیفه ما در برابر همه‌ی آنچه ذکر شد:

در پرتو آن چه در بیان ضرورت جمع و وحدت کلمه مسلمانان گذشت، لازم است تلاش‌هایی را که جماعت اسلامی برای تحقیق این هدف والا به‌کار می‌گیرد، ادامه دهیم در عین حال به توجیهات و راهنمائیهای اسلام پایبند باشیم، وسایل و ابزارهایی به‌کار گیریم که ارتباط بین مسلمانان را تقویت کند و از هرگونه رفتار و دخالتی که ارتباط ما و ارتباط سایر فعالان در میدان دعوت اسلامی را تیره و تار و بد می‌کند دوری گزینیم، و پایبند به تشویق رهبران آن جماعت‌ها و تشکل‌ها بر هماهنگی و تفاهم و وحدت موضع‌گیری، تا جایی که امکان دارد، باشیم که همه اینها مقدمه و زمینه‌ساز ایجاد وحدت در بین مسلمانان است که به وسیله‌ی آن وحدت، تلاشها و فعالیت‌ها جهت برخاستن برای از بین بردن آن سستی و تنبلی و انجام کار مشترک برای به قدرت رساندن و حاکم گرداندن دین خدا در زمین بسیج و هماهنگ می‌شوند.

---

۱ـ رسالة دعوتنا.

### (۷) کار و فعالیت در میدان دعوت

﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (توبه: ۱۰۵)

«بگو (هر چه می‌خواهید) انجام دهید (خواه نیک، خواه بد، اما بدانید که) خداوند اعمال (ظاهر و باطن) شما را می‌بیند و پیغمبر و مؤمنان اعمال (ظاهر) شما را می‌بینند. و در آخرت به سوی خدا برگردانده می‌شوید که آگاه از پنهان و آشکار است و شما را بدانچه انجام می‌دهید مطلع می‌سازد.»

عمل صالح مرادف ایمان و تصدیق کننده آن است. وجود آن دو تا (ایمان و عمل صالح) با هم، از اسباب پیروزی و دستیابی به قدرت و سلطه و رسیدن به نعمتهای بهشتی هستند. کار و فعالیت در میدان دعوت، به‌خاطر به قدرت رساندن و حاکم گرداندن دین خدا و برپایی حکومت اسلامی، از برترین و شریف‌ترین زمینه‌های عمل صالح هست.

امام بنا به مسأله‌ی عمل و فعالیت اهتمام و توجه ویژه‌ای داشت و عمل را رکنی از ارکان دهگانه‌ی بیعت قرار داده است. هنگامی که در رساله «بین الأمس و الیوم» از وسایل عامه دعوت صحبت می‌کند، می‌گوید: «آن عبارت است از داشتن ایمان عمیق، تربیت کردن دقیق و ظریف و عمل پیوسته.» در کنفرانس پنجم بیان کرد که از ویژگی‌های دعوت اخوان المسلمین؛ ایثار و برتر دانستن جنبه‌ی عملی بر جنبه‌ی شعار و تبلیغات و دعوت است، از ترس این‌که مبادا شائبه‌ای از ریاء در این اعمال وجود داشته باشد که در آن هنگام تباهی و فساد به سرعت به سراغ آن اعمال می‌رود. برای روشن شدن بیشتر ارزش و جایگاه عمل می‌گوید: «خیال‌پردازی بر انسانهای فراوانی آسان است اما اینگونه نیست که هر خیالی که در ذهن می‌چرخد و پدیدار می‌شود بتوان آن را به شکل سخن بر زبان

جاری کرد، همانا افراد بسیاری هستند که می‌توانند بگویند و حرف بزنند، اما افراد کمی از این تعداد زیاد، در میدان عمل گفتارشان را با عمل اثبات می‌کنند، تعداد بسیاری از همین افراد کم می‌توانند کار کنند اما تعداد کمی از آنها بر حل مشکلات و سختی‌های جهاد و عمل طاقت‌فرسا قادر هستند.

این گروه مجاهد که آنها برگزیدگان آن تعداد کم از یاری دهندگان دعوت هستند، گاهی در راه دچار لغزش و خطا می‌شوند و اگر فضل و عنایت خداوندی آنها را در بر نگیرد، نمی‌توانند به هدف برسند. داستان طالوت، بیانگر این سخنان است که بیان شد. نفسهایتان رابا تربیت صحیح و گزینش دقیق و ظریف آماده کنید و آنها را با انجام عمل و به‌کارگیری آنها در کارهای خیر بیازمایید و نفس از انجام اعمال و فعالیت زیاد خشمگین می‌شود و بر آن سخت است، نفس را از شهوتها و وابستگی‌های آن و عادات بد دور نگه دارید.»[۱]

اینها سخنان آشکار و روشن و متناسب با هدف بزرگی هستند که جماعت اسلامی متعهد شده و خواستار این است که آن هدف بزرگ محقق شود هدفی که میدان کار و فعالیت برای آن روز به روز گسترده می‌شود و زمینه‌های فعالیت در آن متعدد می‌شوند و دستیابی به آن به زمان طولانی و تلاشهای زیادی نیازمند، و بی نیاز از گفتار و حرف زدن است. کسی صلاحیت تحمل این سختیها و انجام این کارهای دشوار را ندارد مگر کسانی که زندگیشان را وقف این دعوت کرده و در راه آن قرار داده باشند و نفس‌هایشان بر تحمل سختی‌های راه راضی باشند و برای انجام کارهای خیر بشتابند و گوی سبقت را بربایند. آنچه را که خداوند به آنها داده در راه خدا انفاق کنند در حالی که دلهایشان می‌ترسد، از این‌که آنها به سوی پروردگارشان باز می‌گردند و در برابر کردارشان بازخواست می‌شوند. کارشان را به دقت انجام می‌دهند به امید این که در نزد خداوند پذیرفته شود در این کار هیچ کوتاهی و سستی نمی‌کنند، رضایت خدا را می‌جویند و ریا کاری نمی‌کنند.

کسی برای حمل این بار گران و سنگین قیام نمی‌کند و این کارهای سخت و

---

۱ـ رسالة المؤتمر الخامس.

طاقت فرسا را انجام نمی‌دهد، مگر برادران عاملی که با تمام وجود برای رضای خدا کار می کنند و خودشان را موظف بر انجام آن می‌دانند. صلاح نیست که مردمان دیگری غیر از این نوع برادران فدائی، برای انجام این کارهای سخت و گرانبها اجاره شوند، هر چقدر هم که مال به آنان داده شود و به سوی آنان سرازیر گردد. اما برادر عامل و فعالی که با خداوند بیعت بسته است و در مقابل آن بهشت خدا را می خواهد، هر آنچه راکه در اختیار دارد از: وقت، تلاش، مال، علم، جان، به‌خاطر وفای به بیعتش در میدان عمل برای دعوت و جهاد، فدا می‌کند و در بخشیدن هیچکدام از آنها بخل نمی‌ورزد. در رکن فداکاری، امام بنا می‌گوید: «منظورم از فداکاری: بخشیدن جان، مال، وقت، زندگی و هر آنچه را فرد در اختیار دارد، در راه رسیدن به هدف والا است. در دنیا هیچ جهادی وجود ندارد که فداکاری همراه آن نباشد. و در راه فکر و اندیشه و ایده ما فداکاری ضایع و تلف نمی‌شود. همانا در برابر فداکاری اجر زیاد و ثواب و پاداش زیبایی در انتظار است، کسی که از جمع ما از فداکاری طفره برود و آن را نادیده بگیرد و از انجام آن شانه خالی کند، گنهکار است.»

﴿إِنَّ اللَّـهَ اشْـتَرَى مِـنَ الْمُـؤْمِنِينَ أَنْـفُسَهُمْ وَ أَمْـوَالَـهُمْ بِأَنَّ لَـهُمُ الجَنَّةَ﴾ (توبه:۱۱۱)

*«بی‌گمان خداوند جان و مال مؤمنان را به (بهای)بهشت خریداری می‌کند.»*

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آباؤُكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ﴾ (توبه: ۲۴)

*«بگو: اگر پدرانتان و فرزندانتان... »*

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لاَ يُصيبُهُمْ ظَمَأٌ وَ لاَ نَصَبٌ﴾ (توبه: ۱۲۰)

*«.. چراکه هیچ تشنگی و خستگی به آنان نمی‌رسد.....»*

## مسایل عمومی:

پیش از آنکه بعضی از حالاتی راکه افراد در مقدار و میزان عمل و فعالیتی که به طور متفاوت تقدیم دعوت می‌کنند و عدم موازنه‌ای که گاهی در بین کار و

فعالیت برای دعوت و فعالیتی که بـرای بـه‌دست آوردن نـیازمندیهای زنـدگی و مسایل خانه و خانواده روی می‌دهد و جانبی بر جانبی دیگر غلبه می‌کند، عرضه کنیم، برخی از مسایل عمومی را بیان می‌کنیم تا راه برای راهرو این مسیر روشن شود.

● از فرد مسلمان خواسته شده که در میدان دعـوت، فـعالیت و تـلاش کـند و کارهای دیگری هم به او مربوط می‌شوند مانند کارهایی که برای به‌دست آوردن روزی و برطرف کردن نیازمندیهای خانه و خانواده انجام می‌دهد. اگر بـه دقت بنگریم می‌بینیم که همه‌ی این کارها عبادت محسوب می‌شوند، تنها کار و فعالیت در میدان دعوت عبادت نیست، بلکه کار و تلاش بـرای بـه‌دست آوردن رزق و روزی حلال عبادت است، خوردن و نوشیدن مادامی که نیت دستیابی به قدرت و توان برای انجام عبادت و اطاعت از خدا باشد، عبادت است، درس خواندن به نیت یاری و استفاده رساندن به اسلام و مسلمانان عبادت است، ازدواج کردن به نیت عفت و پاکدامنی و تشکیل و برپایی خـانه مسـلمان و تـربیت نسـل صـالح عـبادت است، ورزش کـردن بـه نـیت قـدرتمند و نـیرومند شـدن بـرای تـحمل سختی‌های جهاد عـبادت است، هـمچنین انـجام ایـن کـارها بـا نـیت درست و جستجوی حلال، عبادت محسوب می‌شود که انجام دهنده آن، از جانب خداوند اجر و پاداش دریافت می‌کند و در این صـورت تـمام زنـدگی مسـلمان عـبادت محسوب می‌شود و فرمایش خداوند محقق می‌شود:

﴿وَمَا خَلَقْتُ ٱلْجِنَّ وَٱلإِنسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶)

*«و جنّ و انس را جز برای آن‌که مرا پرستش کنند، نیافریده‌ام.»*

● معنای مهم دیگری تابع این مفهوم می‌شود و آن هم این که برادر مسلمان تمامی این کارهایی که به امور روزمره‌ی زندگی و ازدواج و محل کار و سفرهایش مربوط است را تا حد زیادی به نفع دعوت اسلامی و اجرای خوب مسؤولیت و کار دعوت که به او واگذار شده قرار دهد.

● دین اسلام پیروانش را برای رفتن به دنبال کسب رزق حلال تشویق می‌کند و راضی نمی‌شود که مسلمان سربار دیگری بشود، به‌خاطر هـمین، امـام بـنا را

می‌بینیم که در ضمن بر شمردن توانایی‌های شخص مسلمان مطلوب، می‌گوید: فرد مسلمان باید توان کار کردن را داشته باشد. امام بنا برای کار کردن و استخدام در دستگاههای دولتی علاقه‌ای نداشت و به کار آزاد و تولیدی، علاقمند بود، در ضمن، به بر پایی موسسه‌های اقتصادی برای فعالیت‌های جماعت حریص بود تا این که روش و منهج اسلامی در داد و ستدهای اقتصادی اجرا شود و معاملات اقتصادی از هر گونه ربا و حرامهای دیگر دور و پاک باشد و حرکت اسلامی از لحاظ اقتصادی قدرت بگیرد و در بر پایی جامعه اقتصادی سهیم باشد.

● اصل این است که برادر مسلمان برای تقویت حرکت اسلامی از دارائیهایش ببخشد اگرچه آن بخششها از ضروریات زندگی هم باشند، بخشش تنها از مازاد بر ضروریات اکتفا نمی‌کند. امام بنا این معنی را مد نظر داشت او در پاسخ سؤالی که پرسیده شده که اخوان المسلمین مال را از کجا می‌آورند و نیازهای مالی را از کجا تأمین می‌کنند؟ می‌گوید: «برادران عزیز و دوست داشتنی، حرکت اخوان المسلمین را زیر نظر گرفته و مراقب آن هستند و می‌پرسند که اخوان از کجا این همه خرج می‌کنند و مال مورد نیاز را از کجا آورده‌اند که دعوتشان تا این حد پیروز و موفق و همچون دعوت آنها شکوفا شده است، در حالی که زمان بسیار سخت و نفس‌ها بخیل هستند؟ من در پاسخِ به این برادران می‌گویم: ستون و تکیه‌گاه دعوتهای دینی قبل از مال، ایمان است و قبل از کالا و متاع از بین رونده، عقیده است هرگاه و هرجا مؤمن واقعی وجود داشته باشد تمامی وسایل و ابزار موفقیت و پیروزی هم همراه او است.

مال و دارائی اندک اخوان المسلمین را برادران مسلمان از هزینه‌های خودشان جدا می‌کنند و از ضروریات خودشان و نیازمندیهای خانه و فرزندانشان کنار گذاشته و آن را ذخیره می‌کنند و با طیب خاطر و آسایش دل به حرکت اخوان المسلمین می‌بخشند، هر کدام از آنان دوست دارند که چندین برابر مال داشته باشند تا در راه خدا انفاق کنند، هرگاه برخی از آنان چیزی را برای انفاق نداشته باشند و نیابند، از فرط غم و اندوه به‌خاطر این که چیزی ندارند انفاق کنند با

چشمانی پر از اشک بر می‌گردند، این مال کم و ایمان قوی و بزرگ ـ حمد و ثنا و عزت از آنِ خداست ـ وسیله‌ای برای عبادتگران، جهت رسیدن به مقصد و موفقیت برای عاملین راستین است. همانا همه چیز در دست قدرت خداوند است در یک قرش از قروش اخوان برکت می‌اندازد.

﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُرْبِي الصَّدَقَاتِ﴾ (بقره: ۲۷۶)

*«خداوند (برکت) ربا را نابود می‌کند و (پاداش) صدقات را فزونی می‌بخشد.»*

● بی‌شک نعمتهایی را که خداوند به هر کدام از ما عطا کرده، از نعمت: سلامتی، مال، وقت، تلاش و فعالیت، عقل، علم و شناخت، پشتوانه‌ای قوی و سرمایه‌ای قابل سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند. سودمندترین تجارت برای سرمایه‌گذاری آن نعمتها، تجارتی است که خداوند با این عنوان شوق‌آور، آن را به ما عرضه می‌کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (صف:۱۰)

*«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی رهنمون سازم که شما را از عذاب بسیار دردناک (دوزخ) رها سازد؟»*

از یکدیگر می‌پرسیم: انسانی که سرمایه دارد و راه شرعی و قانونی برای سرمایه‌گذاری به او پیشنهاد و عرضه می‌شود، در حالی که سود تضمین شده‌ی زیادی را هم دربر دارد، اما این انسان سرمایه دار به جای این‌که سرمایه‌اش را در این راه قانونی عرضه شده سرمایه‌گذاری کند هر روز مقداری از مالش را در دریا بیاندازد و از دست بدهد و چیزی را در این راه قانونی سرمایه‌گذاری نکند یا مقدار کمی سرمایه‌گذاری کند نظرتان درباره این انسان چیست؟

چه بسا پاسخ این سؤال این باشد که این انسان نرمال نیست و دچار اختلالات عقلی شده است.

آیا می‌دانیم که این مثال بر تمامی افرادی که نعمتهای ذکر شده‌ی گذشته را در میدان کار دعوت و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، صدق می‌کند، به‌ویژه وقت و

عمری که بدون استفاده و بیهوده از بین می‌رود و هرگز بر نمی‌گردد، مانند مالی است که در دریا انداخته می‌شود، در حالی که این فرد می‌توانست در آن زمان و قبل از فوت فرصت، تلاش و فعالیت کند و مالش را در کاری سودمند برای دین خدا به‌کار گیرد اما آن را بیهوده رها کرد تا این‌که فرصت استفاده از آن را از دست داد و دیگر پشیمانی سودی نخواهد داشت.»

### تفاوت و تصحیح:

بعد از بیان این معانی عام برخی از حالاتی را که افراد در مقدارِ آنچه در میدان عمل و فعالیت تقدیم دعوت می‌کنند و در این کار با یکدیگر متفاوت هستند، عرضه می‌کنیم، و همچنین میزان سرعت و سستی و کندی‌اشان و تصحیح هر گونه اشتباه یا انحرافی در این جهت و روشن نمودن توازن خواسته شده بین کارهای دعوت و غیر از آن اشاره می‌کنیم: گاهی برادری را می‌بینیم که کار دعوت تا حد زیادی بر او غلبه کرده و تسلط یافته است تا جایی که او سعادتمندی و لذتش را در کار دعوت می‌یابد و گاهی کار دعوت به حساب کارهای روزمره‌ی زندگی قرار می‌گیرد یا به حساب رسیدگی به نیازمندیهای خانواده و خانه و فرزندان یا به حساب سلامتی اندام و اعصابش گذاشته می‌شود.

در نقطه‌ی مقابل، فرد دیگری را می‌یابیم که کارهای روزمره‌ی زندگی و مشغول شدن به رفع نیازهای خانواده و فرزندان بر او مسلط و چیره شده‌اند تمامی این کارها را به حساب فعالیت در میدان دعوت بلکه -اگر رحمت خداوند او را درنیابد- به حساب آخرتش قرار می‌دهد.

بین این دو شکل، اشکال متعدد با درجات متفاوتی وجود دارد، درست‌ترین و ارزشمندترین این اشکال، شکلی است که به مثال اولی نزدیکتر باشد با این شرط که اصلاحی در آن صورت گیرد، یعنی فرد وظیفه و فعالیت زندگی روزمره‌ی خودش را به شکلی صحیح انجام دهد؛ زیرا آن هم عبادت است و بر او لازم است دقت و محکم‌کاری بیشتری در فعالیت برای زندگی داشته باشد تا

درآمد و اندوخته‌ی زندگی روزمره‌اش حلال و پاک باشد، حقوق خانواده و خانه‌اش را از جمله رعایت حالشان، مهر و محبت‌ورزی و دوست داشتن آنها را به نحو احسن انجام دهد، چون او سرپرست آنهاست و در رعایت این سرپرستی مسؤول است، حق جسمش را ادا کند، به جسمش توجه داشته باشد و نیازمندیهای آن را برآورده کند، در غیر این صورت به خاطر سخت‌گیریها و بی‌توجهی به جسمش، در معرض بیماریها و ناراحتی‌های جسمی قرار می‌گیرد که در نتیجه از به دوش کشیدن و تحمل بار سنگین دعوت ناتوان و دچار ناراحتی و فشار اعصاب می‌شود، سپس ناراحتی و خستگی اعصاب بر فعالیت و تولید و ارتباط با برادران دیگر تأثیر و پیامد منفی دارد، خواه کار و فعالیت زیاد در میدان دعوت به سبب علاقه شدید ذاتی باشد یا به سبب برنامه‌ریزی بد و نامناسب کار و فعالیت‌ها و تکالیف زیاد باشد، یا همکاران و معاونان لازم وجود نداشته باشند. به هر جهت لازم است برای رفع این مشکل چاره‌اندیشی شود و اینگونه نابسامان رها نشود و به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که اعتدال و توازن را در پی داشته باشد.

بعد از بیان این مطالب باید دانست که اهتمام و توجه داشتن به همسر و فرزندان عبادت و وسیله‌ی نزدیکی به خدا و پیروی از ارشادت پیامبر خدا ﷺ است. برای برپایی خانه نمونه اسلامی لازم است که ارتباط افرادش همچون استحکام و به هم‌پیوستگی ساختمان، مستحکم باشد تا بتوان نسل‌های صالح پرورش داد. به‌خاطر همین باید تمامی افراد خانه در انجام وظیفه‌اش در قبال دعوت، یار و یاور او باشند و سست کننده و بازدارنده او از فعالیت برای دعوت و برپا کننده‌ی فتنه و ایجاد مشکلات در مسیر راه آن نباشند، هرگاه فرد تا حد افراطی به فعالیت در میدان دعوت مشغول بشود و از رسیدگی به خانه و خانواده و رفع نیازمندیهای مادی و معنوی آنها بی توجه باشد، اینگونه بی‌توجهی به آنان، مشکلات و ناراحتیها و چه بسا انحرافات را به‌بار می‌آورد که در نتیجه افراد خانواده در کار دعوت مانع و سست کننده و منشأ فتنه برای او می‌شوند. اینگونه حالات را ما عملاً حس کرده و تجربه نموده‌ایم، به‌ویژه در زمان پیش آمدن و

روی دادن سختی‌ها و مشکلات. سرپرست خانواده‌هایی که قبل از پیش آمدن و روی دادن مشکلات و سختی‌ها به خانواده‌اشان توجه و عنایت داشته باشند و نیازمندیهای خانواده را برطرف کنند در هنگام گرفتار شدن در محنت و مشکلات؛ خانواده منشأ راحتی و وسیله‌ی تشجیع کننده و یاور و پشتیبان آنان می‌شوند، اما سرپرست خانواده‌ای که قبل از گرفتار شدن در مشکلات به فکر نیازمندیهای خانواده نباشد، در زمان گرفتار شدنش در مشکلات، خانواده هم بر مشکلاتش می‌افزایند و وسیله‌ی تعطیلی و سستی او می‌شوند.

اما گاهی کار کردن و رسیدگی به امور زندگی و مشغول شدن به کارهای خانواده مدت زیادی از وقت برادر مسلمان را می‌گیرد که همه‌ی آنها به حساب فعالیت برای دعوت گذاشته می‌شوند.

گاهی چنین حالتی یا به خاطر نوع کاری است که از طریق آن رزق و روزی به دست می‌آورد، یعنی این که کار نوعی است که وقت فرد را از صبح تا پاسی از شب می‌گیرد، مانند برخی از کارهای آزاد یا به‌خاطر کار اضافی است که آن فرد برای درآمد بیشتر، اضافه کار می‌ایستد یا وابستگی زیادی که به فرزندان و خانواده و ... دارد.

شکی نیست که چنین حالتی خطا و اشتباه است و هرگاه چنین عملی از افرادی، زیاد سرزند، تأثیر زیانبار و خطرناکی را به دنبال خواهد داشت در نتیجه فعالیت دعوت و پیروزیهای آن در معرض تعطیلی قرار می‌گیرد. لازم است قبل از کم شدن توشه‌ی روحی دعوتگران، این گونه حالت‌ها درمان شوند و در صورت عدم اقدام برای درمان این مشکل، ادامه این کارها و حالت‌ها دعوتگران را احاطه می‌کنند و بعد از آن دل کندن آنان از آن کارها سخت می‌شود و ترس این می‌رود که حب مال در دلشان ریشه بدواند و دچار فتنه شوند همچنان که از گرفتار شدنشان در فتنه ازدواج و فرزندان ترسیده می‌شود.

نسبت به کارهای آزاد- که وقت زیادی می‌برند- لازم است که برنامه‌ریزی دقیقی برای تنظیم ساعت کاری برای انجام همه‌ی مسؤولیت‌ها صورت گیرد، به

گونه‌ای که وقت مناسبی هم برای فعالیت و تلاش در میدان دعوت فراهم شود. افزون بر آن کارهای آزاد می‌توانند در زمینه‌ای باشند که دعوت اسلامی به طور مستقیم یا غیر مستقیم با آنها در ارتباط باشد در این صورت کار کردن برای به‌دست آوردن امکانات و برطرف کردن نیازهای زندگی جزو کار دعوت به شمار می‌آید.

کسانی که برای به‌دست آوردن درآمد زیاد، کار اضافی می‌کنند، لازم است که در کار خودشان تجدید نظر بکنند، اما تعدادی هستند که به‌خاطر سنگینی هزینه‌ی خانواده مجبور به انجام اضافه کاری هستند، آنها را معذور می‌داریم. اما می‌توان برایَ این گروه کاری کرد که دعوت از توان و تلاش آنها محروم نگردد. ولی کسانی که تنها به خاطر درآمد زیاد، اضافه کاری می‌کنند در حالی که کار اصلی آنها برای هزینه زندگیشان کفایت می‌کند، برای آنان بهتر و شایسته است ـ در صورت نبود افرادی غیر از آنان جهت قیام برای حمل بار دعوت ـ که وقت و تلاش و فعالیت‌شان را برای حمل بار دعوت به‌کار گیرند. در اینجا نیازی به بیان ارزش اجر و پاداش خداوند، که هیچ مال دنیا با آن برابری نمی‌کند، نیست. جایز نیست که انگیزه‌ی انجام کار اضافی، رقابت با مردم – که در مال دنیا رقابت و برای رسیدن به کالای از بین رونده آن تلاش می‌کنند – برای رسیدن به سطح زندگی بهتر و فخرفروشی و زیاده‌طلبی باشد، بلکه لازم است زندگی اسوه خودمان محمد ﷺ و یاران گرامی او و سطح خوراک و پوشاک و اثاث منزل آنان را به یاد آوریم.

کسی که به کار اصلی خودش اکتفا می‌کند و مابقی وقت و عمر و فعالیتش را در راه دعوت الی اللّه به‌کار می‌گیرد، خداوند به مال و سلامتی و همسر و فرزندان او برکت می‌دهد. اما کسی که با عینک مادی محض می‌نگرد و کار اضافی را بر فعالیت در میدان دعوت ترجیح می‌دهد، گاهی در آن کارش به نوعی گرفتار می‌شود و آسیب می‌بیند که چند برابر در آمد وقت اضافی را برای آن هزینه می‌کند.

گاهی ظروف کار و فعالیت برای دعوت اقتضا می‌کند که برخی از برادران از کارهای دیگر دست بکشند و فقط به کار دعوت مشغول بشوند و هزینه زندگیشان از طریقی دیگر فراهم شود، از چنین افرادی برای کوتاهی در زمینه‌ی

دعوت عذری پذیرفته نمی‌شود. در میان سلف صالح افرادی بودند که برای انجام کار دعوت اقدام می‌کردند و هزینه‌ی آنان از جانب بیت المال تأمین می‌شد.

بر کسانی که خداوند درهای رزق و روزی رابه روی آنان گشوده و ثروتمند و جویای حلال هستند و از حرام می‌گریزند، لازم است که از این مال، حق خداوند را بدهند و آنچه را که دعوت نیازمند است برای آن فراهم کنند، چنین کاری تجارت سودمند و ارزشمند محسوب می‌شود:

﴿مَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَٱللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَٱللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۶۱)

*«مثل کسانی که دارائی خود را در راه خدا صرف می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برآرد و در هر خوشه صد دانه باشد، و خداوند برای هر که بخواهد آن را چندین برابر می‌گرداند. و خدا (قدرت و نعمتش) فراخ و (او از همه چیز) آگاه است.»*

همه‌ی ما می‌دانیم که چگونه عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف در آماده سازی لشکر مسلمانان با طیب نفس کمک کردند.

در پایان می‌گوییم: ما با این سفر و گردش در ژرفای نفوس، خواستیم مسأله‌ی فعالیت در میدان دعوت اسلامی و اهمیت آن را بیان، و مقیاسها و موازین را تصحیح کنیم تا این که آن دعوت ربانی باشد و مادی و دنیوی نباشد. و همگی با این ندای ربانی همنوا می‌شویم:

﴿يَا أَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنجِيكُم مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (صف:۱۰-۱۱)

*«ای مؤمنان! آیا شما را به بازرگانی و معامله‌ای رهنمود سازم که شما را از عذاب بسیار دردناک نجات دهد؟ (آن این که) به خداوند و پیغمبرش ایمان آورید، و در راه خداوند با مال‌ها و جان‌هایتان جهاد کنید. اگر بدانید این برای شما بهتر است.»*

## (۸) ارثی بودن دعوت اسلامی و به هم پیوستگی نسل‌ها

هدف اساسی از تشکیل و به پا خواستن جماعت اسلامی و سعی و تلاشش برای محقق شدن آن، هدفی بس بزرگ است و این هدف ارزشمند در میان یک نسل محقق نمی‌شود بلکه در میان چند نسل محقق خواهد شد، قدرتمند و حاکم گرداندن دین خدا در زمین و برپایی دولت اسلامی جهانی و در رأس آن خلافت اسلامی، موفقیت و پیروزی بزرگی است که نیازمند به تلاش و فعالیت زیاد و وقت طولانی است و به طور تدریجی و در طی مراحل مختلفی تکمیل می‌شود. به‌خاطر همین در راه دعوت از مسایل مهم و اساسی که لازم است به آن اهمیت داده شود، مسأله‌ی به ارث رساندن این د عوت از نسلی به نسل دیگر با تمامی ابعاد و اهداف و وسایل و با تمامی اصالت و تجربه‌ها و خبرگی‌های آن است، بی آن‌که تغییر و تبدیلی در آن صورت بگیرد. آنچه بر تکمیل این ارث رساندن به طور کامل و سالم کمک می‌کند، به هم پیوستگی قوی و محکم نسل‌هاست، بدون این که بین آنها مانع یا شکافی وجود داشته باشد.

## پیرامون تغییر جامعه‌ها در طول نسلها:

اگر به جامعه‌های بشری بنگریم، خواهیم دید که تغییراتی در آن از نسلی به نسلی دیگر به وجود می‌آید تفاوتی نمی‌کند که این تغییرات در زمینه‌های زندگی مادی دنیوی باشند یا در زمینه‌های علم و شناخت و اختراعات، یا در جنبه‌های روحی و راه و روش و اعتقادی باشند. اسباب و وسایل زیادی هستند که به وجود آمدن این تغییرات کمک می‌کنند، علم و دانش جدید، وسایل و ابزار جدیدی به جامعه بشری تقدیم می‌کند که تأثیر گسترده و فعالی در ایجاد این تغییرات در انسانها و جامعه انسانی دارد. به‌خاطر همین یاوران مبادی و اعتقادات و مذاهب

مختلف را می‌بینیم که برای جایگزین کردن و مسلط گرداندن مبادیشان در میان مردم، این وسائل جدید را به‌کار می‌گیرند.

ملاحظه می‌کنیم تغییراتی که در جامعه‌های بشری ایجاد می‌شوند برخی از آنها جامعه را تا حد زیادی از نسلی به نسل دیگر به هبوط و پستی می‌کشانند اما برخی از آنها جامعه را تا حد زیادی به سطحی والا و ارزشمند ارتقا می‌دهند، گاهی تغییر در یک جامعه از جهتی بسیار خوب و ارزشمند ولی از جهت دیگر بسیار پست و بی ارزش است.

## مسأله‌ی تغییر و تحول در میدان اسلامی:

برای این که مسأله‌ی به ارث رساندن و پیوستگی بین نسل‌های دعوت اسلامی و اهمیت آن در مسأله‌ی تغییری که آن قانون خداوندی در میان مخلوقاتش است را عرضه کنیم و خداوند در این زمینه می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱)

لازم و ضروری است به گذشته نزدیک دعوت اسلامی، سپس به وضعیت کنونی آن و به آینده‌ای که انتظار می‌رود، همچنین به آن چه امیدواریم اهداف دعوت در آن تحقق یابد، نگاهی سریع و گذرا بیندازیم.

بعد از آن که فتوحات اسلامی در شرق و غرب و شمال و جنوب تکمیل شد و پایان پذیرفت و تمدن بزرگ اسلامی به‌خصوص در اندلس برپا شد، در حالی که اروپا در عقب‌ماندگی قرون وسطی به سر می‌برد. اما بعد از آن به تدریج برخی از عوامل ضعف در میان مسلمانان پدیدار گشتند، بر اساس قانون و سنت خداوند در ایجاد تغییر و تحول؛ تغییر و تحول در میان مسلمانان شروع شد و دشمنان اسلام در آسیب رساندن به مسلمانان چشم طمع ورزیدند و جرأت پیداکردند که در رویارویی با مسلمانان قد علم کنند و توانستند بخشی از سرزمینها را که مسلمانان فتح کرده بودند باز پس گیرند، بخصوص اندلس و جنوب اروپا را. جنگهای صلیبی و حیله و نیرنگ بر علیه حکومت عثمانی پیوسته ادامه داشت،

دشمنان اسلام یکی پس از دیگری بخش اعظم سرزمین‌های اسلامی را اشغال کردند و خلافت اسلامی را ساقط نمودند، شریعت اسلامی را از سرزمین اسلامی دور افکندند و قوانین وضعی را جایگزین قوانین ارزشمند اسلامی نمودند و بر علیه سرزمین‌ها آتش جنگهای: اقتصادی، فکری و اجتماعی را برافروختند، فساد و اشغال و الحاد و بی دینی را در سرزمین اسلامی و در میان مسلمانان گسترش دادند، در نتیجه جنگ با سرزمین ما به مبشرین (مبلغان دین مسیحی) قدرت و سلطه داد که به کار تبشیری مشغول شوند، دولت‌ها و حکومت‌های ضعیف اسلامی برپا کردند که برنامه‌های آنها را اجرا می‌کردند و در سرزمین ما احزاب مختلفی به وجود آوردند و توانستند تا حد زیادی وحدت و یکپارچگی مسلمانان را به هم ریزند و آنان را متلاشی و متفرق کنند. همچنان اختلاف و جنگهایی در بین برخی از حکومت‌های اسلامی به بهانه مرزهای ساختگی جغرافیایی یا به‌خاطر علت‌های پوچ دیگری، برپا کردند.

همچنین می‌بینیم که نمودار تغییر و تحول به سرعت زیادی به پایین‌ترین و بدترین حد خود رسید اما خداوند و رسول او و سایر مؤمنان از این کار، بدشان می‌آید و از آن ابا دارند. به همین خاطر خداوند دعوتگران الی الله، امثال حسن البناء و غیره را برای اصلاح این امت گمارد تا این که کار دین را تجدید کنند و خداوند به آن دعوتگران توفیق داد و آنان را برای به دست گرفتن حکومت اسلامی و جلوگیری از موج سقوط و اشغالی که سرزمین اسلامی را در برگرفته بود، یاری داد. حرکت‌های اسلامی قیام کردند که بارزترین آنها جماعت اخوان المسلمین بود که حسن البناء (رح) آن را تأسیس نمود. بعد از مدت کوتاهی دیدیم که نمودار سقوط و اشغال در سرزمین و اعتقادات اسلامی متوقف شد بلکه می‌بینیم نمودار آگاهی اسلامی صعود کرد و رو به رشد و فزونی نهاد گرچه بر حسب واقعیت حال صعود آن کند است.

بنابراین زندگی و حیات جدیدی در کالبد امت اسلامی جان گرفت، بعد از آن که حرکت و فعالیتش توقف کرده و ساکن شده و آسیب دیده بود. ایمان راستین

بار دیگر راهش را به سوی دلهای جویای حق، گشـود تـا جـان تـازه‌ای بـه آنـها ببخشد و آنها را زنده کند. پدیده بازگشت به اسلام صحیح، راهش را به زندگی مردم و برای زنده گرداندن ملت‌ها آغاز کرد، بازگشت به عقیده سالم و پـاک از هرگونه شائبه و آمیزه‌ای از شرک، بازگشت به عبادت صحیح اسلامی عاری از هرگونه بدعت و خرافات، بازگشت به اخلاق اسلامی و آداب اسلامی در تمامی رفتارها و معاملات، تبعیت از سنت پیامبر و پایبندی به آموزه‌های اسلامی و ... راهشان را برای زنده گرداندن امت اسلامی گشود.

بنابراین بیداری اسلامی در میان مسلمانان روز به روز بیشتر می‌شود و پرده از نیرنگ و فریبکاری‌های دشمنان اسلام و دست نشانده‌ها و اسلوب و روشهای آنان برداشته شده است، پرچمهای اسلامی برافراشته شده‌اند تـا مسـلمانان در زیر آنان جمع شوند و برای نجات و رهایی از آثار استعمار، سعی و تلاش کنند و با تمامی ابزار و امکانات برای برپایی حکومت اسلامی و بـاز گـردادن خـلافت اسلامی تلاش کنند تا هر بخشی از سرزمین اسلامی را که بـه وسـیله دشـمنان غصب شده به چنگ مسلمانان باز گردانند ودر رأس آن آزادی فلسطین و مسجد الاقصی از چنگال صهیونیسم است تا این‌که خلافت اسـلامی از جـان و مـال و ناموس مسلمانان و سرزمین اسلامی در مقابل تجاوز دشمنان تجاوز کار حمایت کند، بلکه با رساندن دین خدا به تمامی مردم، سرزمین جدیدی را فتح کِرده و به سرزمین اسلامی بیافزاید، همچنین مسلمانان جدیدی را به مسلمانان بیافزاید.

دلیل ما بر این‌که میدان اسلامی در حال توسعه و وضعیت مسـلمانان رو بـه بهبود و نیکو شدن است ـ که این هم بر اثر فعالیت‌های حرکت‌های اسلامی به ویژه جماعت اخوان المسلمین است ـ همان تغییر در فهم و بـرداشت از اسـلام است. نگرش جهان شمولی اسلام و این‌که آن راه و روش کامل بـرای شـئونات زندگی دنیا و آخرت است، در میان تعداد زیادی از مسلمانان در گـذشته نـاشناخته بود، اما امروزه آن آشکارا شناخته شده و مألوف است، قرآن به عنوان قانون اساسی و شریعت اسلامی و حقانیت آن در سرزمین اسلامی عجیب و غریب بود در حالی

که امروزه نگرش و بینش بازگشت به احکام قرآن از خواسته‌های جمهور مردم است.

جهاد درگذشته در میان مردم مسلمان مرده بود اما امروزه در جان مسلمانان روح تازه و جهنده‌ای پیدا کرده است به‌ویژه در میان جوانان. برای آن مثالهای جالب و دل‌انگیزی در جاهای مختلف جهان اسلامی سراغ داریم. پس روحیه‌ی دین‌داری زنده و قوی، که در میان پسران و دختران جوان و مسلمان وجود دارد. اصرار زیاد برای تغییر فساد موجود، به واقعیت اسلامی صحیح که در میان جوانان وجود دارد بعد از آن که از دهها سال پیش دین مخصوص افراد پیری که خودشان را برای ملاقات با خدا (مردن) آماده می‌کردند اختصاص داشت، دینداری آنان تنها برای خودشان بود و به دیگران سودی نمی‌رساند. تمامی این پدیده‌ها و چیزهای دیگری- نظیر از بین رفتن مقدار زیادی از بدعت‌ها و زنده شدن تعداد زیادی از سنت‌ها - بیانگر این است که نمودار تغییر و تحول بیداری اسلامی رو به رشد و صعود است اگرچه کند و آهسته است، چون که آن تغییر ریشه‌ای و اساسی و هماهنگ با استحکام پایه و پی‌ریزی است که ساختمان بر روی آن ساخته می‌شود. همانا پایه و اساس ساختمان از مهمترین و سخت‌ترین مرحله در ساخت ساختمان است و ویژگی آن این است که آن در زیر زمین است هرگاه آن تکمیل شود ساختمان بر روی آن به سرعت ساخته می‌شود.

### نقش به ارث رساندن و به هم پیوستگی نسلها دراین تغییر:

هیچ شکی در آن نیست که پیوستگی و پی در پی بودن نسل‌های حرکت اسلامی و به ارث رساندن د عوت از نسلی به نسلی دیگر با تمام قوت و اصالت و خبرگی، در میدان اسلامی به دنبال این تغییر رو به رشد و نیکو شدن است. فضل و نعمت خداوند در تکمیل ارث رساندن دعوت در میان نسل‌های اسلامی به شکل سالم و صحیح - به رغم نیرنگ دشمنان خدا و جنگشان با دعوت و دعوتگران - آشکار و روشن است و به رغم تلاش پیوسته دشمنان برای از بین بردن جماعت اسلامی یا منصرف کردنشان از برنامه و قانون اسلامی، یا تلاش

دشمنان برای خشکاندن سرچشمه نسل‌های جوان و تازه‌نفس به وسیله ایجاد شکاف بین نسل‌ها، تا این‌که بتوانند به ارث بردن را مختل کنند یا انحرافی بین نسل‌ها ایجاد شود اما آنها در این کار شومشان شکست خوردند؛ چون که در برابر دعوت خدا ایستادند و خواستند با آن مقابله کنند؛ زیرا دعوت اسلامی، دعوت خداست و دعوت اشخاص نیست که به وسیله انسانها از بین برود بلکه آن نور خداست و هرگز انسان نمی‌تواند نور خدا را خاموش کند، خداوند می‌فرماید:

﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ ٱللهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى ٱللهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْكَافِرُونَ﴾ (توبه:۳۲)

*«آنان می‌خواهند نور خدا را با (گمانهای باطل و سخنان ناروای) دهان خود خاموش گردانند (و از گسترش این نور که اسلام است جلوگیری کنند) ولی خداوند جز این نمی‌خواهد که نور خود را به کمال رساند (و پیوسته با پیروزی این آئین، آن را گسترده‌تر گرداند) هر چند که کافران دوست نداشته باشند.»*

## ملاحظات و سفارشاتی درباره توریث و پیوستگی نسل‌ها:

توریث به طور نظری و از طریق خواندن کتابها و نامه‌ها و مقاله‌ها تکمیل نمی‌شود بلکه برای این‌که توریث سالم و قوی باشد، زندگی کردن با آن و ارتباط و پیوستگی بین تمامی نسلها، با نسلی که قبل از آن است، سپس با نسلی که بعد از آن می‌آید لازم و ضروری است. الگوی عملی محسوس، تأثیر زیاد و به سزائی در تغییر و توریث دارد. هرگاه دلها با هم آشنا بشوند و الفت بگیرند و جان‌ها با هم در آمیزند، حب و دوستی صادق و راستینی که ماده و وسیله‌ی به هم پیوستگی مستحکمی است تولید می‌شود؛ بر عکس اگر اختلافات یا کینه و کدورت در بین افراد و نسلها وجود داشته باشد چنین حالتی به هم پیوستگی را تضعیف می‌کند و مانع توریث صحیح و کامل می‌شود.

در فضایی آکنده از الفت و دوستی و ارتباط تنگاتنگ دلها و جانها، هر نسلی

از نسل پیشین، ویژگی‌ها و نشانه‌های راه دعوت را به طور شایسته یاد می‌گیرد، سپس اهداف کلی و جزئی را می‌شناسد و وسایل مشروع مهمی که به‌کار گرفته می‌شوند و وظایفی که انجام آنها مطلوب است را می‌شناسد، در نتیجه در زمینه‌های فعالیت و کار و تولید در میدان دعوت، همکاریهای لازم بین نسلها ایجاد و تکمیل می‌شود و تجربه و آگاهی از نسلی به نسل بعدی منتقل می‌شود و ارتباط محکم گفتاری و کرداری بین نسل‌ها و اشراف نسل پیشین بر نسل بعدی کامل می‌گردد و در سایه همزیستی و ارتباط تنگاتنگ، حکمت و تجربه‌ی پیران با سرزندگی و شادابی و نیروی جوانان ترکیب می‌شود، در نتیجه برای کسی که راه دعوت را می‌پیماید، حکمت و نیرو و میانه‌روی جمع می‌شوند. بسیار روشن است که تنها حکمت پیران بی سرزندگی و شادابی جوانان، کافی نیست؛ زیرا آن کندی و سستی حرکت و کمی تولید را به دنبال دارد، همانطوری که سرزندگی و شادابی جوانان بی حکمت پیران، منجر به احساسات و خطرها می‌شود.

اصل این است که هر نسلی در زمان فعالیتش تجربه‌ها و درس‌های جدید و تازه‌ای را به آنچه از نسل قبلی کسب کرده اضافه کند، این یعنی بر پشتوانه‌ی آگاهی و تجربه و درس‌آموزی نسل‌ها با آمدن هر نسلی افزوده می‌شود در این راستا، نسل ما آرزو می‌کند و امیدوار است که نسل‌های آینده بهتر و فعال‌تر و پایبندتر از آن باشد چون زمینه و میدان کار و فعالیت و دائره و پیرامون آن با گذشت زمان گسترده می‌شود، و بار مسؤولیت و سختی‌ها پیوسته در حال زیاد شدن هستند، همچنین چیدن میوه و به‌دست آوردن نتیجه‌ی این تلاش و کوشش پیوسته برای به قدرت رساندن و حاکم گرداندن اسلام، نزدیک است.

لازم است نسل‌هایی که در آستانه و همراه با مرحله پیروزی و قدرتمند بودن اسلام معاصر هستند، در سطح بالایی از قدرت و کفایت اسلامی باشند و هیچگونه کوتاهی و انحراف و تفریطی نداشته باشند بلکه باید نمونه‌ی صحیحی را برای تطبیق و دستورات اسلامی در حکم و تمکین، به طور عملی ارائه بدهند.

آنچه از تمامی نسل‌های اسلامی خواسته می‌شود این است که نسل بعدی را

برای حمل بار مسؤولیت دعوت و انجام وظایفش آماده کنند، آن را برای حمل بار مسؤولیت دعوت تمرین بدهند و بیازمایند و اگر اشتباهاتی روی دهد در همان زمان اصلاح شوند. بی‌شک چنین کاری بهتر از عدم تمرین دادن است؛ چون وجود اختلافات سبب ایجاد شکافهایی در بین رهبران دعوت اسلامی می‌شوند و به دنبال آن سقوط در سطح کسانی که بار مسؤولیت را بر عهده دارند و در سطح رهبران قرار گرفته‌اند به وجود می‌آید در نتیجه تأثیر کمّی و کیفی آن در کار دعوت و میدان عمل و تولید، منعکس می‌شود.

مفید است که افراد بعداز سازماندهی و منظم شدن، بر فکر کردن درباره کار دعوتشان عادت و تمرین داده شوند، از آنان خواسته می‌شود که نظرات و اقدامات خود را در زمینه‌ی کار و فعالیتی که بر آن مکلف شده‌اند بیان کنند، و بر برنامه‌ریزی و پی‌گیری آن و شناختن جهت مثبت و منفی آن تمرین کنند و مهارت لازم را به‌دست بیاورند. بدین شکل با گذشت زمان تجربه لازم و لیاقت کافی برای حمل بار مسؤولیت دعوت کسب می‌کنند و قدرت و توان رهبری در آنها رشد می‌یابد.

درست نیست که مسؤولیت دعوت و حمل بار رهبری و فرماندهی به‌مدت زیادی بر افراد خاصی متمرکز شود، بلکه واجب است که مسؤول‌ها و رهبران تعویض و افراد تازه نفسی وارد میدان شوند و دیگران هم دراین امر مشارکت داشته باشند.

اهتمام ورزیدن و توجه داشتن به اصل شورا و نصیحت کردن یکدیگر بین نسل‌ها لازم است، تا این‌که افکار مختلف با هم جمع شوند و در آمیزند و به پختگی لازم برسند و برای تمامی افرادی که رأی و نظرشان خیر و نیکی را به دنبال دارد امکان و فرصت مشارکت فراهم شود. باید مسؤولان دعوت، مشورت و آرای برادران و انتقادهای سازنده آنان را بخواهند، جایز نیست که مسؤولی با نصیحت و انتقاد خودش عرصه را بر دیگران تنگ کند. همه‌ی افراد دعوت خشنودی خداوند متعال را می‌جویند و یکدیگر را بر انجام کار نیک و تقوا یاری می‌دهند پس بار مسؤولیت بر عهده‌ی همه‌ی آنان است.

حریص بودن بر وجود اعتماد زیاد و سالم ماندن سینه‌ها از حقد و حسد و دوری از ایجاد اختلاف بین نسل‌ها، لازم است تا این‌که به هم پیوستگی و توریث، به کامل‌ترین شکل انجام پذیرد. درست نیست هیچ گونه شائبه یا مسأله‌ای که در سینه‌ها ناراحتی ایجاد می‌کند از نسلی نسبت به نسل دیگر باقی بماند، اما لازم است اگر مسأله‌ای ناراحت کننده روی داد، روشن گردانده و توضیح داده شود و از بین برود تا به اعتماد افراد آسیبی وارد نشود و ارتباط و صفای دل‌ها را تیره نکند.

از عوامل اساسی در مسأله‌ی توریث، پایبندی به امور اساسی‌یی است که بر سالم رفتن بر راه دعوت محافظت می‌کند و آن هم رعایت ارکان دهگانه‌ی بیعت (فهم، اخلاص، فعالیت، جهاد، فداکاری، فرمانبرداری، ثبات، تجرد، برادری، اعتماد) است. امام بنا آنها را ارکان بیعت قرار داده تا یکایک برادران به‌خاطر وفای به بیعت، محافظ و نگهبان امینی بر آنها باشند.

پس در مرحله‌ی آماده‌سازی و تربیت افراد برای حمل بار دعوت، توضیح این ارکان و آن اصول و غرس و جایگزین کردن آنها در جان افراد، لازم و ضروری است تا پایبندی به بیعت، صحیح و سالم باشد، به‌خاطر همین، عنایت و توجه داشتن به امر تربیت در صف جماعت واجب است تا توریث به نیکوترین شیوه و سالم انجام بپذیرد. همانا هر گونه کوتاهی و سهل‌انگاری در امر تربیت به طور مستقیم در ضعف و نقص توریث منعکس می‌شود.

در امر توریث اهتمام و عنایت داشتن به آگاهی از کار جمعی و شرایط و واجبات و راه و روش‌هایی که در رفتارها و همکاری‌ها وجود دارد واجب است و تأکید بر وجود مسایلی که پیش‌تر ذکر شدند از قبیل؛ آگاهی کافی از مسیر راه در آغاز حرکت، استمراریت، قوت و رشد و نمو داشتن و سایر مسایل بنیادینی که در راه دعوت لازم هستند.

تأکید بر داشتن اعتماد به جماعت اسلامی و راه و روش و اهداف و رهبری آن واجب است، این هم به خاطر حمایت از نسل‌ها در برابر حمله‌ی تشکیکی که ازجانب دشمنان دعوت و دست نشانده‌هایشان متوجه عاملان و فعالان میدان دعوت می‌شود.

لازم است همه‌ی نسل‌های اسلامی از تاریخ جماعت اسلامی در زمانهای مختلفِ گذشته، آگاهی کافی داشته باشند تا احساس یگانگی عمل و منتظم بودن مسیر آن در مراحل مختلف برنامه‌ریزی شده، حاصل شود و گذشته را به حال و آینده متصل کنند در نتیجه با اعتماد و اطمینان برای دستیابی و محقق ساختن هدف خواسته شده حرکت کنند.

از مسایل مهم و بنیادین در توریث، توجه به جانب روحی و بر گرفتن توشه برای راه دعوت است. درست نیست که توشه‌اندوزی برای راه دعوت با گذشت نسل‌ها کم بشود، بلکه می‌خواهیم روز به روز آن زیاد بشود چون آن ضامن اساسی برای حرکت صحیح و سالم و پشت سر گذاشتن مشکلات و موانع و گردنه‌ها و رهایی از فتنه‌هاست.

﴿وَ اللّٰهُ يَقولُ الحقّ و هُوَ يَهدِی السَّبیلَ﴾ (احزاب: ۴)

*«خداوند سخن حق می‌گوید. و او به راه راست راهنمایی می‌کند.»*

بی‌شک مسؤولیت دعوت مردم به سوی دین اسلام، شریف‌ترین کار و سخن گفتن در مورد آن نیکوترین گفتار است.
فراخوان مردم و راهنمایی آنان به راه درستی که سعادتمندی و رستگاری دنیا و آخرت را به دنبال دارد، از مسؤولیت‌هایی بسیارگران و ارزشمند است.
بر مؤمنی که نسبت به دین‌اش احساس مسؤولیت می‌کند، لازم است که با به کارگیری تمامي امکاناتی که در دسترس دارد، با رعایت شرایط زمان و مکان و افراد؛ برای دعوت به سوی خدا تلاش و فعالیت کند و فعالیت‌اش را خالصانه برای خداوند انجام دهد و با گفتار و کردار ارزشمند، الگوی نیکی برای دیگران باشد.
شایسته است که دعوت‌گر راه حق دلسوزانه و با مهر و محبت به میان مردم برود و فهم درست از اسلام را به آنان برساند، تا مردم با افکار و ارزش‌های اسلامی آشنا شوند و از روی آگاهی و قناعت درونی، رفتار و کردارشان را بر اساس قرآن و سنت تنظیم کنند.


9789643566999

